

حقیقت

۲۰

دو ماهه

علمی فرهنگی جهادی

سال چهارم، شماره دوم،

جمادی الاول و جمادی الثانی ۱۴۳۸ هق

حوت ۱۳۹۵، حمل ۱۳۹۶ هش



دوماهه حقیقت
علمی فرهنگی جهادی

سال چهارم، شماره دوم ، جمادی الاولی و جمادی الثانی ۱۴۳۸ هق - حوت ۱۳۹۵، حمل ۱۳۹۶هـ‌ش * فبروی و مارچ ۲۰۱۷ میلادی

فهرست مطالب

یادآوری:

مجله در ویرایش و تصحیح مطالب نویسنده گان دست باز دارد.

مطالب نشر شده در «حقیقت» انعکاس دهندهٔ آراء و نظریات نویسنده آن می باشد.

ادارهٔ مجله بدون سرمقاله مسؤلیت هیچ مطلب دیگر را بدوش نمیگرد.

صاحب امتیاز:
کمیسیون امور فرهنگی
امارت اسلامی افغانستان

مدیر مسئول:
احمد تنویر

دیزاین:
صابر بلوچ

تماس:
Haqiqat_mag@yahoo.com

سرمقاله



امریکا بر سر دوراهی ...

جنگ شانزده ساله که توسط ایالات متحده امریکا بر سرزمین افغانستان و ملت مظلوم این دیار تحمیل شده و روزانه تلفات بسیار ناگوار بر خانواده های افغان وارد می گرداند؛ اینک امریکا را بیش از هر زمانی دیگر دچار سردرگمی و پریشانی قرار داده است؛ طوریکه رهبران و استراتیژیست های آن کشور بر سر دوراهی گیر مانده اند که چیکار کنند؛ آیا (در افغانستان) بمانند و همچنان شاهد افتضاحات سیاسی، نظامی و اقتصادی خود بوده و افکار عمومی را در سطح جهان نسبت به خود و ملت خود بدبین تر و غیر قابل اعتمادتر بسازند و دست شان همواره به خون بیگناهان آلوده باشد و برای نسل های آینده خود مایه ای سرافگندگی و ذلت تاریخی شوند؛ و یا اینکه از افغانستان دست کشیده و قبول کنند که حضور نظامی شان در این کشور بی فایده بوده؛ نه به خیر و سعادت ملت شریف و بیگانه ستیز افغانستان است و نه به سود مالیات دهندگان و ملت امریکا، و از طولانی تر شدن جنگ، جلوگیری نموده و مانع از افتضاحات گسترده تر برای ایالات متحده شوند؛ چیزیکه شاید در واقعیت خواسته اکثریت ملت امریکا و همینطور سربازان خسته و دلشکسته امریکایی حاضر در افغانستان نیز همین باشد.
اینک با روایت های که رسانه ها از قول کارشناسان امور، جنرالان و مقامات نظامی و سیاسی امریکا نقل می کنند؛ اکثر قریب به اتفاق امریکایی ها در یک مورد نظر مشترک دارند؛ اینکه جنگ افغانستان به نتیجه دلخواه امریکا منتج نمی شود؛ همان آرمان و هدفیکه امریکا در بدو تجاوز به خاک افغانستان داشت تا با خیال خام خود با تسلط بر این سرزمین، فرمانروایی و سیطره قدرت و نفوذ سیاسی و نظامی خود در خارج از خاک امریکا را بر تمام کشورهای آسیای میانه افزایش داده و همچنان به عنوان قدرت اول جهانی مطرح بماند؛ اما اکنون که مبارزات کفرشکن و قربانی های بی مثال ملت مسلمان افغان و پیشرفت ها و پیروزی های روز افزون مجاهدین غیور و قهرمان آن دیار در دفاع از خاک و مقدسات اسلامی شان تمام معادلات سیاسی و نظامی اشغالگران خارجی را به هم ریخته و نقشه های شوم آنان را نقش بر آب نموده و چنان ضربه های سنگین در ابعاد وسیع از جهات مختلف، بر پیکر امریکا وارد گردیده که بدون تردید این جنگ طولانی هزینه های سرسام آور و غیر قابل جبران بر آن کشور تحمیل کرده است.
در این میان چیزی که از همه عجیب و جالب می نماید تکرار حمایت دوامدار امریکا از اداره متلاشی شده کابل و نیروهای اجیر، شکست خورده و بی روحیه افغان است؛ گویا امریکا هنوز هم نمی خواهد ضعف های بنیادی اداره کابل درعدم توانایی و شایستگی آن اداره در امر تامین امنیت، مبارزه با فساد، مواد مخدر و گروه های تبهکار و مافیایی را باور کند؛ و چطور از اداره ای که خود غرق فساد، جنگسالاری، اختلافات فاحش ذات البینی و اینکه همه روزه شکار افتضاحات گوناگون و گسترده ای سیاسی است انتظار حکومتداری خوب و مطلوب را دارد؛ اداره ای که هر روز جغرافیای داشته های ارضی و سیاسی اش را از دست داده و روز به روز محصورتر و مطرودتر می شود؛ بجاست امریکا واقعیت های جنگ افغانستان را بپذیرد و بیشتر از این خود را در سطح جهان و منطقه تحقیر نکند؛ و با فریب، نیرنگ و دو رویی با ملت خود و جهان مواجه نشود؛ چرا که اکنون دنیا آگاه تر از آن چیزی است که امریکایی ها گمان می برند؛ و همینطور عموم ملت مسلمان افغانستان نیز به این حقیقت تلخ رسیده اند که امریکایی ها جز ضرر و زیان به جان، مال و سرزمین شان هیچ مفادی نداشته و اگر چهار نفر غلام و اجیر از حضور امریکایی ها نفع می برند؛ آنها به هیچ وجه از تمام ملت با غیرت و با شهامت افغان نمایندگی نکرده بلکه افرادی بی هویتی اند که حاضراند بخاطر منافع شخصی خود هر قسم معامله ای با بیگانگان داشته باشند کما اینکه ممکن در هر سرزمین و ملتی از این دست افراد وجود داشته باشد؛ بناء صدای که از ضمیر آگاه ملت مسلمان افغان و از دل کوه و دشت این سرزمین برمی آید اینست که هرگز لحظه ای حضور نحس اشغالگران را تحمل کرده نتوانسته و از هر فرصت ممکن برای بیرون راندن متجاوزین خارجی دریغ نکرده و با جهاد مقدس خود تا رسیدن به عزت، آزادی و استقلال واقعی حاضر اند هر نوع فداکاری را با جان و دل بخرند.



تحقیق

احمد ذکی

افول ستارۀ تابناک از آسمان جهاد

(به مناسبت شهادت ملاعبدالسلام شهید)

راه جهاد با سختی ها و تکالیف مفروش است، شهادت، جراحت و اسارت از جملۀ مواد اساسی و عناصر لا یتجزای جهاد و مبارزه با کفار و پیروان شیطان می باشد. الله عزوجل می فرماید: (أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ) ترجمه: آیا پنداشتید که (تنها با ادعای ایمان) به بهشت داخل می شوید؛ در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما معلوم نداشته، و صابران را مشخص و جدا نساخته است؟!

یعنی باید خود را به خاطر دفاع از دین، ارزشهای دینی و مقدسات دینی آماده کرد، آمادگی که از تو جان و نفست را به قربانگان می برد.

در تاریخ چندین سالۀ جهاد معاصر و مبارزۀ علیه اشغالگران غربی شاهد از دست دادن دوستان و عزیزان خود می باشیم، عزیزانیکه محبت شان در ژرفنای قلب های مان خانه کرده بود و فراق شان اشک را از چشم جاری می سازد، اشکیکه باخون همراه است.

همانطوریکه در جهاد علیه امریکا ما قهرمانانی مانند ملاداد الله، مولوی عبدالحنان همت، حافظ بدرالدین، مولوی نورعباد، شیخ دوست محمد، امیرالمومنین ملا اختر محمد منصور و صدهای دیگر را - رحمهم الله رحمه واسعه - از دست دادیم، بتازگی فرزند عزیز دیگری اسلام، مجاهد فرزانه، قائد محنک، دلیرمرد غیور، مرد هژبر دوران، یکی از فرزندان با وفای امارت اسلامی و عالم عابد و زاهد ملا عبدالسلام آخند را الوداع کردیم و آنرا به جمع گذشتگان در شمردیم. انا لله و انا الیه راجعون.

حقاکه شهید در قاموس اسلام از جایگاه بلندی بر خوردار است و درجه شهید چنان عالی و بلند است که ما نمیتوانیم تصورش را نماییم. این منزلت آنقدر رفیع است که رهبر کونین و امام الرسل محمد بن عبدالله صلی الله علیه وسلم آرزویش را نمودند، چنانچه در حدیث صحیح وارد است که وی صلی الله علیه وسلم فرمودند: وَالذی نفْسُ مُحَمَّد بیده، لَوددْتُ أن أغزوَ فی سبیلِ الله، فَأُقْتَل، ثُمَّ أغْزو، فَأقتل، ثُمَّ أغزو، فَأُقتل » ترجمه: و سوگند به ذاتی که جان محمد صلی الله علیه وسلم در دست اوست، همانا دوست می دارم

که در راه خدا جهاد کنم و کشته شوم و باز جهاد کنم و کشته شوم و باز جهاد کنم و کشته شوم.روایت امام مسلم.
شهادت آرزوی هر مومن و مسلمان می باشد، مجاهدین که در مقابل اشغالگران و صلیبی های وحشی به پا خواسته اند یگانه مقصد و هدف شان شهادت در راه الله عزوجل می باشد، و گرنه این راه (راه جهاد) هیچ چیزی دیگری ندارد تا هوا و هوس های انسان را بر انگیزد و به حرکت در آورد.
عساکر طواغیت و مزدوران حلقه به گوش شان به خاطر کسب مال و دارای و ثروت به آن صف می پیوندند و به خاطر کسب متاع ناچیز دنیا اخ و دب می کنند، ولی سر سپردگان راه اسلام و مجاهدین سر به کف و راستین یگانهٔ آرزوی شان حصول رضای الله عزوجل و شهادت در راه او می باشد.
شهید -کما نحسبه- ملا عبدالسلام آخند از جمله عساکر با وفای امارت اسلامی بود که سالهای درازی از عمر خویش را در راه دفاع از دین و خاک خویش سپری نمود، تپه های دشت ارچی، کوچه های چهار دره، و باغ های امام صاحب با چهره وی آشنایی کامل دارند، وی رحمه الله از جمله مردان با عزم و راسخ بود، طول راه، سختی های زندان و فقدان رفیق و هم سنگر و از دادن عزیزان هیچ از عزمش نکاست، تجربه و پختگی اش را دشمنان قبل از دوستان گواهی میدهند (و الفضل ما شهد به الاعداء) . وی رحمه الله به فکر شکست دادن اشغالگران و بیرون راندن شان از سرزمین افغان می اندیشید و به همین خاطر تا آخرین رمق حیات رزمید.
ملا عبدالسلام آخند در پهلوی جهاد و جنگ مسلحانه به فکر تربیت فکری مجاهدین نیز بود، چنانچه در یکی از اقدامات خویش بیش از صدها جلد کتاب (مشارع الاشواق) را که به پشتو ترجمه شده بود در میان مردم توزیع نمود، و این کتاب انقلاب جدیدی در میان جوانان به وجود آورد. وی رحمه الله علاوتا کارهای زیادی دیگری فرهنگی و فکری را انجام دادند که ممکن در سیرت مکمل ایشان ذکر گردد.
ملا عبدالسلام آخند رحمه الله مرد دلسوز و مهربان بود، دائما به نیکی و مهربانی و شفقت با مردم عام دعوت می کرد، دستگیر یتیمان و مظلومین و دائما به فکر خانوادهٔ شهداء بود. وی رحمه الله سال پار در یک اقدام بی سابقه به صدها فامیل غریب و نادار کمک های انسان دوستانه نمود و این کار ایشان محبت ایشان و مجاهدین را در قلوب مردم عام دو چند ساخت.
ملا عبدالسلام آخند نظر با درایتی که داشتند، بعد اعلان وفات امیر المومنین و انتخاب امیر جدید، با آشوب گران،



شهید -کما نحسبه- ملا عبدالسلام آخند از جمله عساکر با وفای امارت اسلامی بود که سالهای درازی از عمر خویش را در راه دفاع از دین و خاک خویش سپری نمود، تپه های دشت ارچی، کوچه های چهار دره، و باغ های امام صاحب با چهره وی آشنایی کامل دارند

دسیسه چینان و فریب خوردگان با حکمت رفتار کرد و آنها را قانع ساخت تا با امیر جدید (شهید ملا اخترمحمد منصور رحمه الله) بیعت کنند و از آشوبگری دست بردارند. و تلاشهای شان درین راه به ثمر نشست و در یک مجلس با شکوه و تاریخی همه جمع شدند و با امیر جدید بیعت کردند که این کار ایشان ضربه قوی به پیکر مفسدین و حکومت دست نشانده بود، حکومتی که خواب اختلاف و متفرق شدن مجاهدین را در قندز به سر می پرورانید.
ملا عبدالسلام آخند رحمه الله از اختلافات مذهبی متنفر بود و فکر باز و سینهٔ فراخ داشت، چنانچه در اوائل جهاد یکی از برادران سلفی از ولسوالی دشت ارچی به نزدش آمد و در بارهٔ جهاد به گفتگو پرداخت، ملا عبدالسلام آخند رحمه الله با آن برادر با بسیار نیکی رفتار کرده و ویرا به جهاد تشویق کرد و بیعتش را پذیرفت و برایش گفت: شما به جهاد خود ادامه بدهید، ما مانع جهاد کس نمی شویم و هر کس میتواند به مذهب خود عمل کند و ما با آنها مشکلی نداریم. چنانچه آن برادر تحت تاثیر اخلاق و رفتار ملا عبدالسلام آخند قرار گرفت و تا آخرین رمق حیات در بیعت وی باقی ماند.
در اخیر از الله عزوجل مسئلت دارم تا شهادت این مرد مومن و مجاهد را بپذیرد و آنرا در جمع شهدای بدر و احد حشر نماید.

***



تمدن اسلامی و اهداف نهفته در آن

ابن مبارک احمدزی

یکی از چالش های عمده در عصر کنونی عدم آگهی جوانان ما از اصطلاحات سیاسی اسلام است که واقعا جای تأسف است، تجارب نشان داده است که دنیای غرب و در کل صلیبی ها همواره در پی آن اند تا جوانان امت اسلامی را از قضایای مهم امت اسلامی و رسالت های عمده بر دوش یک جوان دور نگه دارند، امروزه در بحث های سیاسی و دیپلوماتیک انگشت انتقاد به سوی امت اسلامی در رابطه به سهل انگاری آنان در بحث تمدن گرفته می شود، هر چند غرب و مزدوران اش بر آن اند تا مسلمانان را در کل به بربریت نسبت دهند و قسمی نشان دهند که گویا مسلمانان کاملا از تمدن دور اند، اما حقیقت این چنین نیست! مسلمانان در ارتباط با اثبات تمدن و اصالت رسالت متمدنانه ی خود نه تنها بر پایه ی نظریاتی که مطرح می کنند ، بلکه بر روی حقایق تاریخی خویش تکیه می نمایند زیرا تمدن اسلامی برتری و دادگرانه بودن رسالت خود را در تمامی ممالکی که آنها را آباد گردانیده به اثبات رسانیده است زیرا به هیچ وجه با استفاده از قدرت و سرکوب دین و نژادی را از بین نبرده است و ما در تاریخ درخشان خود مثالش را نداریم.

وقتی اندلس در کنترول مسلمانان بود مسلمانان در تمدن، عدالت وزندگی مسالمت آمیز و تعامل آنان با پیروان دیگر ادیان نظیر نداشتند اما دادگاه های تفتیش عقاید وروحیه ی ریشه کن کردن وسرکوبگری که مسیحیان حاکم بر اندلس اعمال می داشتند نشانه ی نهایت بی غیرتی آنهاست که همواره در خلال تاریخ در برابر نیکی بدی را به اجر می گذارند.

همچنین در شبه قاره ی هند که تمدن اسلامی در آن گسترش یافت و پایه هایش استوار گردید، با بسیج هندوها در کشوری که مسیحیان انگلیسی بر آن حاکم بودند و سپس آن کشور را به آنان سپردند ، و اینکه مسلمانان در سایه ی کینه توزی مشترک (هندو ها و نصرانی ها) چه مصایبی ها متحمل شدند ،به هیچوجه قابل مقایسه نیستند و تاریخ این چنین زورگویی ها و قلدوری ها را ثبت کرده است.

تاریخ تمدن و تجارت جاده ی ابریشم در آسیای میانه ی مسلمان نشین هرگز با اقدامات سرکوبگرانه و قتل و ویران و زیر پا لگدمال کردن حقوق اولیه ی انسانی توسط بلشویک ها قابل مقایسه نیست.

مسلمانان به قانون و سنت تداول و تنوع میان تمدن های انسانی پایبند بوده اند، تنوعی که چنانچه وجود نمی داشت ، حق از باطل ، توحید از شرک معلوم نمی گردیدند و چنانچه چنان تداولی در کار نبود تلاش های تمدن سازی انسانی در نقطه ی معینی از تاریخ بشری متوقف می شد ، اما مسلمانان همه ی بشریت را به صیانت از حقوق انسانی و عدم گسترش تباهی هایی که از پیروزی امتی بر امتی دیگر ناشی می شود ، دعوت کرده و همه را به خود داری از نابودی تمامی آنچه که به هویت دیگران تعلق دارد ، فرا می خوانند و در واقع همین است داعیه ی برحق رسول گرامی ما محمد صلی الله علیه وسلم.

مسلمانان به عنوان امتی جهانی دارای دینی واحد ، اما با ملیت ها و نژادها ی مختلف به خود نگاه می کنند ، لازمه ی چنین نگرشی این است که جهانیان به حقوق ایشان در ارتباط با پیوند ها ، حمایت از یکدیگر، محافظت از حقوق ، ثروت و هویت خویش اعتراف کنند ، و در این مورد هشدار می دهند که صلح و امنیت جهانی در کنار پایمال کردن این حقوق تحقق پیدا نخواهند کرد ، سیاستی ستمگرانه ای که نصاری و یهودی ها در طول قرن بیستم میلادی و در تمامی نقاط جهان از اندونزیا تا مراکش و تا افریقا برای اجرای آن تلاش کرده اند و متأسفانه در نتیجه ی غفلت امت هر مأموریتی که خواست شان باشد در سرزمین های اسلامی اعمال می کنند.

مسلمانان جهانی را که منظومه ای از ارزش ها بر آن حاکم باشد ، غیر از آنچه نصاری و یهودیان در طول قرن بیستم بر جهان حاکم کرده اند ، آرزو می کنند ، سیاستی ستمکارانه ای که کرامت و ثروت بشریت را هدف قرار داده ، ودر عرصه های اقتصاد و سیاست وفرهنگ تباهی ها و نانجاری های بسیاری را گسترش بخشیده است. همین است ادعای ما و همین است هدف ما و این نه تروریزم است و نه هم افراطیت.

تا جایی که در پایان قرن بیستم صاحب نظران مسیحی و یهودی در این امید و آرزو بودند که به جز نژاد سفید تمامی انسان را از هستی ساقط کنند و از صفحه ی روزگار محو نمایند ، هر کس باور ندارد به سخنان و دید گاه های رهبران خود کامه و فرعون صفت آمریکا و نژاد پرستی ایشان مراجعه کند، هیتلر در حدود شش میلیون یهودی را بخاطر همین مسایل ار بین برد.

مسلمانان آرزوی گسترش منظومه ای از ارزش های اخلاقی و متمدنانه را دارند که بر پایه های فضیلت و علم – نه برتری نژاد و رنگ – قرار داشته باشند، رسول گرامی صلی الله علیه وسلم ما را چهارده صد سال قبل امر بدان فرموده است که «هیچ یک از شما خویشتن را بر دیگری برتر و بالاتر نه شمارد و نه هم برتر شده می تواند جز به تقوا و پرهیزگاری.»

مسلمانان با چشم احترام به موفقیت های علمی ، تکنولوژیکی و اداری تمدن غرب می نگرند ، و ادامه ی آن موفقیت ها را درجهت خدمت به بشریت و تقویت روابط سالم و سازنده میان ملّت ها آرزو می نمایند ، و به افق های روشنی از همکاری فعال مسلمانان در مورد افزایش و استوار نمودن پایه های دانش و تکنولوژی بر پایه ی دین بزرگ و تاریخ پر افتخار خویش چشم می دوزند .

مسلمانان با هدف قرار دادن ومحو هویت ،رنگ ، نژاد و دین یک ملّت مبارزه خواهند کرد ، همان اقدامی که مسیحیان اروپا در قرن های گذشته به ویژه در قرن بیستم علیه یهودیان ، و هندوها در شبه قاره ی هند با تشویق و حمایت مسیحیان اروپایی به ویژه انگلیسی ها علیه مسلمانان و همچنین مسیحیان آمریکا علیه سرخپوستان بومی و صاحبان اصلی آن سرزمین صورت دادند .

مسلمانان با چشم احترام به موفقیت های علمی، تکنولوژیکی و اداری تمدن غرب می نگرند، و ادامه ی آن موفقیت ها را درجهت خدمت به بشریت و تقویت روابط سالم و سازنده میان ملّت ها آرزو می نمایند، و به افق های روشنی از همکاری فعال مسلمانان در مورد افزایش و استوار نمودن پایه های دانش و تکنولوژی بر پایه ی دین بزرگ و تاریخ پر افتخار خویش چشم می دوزند.

مسلمانان با منظومه ی اخلاقی منفی گرایی همراه با فلسفه « جهانی شدن » مورد حمایت آمریکا با هدف نابودی خانواده ی بشری و گسترش هم جنس بازی که آمریکایی ها آن را از جامعه ی « سدوم » به ارث برده اند و گسترش سوء استفاده ی جنسی از کودکان و بردگی سیاهان برای سفید پوستان و دیگر منظومه های ضد اخلاقی و ضد ارزشی آمریکا ، به شدت مقابله خواهند کرد .

مسلمانان با روح سلطه گری طاغوتی و روش تبلیغاتی کاذبی که بر سردمداران کاخ سفید آمریکا حاکم است ، مبارزه خواهند کرد ، سلطه گری و دیکتاتوری آنچنانی که آنها را تا مرز تهدید تمامی جامعه ی بشری و تلاش برای نظامی نمودن فضا ، گسترش اسلحه ی کشتار جمعی و روا شمردن قتل عام تمامی ملّت هایی که این ماجراجویی و آشوب گری آمریکا را مورد تایید قرار نمی دهند ، به پیش برده است .

مسلمانان با دیگر ملّت های جهان در زمینه ی حمایت همه جانبه آینده ی استقلال سیاسی و اقتصادی ملت های جهان مشارکت می نمایند ، به ویژه در سایه ی برنامه های احتکار و سلطه ی اقتصادی که آمریکا با ادعا و بهانه ی جهانی نمودن و اقتصاد آزاد آنها را دنبال می نماید .

تمدن اسلامی در قبال روابط جهانی نکات ذیل را مراعات می کند و به آن پابند است:

مسلمانان به بازسازی ساختار و تقویت پایه های قوانین

حاکم بر روابط بین المللی متناسب با آرزوی تحقق عدالت ، مساوات و حفظ حقوق بشرامیدوارند . به ویژه در سایه ی ناکامی و نا بسامانی هایی که جهان در ارتباط با نظام جهانی شاهد آن است . جهانی که همچنین شاهد گسترش دامنه ی ستم و سیاست ها و قطعنامه های جانبدارانه ی رهبران کشورهای بزرگ عضو شورای امنیت بوده است ، تا اینکه خداوند اراده فرمود و یکی از بزرگترین محورها و رؤوس آن یعنی اتحاد جماهیر شوروی ملحد دچار فروپاشی گردید همچنین در سایه ی قلدری و ستمگری همه جانبه ای که ایالات متحده ی آمریکا می خواهد آن را بر بشریت تحمیل نماید .

همچنین مسلمانان برای گسترش منظومه ی حقوقی در روابط بین المللی که بتواند امنیت و آسایش را به بشریت باز گرداند ، تلاش می نمایند ، امنیت و آسایشی که سیستم های اقتصادی ، نظامی و سیاسی سلطه گر آنها را مورد تهدید قرارداده اند ، برخی از محور های آن منظومه عبارتند از: حقوق همجواری میان ملّت ها و مناطق گوناگون ، حقوق متعلق به همکاری در مورد منافع عمومی و حقوق متعلق به تقسیم ثروت های مشترک ، قوانین و حقوق مربوط به رفع ستم و رویارویی با ستمکار ، قوانین متعلق به جلوگیری از سوء استفاده از درآمدهای طبیعی و موارد دیگر .

مسلمانان همه ی جهانیان را به ضرورت پایان دادن به مشکلات و مصایب ملت های جهان بر اثر ا دامه ی شوم ستمکاری نظام استعماری قدیم که در قرن بیستم بر جهان حاکم بوده اند (و یا اینکه حالا حاکم است) ، مانند امپراتوری فرانسه ، انگلستان و ... و پیامد های آن مانند دخالت در بنای ساختار واقعیت سیاسی ، اقتصادی ، فرا می خوانند ، و اضافه بر آن برای رویا رویی با نظام استعماری نوین به رهبری ایالات متحده ی آمریکا تلاش جهانی را طلب می نمایند.

مسلمانان با نگرانی تمام به تلاش های مداوم از طرف آمریکا و کشورهای هم پیمان آن برای محروم نمودن ملّت ها از حقوق خود در تعیین سرنوشت خویش به ویژه در کشمیر ، فیلیپین، فلسطین، برما، شام و ... زیر نظر دارند و آنها را بدست فراموشی نمی سپارند ، همچنین محروم نمودن آنها از تعامل بر پایه ی ساده ترین قواعد جنگ و صلح مانند حق قانونی و بین المللی مقابله ی نظامی با اشغالگران و حقوق اسیران جنگی مورد توجه دارند . همچنین اقدامات آمریکا به دادن حق مطلق و جهانی به خود در مورد تعیین حکام ، تغییر نظام های آموزشی کشورها ، تحمیل شرایط غیر منصفانه و زور گویانه بر دیگران مانند وضعی که بر افغانستان ، عراق و... حاکم گردیده اند و ناچار نمودن ایشان به تسلیم و عبودیت مطلق آنان به هیچ وجه پذیرفتنی نیستند.

مسلمانان با نگرانی بسیار تلاش های سخت و مداوم آمریکایی ها در ارتباط با جلو گیری از هر گونه پیشرفت در روند اجرای شریعت اسلامی در ممالک مسلمان نشین و ادای نقش وکیل و وصی مدوام بر ملت های مسلمان و صدور قوانین لازم الاجرا از ماورای بحار مانند: قانون متعلق به وضع سودان که به آمریکا اجازه می دهد از همه وسایل و راهکارها برای جلوگیری از پیشرفت اجرای شریعت اسلام در سودان استفاده کند ، ملاحظه و مشاهده می نمایند و یا سند امنیتی که در افغانستان را اجیران فروخته شده با طاغوت بزرگ (امریکا) به امضاء رسانید، سندی که آمریکا را در ظلم و حشت آفرینی دستان باز می دهد و جرأت فراوان!!

مسلمانان امیدوارند سیستم مربوط به اهرم های فشار بین المللی و تأمین امنیت و حقوق تمامی مردم جهان به گونه ای دچار دگرگونی بشود و حرکت های آزادی خواهانه بدون ارتباط با نیروهای استعمارگران بر جهان گسترش پیدا نمایند (و همین است تقاضای دین مقدس مان که ما آنرا بنام جهاد یا قتال می شناسیم و به آن عقیده داریم) حرکت های آزادی بخشی که کردار آنها گفتارشان را تکذیب ننماید .

مسلمانان خواستار آزاد سازی مراکز و تریبون های بین المللی از زیر سلطه و حاکمیت ایالات متحده آمریکا می باشند .

مسلمانان برای رهایی جهان از نظام هایی که زندگی بشری را مورد تهدید قرار می دهند ، تلاش می نمایند، مانند قلدری هایی که از جانب آمریکا و اسرائیل و کشورهای هم پیمان ایشان جهان امروز را مورد تهدید قرار می دهد .

مسلمانان جهانیان را به تحمیل مسئولیت همه جانبه ی آشوب ها و نابسامانی های جهان بر دوش آمریکا به خاطر تلاش مداوم آن کشور برای تحمیل خواست خود بر ملت ها ، فرا می خوانند .

مسلمانان به اسباب انسانی تاثیر گذار بر روی آوری به مهاجرت توسط ملت های جهان احترام می گذارند و به حقوق مهاجرین در مورد آسان گردانیدن اسباب زندگی ایشان و حمایت از وجود و پذیرش آنان در جامعه های جدیدی که به آن وارد شده اند – بدون توجه به گرایش های دینی و نژادی ایشان – اقرار و اعتراف می نمایند .

مسلمانان خود را موظف به حمایت از حقوق انسان در جهان می دانند و برای تقویت پایه ها و توان فعالیت های متعلق به حقوق بشر که انسان را از زندگی با کرامت و برخورداری از زندگی طبیعی و دستیابی به حقوق خود می خواهند ، از ارزشهای تمدن خویش موادی را بر آنها اضافه می نمایند . بدون آنکه از این رسالت سوء استفاده ی عقیدتی و سیاسی صورت بگیرد . مسلمانان در راستای مبارزات خویش همواره صادق بوده اند.

به امید پیروزی حق بر باطل ان شاء الله.

مصاحبه اختصاصی مجله حقیقت با

محترم مولوی غلام حیدر احمدی



مسئول کمسیون نظامی در ولایت هرات باستان

سعید افغان

اداره مجله: جناب مولوی صیب محترم ابتداء اگر خود را برای خوانندگان عزیز ما معرفی بفرمایید؟
الحمد لله والصلاة والسلام علی سید القادات وقائد السادات.
رجل الرجال وبطل الأبطال.
إمام المجاهدين الصادقين.
وقدوة الموحدين الوحدويين.
وعلى آله وصحبه وقادته الفاتحين.
بنده مولوی غلام حیدر احمدی از ولسوالی کهسان ولایت هرات.

اداره مجله: جناب محترم اگر بطور کلی راجع به فعالیت های نظامی مجاهدین امارت اسلامی در گوشه و کنار ولایت باستانی هرات توضیحاتی بفرمایید؟
قبل از اوضاع نظامی باید یک مقدمه کوتاهی داشته باشیم در باره هرات و یک مقایسه مختصر، آن وقت است که فعالیت های نظامی هرات را میتوان ارزیابی نمود.
طوری که به شما معلوم است هرات یک ولایت بسیار مهم و مرکز زون است که از هر لحاظ مورد توجه حکومت اجیر ودیگر باداران شان بوده و هست.
هرات مرکز یکی از فرمانده هان نظامی ، وعلماء درباری است، که در هرات نقش عمده دارند که یکی از طریق قدرت نمائی نظامی و لابی گیری از جهاد جلوگیری میکند ودیگری از راه تحریف قران و منابع فقهی.
هرات مرکز گروه های اسلامی است، که بعضی شان فعلا از هر لحاظ مخالف جهاد مسلحانه است.
ملت ما در زمان تجاوز و اشغال روس به دو گروه تقسیم شده بودند:
۱: مجاهد
۲: حکومت و ملیشه های حکومتی
در دیگر ولایت ها اکثر مجاهدین گذشته لله الحمد در این جهاد مقدس نیز سهم گرفتند، اما در هرات چون اکثر مجاهدین وابسته به احزاب جهادی بودند، و یکی از فرماندهان مهم جمعیت در هرات اسماعیل خان است، و متاسفانه اسماعیل خان بجای اینکه در کنار مجاهدین باشد در کنار اشغالگران بوده وهست. و ملیشی ها نیز کما فی السابق طبق همان عادت نوکری خویش در این جهاد نیز بجای نوکری شرق نوکری غرب را با افتخار پذیرفتند.
فلذا در هرات در ابتداء فقط علماء وطلاب مدارس دینی در جهاد سهیم شدند و شرکت نمودند و آهسته آهسته بعد از بیان حقیقت و بدست آورد دل ملت ، ملت عزیز هرات نیز در رکاب مجاهدین امارت اسلامی قیام نمودند و هم اکنون با جان و مال خویش جهاد میکنند.
هرات یکی از ولایات مهم افغانستان است ، که ساحات زیادی از خاک وطن عزیزو قهرمان پرور ما را در آغوش گرفته است، اگر تنها ولسوالی شیندند را با بعضی از ولایات افغانستان مقایسه کنیم نتیجه خوبی از اوضاع نظامی و فعالیت مجاهدین را میتوانیم درک نمائیم؛ بطور مثال ما یک ولایت مهم افغانستان را با ولسوالی شیندند قیاس کنیم؛ مثلا:
مساحت و نفوس ولسوالی شیندند هرات. ۲۰۰۰۰کیلومتر مربع، جمعیت.۸۵۰۰۰۰ نفر
مساحت ولایت نورستان. ۹۲۶۷ کیلومتر مربع. جمعیت: ۱۳۴,۱۰۰نفر
خلاصه اینکه ولسوالی شیندند از لحاظ مساحت جغرافیائی ونفوس حتی از بسیاری از ولایت بیشتر است
ولله الحمد ٪۹۵ولسوالی شیندند تحت کنترل مجاهدین قراردارد.
و بطور کلی میتوانیم ولسوالی های هرات را به سه دسته تقسیم نمائیم:
۱: ولسوالی هائیکه در آنها مجاهدین به جز مراکز در اکثریت مطلق تسلط کامل دارند.
ا: ولسوالی شیندند
ب- ولسوالی گلران
ج- کشک کهنه

د- ولسوالی فارسی
۲: ولسوالی هائی که درآنها مجاهدین حضور فعال دارند: ولسوالی ادرسکن، چشت، اوبه و پشتون زرغون.
۳: ولسوالی هائیکه مجاهدین در آن فعالیت دارند. انجیل، کرخ، غوریان، کهسان و زنده جان
فلذا هیچ نقطه ولایت هرات بدون فعالیت و خالی از تشکیلات امارت اسلامی نیست، و حکومت محلی در حالی که بسیار قوی است ابتکار عمل در درست مجاهدین است.

اداره مجله: مولوی صاحب محترم رابطه ملت هرات با مجاهدین چطور است و همینطور اگر بفرمایید تعامل و رفتار مجاهدین با ملت؟

ملت هرات در زمان امارت سابق، خاطرات خوب و بدی در اذهان شان نقش بسته است، ازفهم و درک بهترینها چون شهید مولوی احسان الله احسان و مولوی یار محمد والی هرات که واقعا تا بحال ملت شهید پرور هرات از آنان به خوبی وخوشی یاد میکنند؛ اما بخاطر بد رفتاری بعضی از مجاهد نماها که در صفوف مجاهدین برای بدنامی جهاد ومجاهد قرار گرفته بودند بسیار خراب بود، و هیچ کسی حاضر به همکاری با مجاهدین نبود، اما لله الحمد رفتار فعلی مجاهدین امارت اسلامی بر اساس شریعت و طبق حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم میباشد که میفرماید: «من أحب لله وأبغض لله وأعطى لله ومنع لله فقد استكمل الإيمان» (رواه أبو داود) ترجمه: (کسی که بخاطر الله محب وبغض داشته باشد، و بخاطر الله بدهد و منع نماید ایمان خویش را کامل نموده است) رفتار میکنند بخاطر خدا با ملت رنج دیده خویش محبت میکنند، و بخشش، و بخاطر خدا با نوکرانی که در میان ملت هستند دشمنی میکنند و منع اگر بخاطر وسعت و فراخی ساحات جغرافیائی هرات تا کنون نیز ما نتوانسته ایم کما حقه در خدمت هراتیان عزیز و بطور شایسته به عنوان مجاهدین امارت اسلامی افغانستان مشکلات شان را رفع نمائیم اما در حد توان در خدمت شان بوده ایم و هستیم.

اداره مجله: برای پیشرفت و فعالیت موثرتر مجاهدین در ولایت هرات به نظر شما بطور عموم چه راه های اتخاذ شود خوب تر اند؟

هرات ولایتی است که مورد توجه همه است، دیگر اینکه هرات مردم بسیار با فرهنگ واندیشمندی دارد، و بیسواد بسیار کم است در هرات نسبت به دیگر ولایات؛ فلذ در قدم اول همان طوری که دیگران متوجه هرات هستند مسئولان حکیم و خبیر، دلسوز و مهربان امارت نیز باید توجه خاصی داشته باشند و مسولین هرات باید مناسب مردم هرات باشد، مردم هرات اگر صد سال در یک مسیر در حرکت باشند ولی برای شان ده دلیل قناعت بخش ارائه شود از راه صد ساله خویش برمیگردند و راه منطق وکمال را می پیمایند. و اکمال مجاهدین؛ چون مجاهدین هرات واقعا از هر لحاظ در مضیقه هستند ، چون اکثر مردم ثروتمند در شهر هرات بود وباش دارند ولی در شهر بخاطر تبلیغات زیاد دشمن، ملت ما هنوز راه درست را درک نکرده اند و مجاهدین را فقط از طریق تلوزیون ها میشناسند و بس.
نکته دیگری که همیشه درهرات مشکل ساز بوده و باعث کند شدن فعالیت جهادی بوده، تبدیل شدن سریع والی ها، است، طوری که شما اطلاع دارید، هرات مساحت جغرافیائی آن بسیار زیاد است، یک مسئول جدید حداقل یک سال وقت لازم دارد، که هرات و مجاهدین واقعی هرات را شناسائی نماید، و براساس شناسائی دقیق، طرح و پلان نظامی تهیه نماید، اما متاسفانه بعضی وقت ها، بعد از گذشت یک سال و یا کم تر مسئول ولایت تبدیل شده است، که این کار باعث کند شدن و حتی بد نامی مجاهدین هرات بوده است؛ چون دراین مدت کم هرگز هیچ مسئولی موفق نمیشود وعدم موفقیت آن باعث میشود که مجاهدین نیز نا موفق جلوه داده شوند.

اداره مجله: مولوی صاحب محترم طبق معلومات ما، شما راجع به قضایای کلی افغانستان و جهان نیز کم و بیش مطالعه و معلومات دارید به نظر شما اداره کابل و حامیان بین المللی اش را فعلا در چه وضع می بینید و همینطور فعالیت های کلی مجاهدین امارت اسلامی را چگونه ارزیابی می کنید؟

طبق وعده الله متعال که میفرماید: «قاتلوهم یعذبهم الله بایدیکم، و یخزهم و ینصرکم علیهم و یشف صدور قوم مومنین» سوره توبه آیه ۱۴. ترجمه:(ای مومنان! با آن کافران بجنگید تا خدا آنان را با دست شما عذاب کند وخوارشان درد و شما را برایشان پیروز گرداند و (با فتح و پیروزی مومنان بر کافران) سینه های اهل ایمان را شفاء بخشد و بر دلهای زخمی ایشان مرهمی نهد ودرد دیرینه اذیت وآزار کفار را از درون آنان بزداید. با کمی تفکرالله متعال جهاد مسلمانان را به سه مرحله تقسیم نموده است:

۱: درعذاب کافران به دست مجاهدین.
۲: فضیحت ورسوائی کفار
۳: نصرت مسلمانان بر کفار و شفا بخشی سینه های اهل ایمان

که اینک مرحله اول و دوم در افغانستان ما طبق وعده الله متعال سپری شده است و ان شاء الله مرحله سوم نیز خواهد آمد.

چنانچه در طول جهاد ما الله متعال غرب وغرب زدگان را چنان دچار عذاب نمود که اکثریت مطلق کسانی که به افغانستان سرازیر شدند، مبتلاء به انواع واقسام بیماری های روانی شدند، که اگر دردنیای امروزی یک کودک خواسته باشد میتواند ارقام مبتلا شده گان نیروهای امریکائی را به

بیماری های روانی، را با یک جستجوی ساده در انترنت پیدا کند.

درمرحله دوم: فضیحت ورسوائی نیروهای خارجی واشغالگر نیز بر هیچ کسی پوشیده نیست، قبل از جهاد ما ، پا برهنه گان، امریکارا نوکران شان نعوذ بالله مقام خدائی داده بودند! از نظر آنها امریکا، یعنی دهنده قدرت ،حاکمیت، عزت، ثروت؛ امریکا غول نظامی و اقصادی دنیا که در نظر رهران آن هیچ قدرتی را توان مقابله با آن نبود!

اما به برکت جهاد ملت مظلوم ما الله متعال امریکا را چنان رسوا وخوار نمود که در حال حاضر حتی نوکران وغرب زده گان در ممالک اسلامی همانند بت پرستان عصر ابراهیم خلیل علیه وعلی نبینا الصلوت والسلام بعد از شکست بت دنیای معاصر انگشت حیرت به دندان گرفته اند، امریکا و ناتو چنان رسوا شدند که حالا دیگر با فرو ریختن کاخ ابهت وغرور آن تمام آزادگان دنیا در فکر انتقام از امریکا ودست نشانده گان شان شده اند.

وان شاء الله مرحله سوم که همان نصرت وکامیابی است نزدیک است، فقط و فقط الله متعال به همه مسئولین ما و مجاهدین ما توفیق استقامت و وحدت را نصیب نماید چون ما ملت افغانستان همیشه در مراحل پیروزی باخته ایم.

اداره مجله: شما با وجود مصروفیت های زیاد، الحمدلله در صفحات اجتماعی نیز فعالیت گسترده دارید اگر لطف کرده بفرمایید فعالیت در صفحات اجتماعی تا چه حد در جهاد مقدس فعلی مهم و موثر است؟

دشمنان ما بسیار زیرک هستند؛ فعال و برخوردار از تمامی امکانات مادی واقتصادی،طبق علوم اجتماعی در هر جامعه دو اقلیت وجود دارد ویک اکثریت بی خود

بطوری که هرکدام از این دو اقلیت قدرت را در اختیار داشته باشند اکثریت بی خود تابع آن اقلیت خواهد شد:

۱: اقلیت صالح ومصلح.

۲: اقلیت فاسد ومفسد

و زمام رسانه ها و تکنولوژی امروزی در اختیارهمان اقلیت فاسد و مفسد است، که متاسفانه جوانان ما را در شهرها با تبلیغات منفی خویش تخدیر میکنند، که خوش بختانه مجاهدین امارت اسلامی ومسئولین حکیم ما با درک این واقعیت میدان نبرد جنگ روانی را فعلا در اختیار دارند و مجاهدین مخلص و اهل قلم بدون هیچ چشم داشتی شبانه روزی فعال هستند؛ و از نظر بنده فقط یک چیز کمبود داریم، که الحمدلله امسال این نقیصه هم تا حدودی رفع شد ولی بازهم باید تلاش بیشتر صورت گیرد که فعالیت های مجاهدین در نقاط مختلف در همان لحظه بطور زنده در اختیار فعالین صفحات اجتماعی قرار گیرد.

اداره مجله: راجع به سایر فعالیت های جهادی؛ مثل محکمه، جلب و جذب، تعلیم و تربیه، امور فرهنگی، موسسات و غیره در ولایت خود اگر معلومات دهید؟

طوریکه شما در جریان هستید بخاطر مشکلات مالی و اقتصادی و مصروفیت مجاهدین در جبهات نظامی ما نمیتوانیم کما حقه در این بخش های مهم وحیاتی فعال باشیم ولی باز هم به اندازه توان لله الحمد در تمام ولایت هرات و در تمام ولسوالی ها موارد فوق فعال هستند.

اداره مجله: مولوی صاحب محترم این یک مصاحبه اختصاصی از طرف مجله حقیقت با شماست اگر لطف کرده در یک سوال اختصاصی راجع به فعالیت های فرهنگی و مطبوعات امارت اسلامی برداشت خود را بیان کرده و اگر توضیحاتی در این باره دارید بفرمایید؟

طوریکه مستحضرید، مجاهد واقعی رسول الله صلی الله علیه وسلم بود، چون همه انواع جهاد را با کمال وخلوص به پایه اکمال رسانیده بود، و در راه الله متعال بطور واقعی ، با قلب وجنان، دعوت و بیان، شمشیرو نیزه جهاد نموده بود، وتمامی اوقات آن حضرت موقوف بر جهاد بود، برای همین عالی قدر ترین مخلوق الهی بود و از زمان بعث مامور به جهاد فرهنگی شده بود، چنانچه الله جل جلاله برای شان میفرماید: {فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا} [الفرقان: ۵۲] این سوره مکی است و ماموریت رسول الله صلی الله علیه وسلم همان جهاد بیان و یا به اصطلاح امروزی جهاد فرهنگی است زیرا در این وقت هنوز رسول الله صلی الله علیه وسلم مامور به قتال و جهاد مسلحانه نشده بودند و جهاد شان جهاد فرهنگی یعنی بیان و حجت در مقابل منافقین بود ، و این خود حتی از جهاد در مقابل کفار (یعنی جهاد مسلحانه) سخت تر بود و هست؛ زیرا این جهاد ، جهاد خواص امت اسلامی است، جهاد ورثه رسُل؛ علم برداران جهاد فرهنگی اگر چه در اقلیت قرار دارند ولی ارزش شان نزد الله متعال بسیار است و الحمدلله امارت اسلامی در بخش فرهنگی بسیار فعال است وموثر.

اما از نظر بنده اگر چند مورد در بخش فرهنگی زیاد شود بسیار خوب میشود

الحمدلله امارت اسلامی در بخش فرهنگی بسیار فعال است و موثر.

اما از نظر بنده اگر چند مورد در بخش فرهنگی زیاد شود بسیار خوب میشود:

۱: نشرویدیو و کلیپ های جنگی در همان روز وقوع جنگ ، ولی بخش فرهنگی ما بعضی وقت ها میشود که یک اصدار را بعد از چندین ماه از سپری شدن واقعه نشر میکنند که البته شاید در آن بعضی ملاحظات نظامی وجود داشته باشد که ما بی خبریم.

۲: نشر و پخش میموری کارت ها در مراکز شهرها که

حاوی پیام و نشرات امارت اسلامی باشد.
۳: ایجاد رادیو های اف ام در ساحات نزدیک به مراکز دشمن.
۴: تهیه گزارش از کارکرد مجاهدین هر ولایت و رابطه مجاهدین با ملت البته از قول علماء و مردم منطقه.
اداره مجله: در مجله حقیقت یک سلسله علمی بنام سیرت نظامی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم که ترجمه یک کتاب توسط شماست به نشر می رسد راجع به این کتاب، اهمیت موضوع و اینکه کار ترجمه آن تا کجا رسیده اگر به خوانندگان عزیز معلومات دهید؟
چون مجاهدین ما نظامی هستند وهر نظامی باید یک الگوی نظامی داشته باشد، و طبق فرموده الله جل جلاله (و لکم فی رسول الله اسوه حسنه) و برای شما در رسول الله صلی الله علیه وسلم الگو نمونه خوبی است، باید الگوی یک مسئول و یک فرمانده ، و یک مجاهد در تمام شئون نظامی واداری رسول الله صلی الله علیه وسلم باشد، و این کتاب یعنی پیامبر فرمانده، بهترین کتاب است در بخش سیرت نظامی آن حضرت صلی الله علیه وسلم و این کتاب تدریس آن در معسکرهای جهادی ما وشما بسیار حیاتی ومهم است متاسفانه بخاطر مصروفیت های زیاد امسال زمستان نتوانستم ترجمه کتاب را ادامه دهم اما ترجمه کتاب لله الحمد در حال اتمام است فقط یک فرصت مناسب دیگری لازم است که امیدوارم الله متعال هر چه زود تر توفیق اتمام آن را نصیب کند.
اداره مجله: مولوی صاحب محترم به عنوان سوال آخر توصیه شما به مجاهدین و پیام شما به ملت شریف افغانستان به عنوان یک مجاهد مسئول چه می باشد؟
اگر چه بنده خود را حقیر تر از آن میدانم که مجاهدین و ملت قهرمان خویش را توصیه کنم و بخاطر امر شما بزرگواران فقط چیزی را که من در این چند سال جهاد آموختم خلاصه آن را به مجاهدین وملت عزیزم عرض میدارم
برادران مجاهدم! ملت ما ملت قهرمان وفداکاری است که در طول تاریخ بخاطر اسلام و شرف خویش همه چیز خویش را از دست داده اند، بزرگان ما در هر کوچه وصحراء دارای تجربیات فراوانی است که متیوان از تجربیات هر فرد شان یک کتاب نوشت، فلذا من همان چیزی را میگویم که کعب قرضی (رحمه الله) برای عمر بن عبد العزیز (رحمه الله) گفت: «اگر نجات را می خواهی ...! برای اطفال مسلمین پدر،برای بزگ سالان مسلمان فرزند، برای هم سن وسالانت برادر باش. ومردم را به اندازه گناه وباندازه توان جسم شان عذاب ده، وبخاطر قهر وغضب خودت (انتقام شخصی) حتی یک شلاق کسی را نزن تا از جمله متجاوزین نباشی.»
پس برادر مجاهدم! ملت ما درد دیده ورنج دیده است، ملت ما ملتی است که دشمنان ما سالهای سال است که برای اختلاف شان کار می کنند وبه مثابه لابراتور دسائس بیگانه گان درآمده است، پس باحکمت وتدبیر رفتار کن، ودر مقابل مشکلات صبور باشد، وهرگز در فکر انتقام جویی نباش چون هرکسی در وطن ما سرکار آمد انتقام گرفت و بر ملت عزیز ما ستم روا داشت اما تو به عنوان نماینده امارت و وارث نبی اکرم صلی الله علیه وسلم، تعامل داری پس رحیم، باش، و حلیم.
وخواسته من از ملت عزیزم و شریف ما این هست:
که ای ملت قهرمان وشهید پرور ما خوب میدانم که قلوب همه شما سرشار از محبت اسلام و جهاد است ، ولی دشمنان ما وشما کرگسان راه رادمری ما وشما در بین ما وشما فاصله می اندازند، یقین داشته باشید که امارت اسلامی میتواند همه ما وشما را زیر یک بیرق لا اله الاالله جمع کند نه کسانی که همه ما وشما را بخاطر گرفتن رای انتخاباتی بیشتر به اقوام مختلف واحزاب مختلف تقسیم نموده اند.
برادر داکتر، انجینر، ومحصلم!
بیا بجای اینکه در خدمت بیگانه گان باشی ومروج فحشاء و لا دینی در خدمت اسلام باش، درکنار برادرانت که فقط تو را به تقوا عدالت و شفقت توصیه میکنند و بس.
اداره: با تشکر از اینکه وقت شریف تان را در اختیار اداره ما گذاشتید؟
از شما نیز تشکر که بنده را لائق و مناسب مصاحبه وخوانندگان مجله وزین حقیقت دانستید.



(مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ)

د شهید ملا عبدالسلام آخند څو خاطرې

حبیب مجاهد

د د ۱۳۹۵ هجري شمسي کال د حوت د میاشتې په اتمه نیټه د ماسپښین څه باندې درې بجې وې چې د کندز ولایت په دشت ارچي ولسوالۍ کې د امریکایي طاغوت یوې بې پیلوټه الوتکې په یوه کور باندې درې میزایل وتوغول. یو میزایل په یوه موټر او دوه نور په کور کې په یوه اطاق ولګېدل.

د امریکایي بې پیلوټه الوتکې دا بیرته ظاهرا یو معمول برید و اما د برید هدف کوم معمولي هدف نه و. د امریکایي کفر په دې برید کې زموږ هیواد او اولس یو خورا ویاړلی او رشید زلمی ملا عبدالسلام بریالی له خپلو دریونورو ملګرو سره له لاسه ورکړ او بالاخره هغه اروا د شهادت په خم سیرابه شوه چې له کلونو راهیسې یې همدا تنده د هیواد په غرونو او رغونو ګرځولې وه.

شهید ملا عبدالسلام آخند چې د امریکا ضد جهاد په اوږدو کې د کندز په ولایت کې د جهادي چارو مسؤل او د اسلامي امارت یو له لوړ پوړو کسانو څخه و ددښمن تر خورا زیات تعقیب لاندې و، تر دې چې څو ځله د دښمن لخوا د نوموړي د شهادت ادعاء په رسنیو کې راپورته شوه اما هر ځل نوموړي په خپل غړیز پیغام سره رد کړه. ملا عبدالسلام اخند به د خپلې تردیدي وینا په وخت همیشه همدا خبره کوله چې موږ له شهادت څخه ویره نه لرو، شهادت زموږ ستر هدف او ویاړ دی، زموږ لاره د شهادت له پړاوه تیره شوې، زموږ اسلافو د شهادت په غیږه کې دمه کړې او موږ هم له الله تعالی څخه همیشه مقبول شهادت غواړو بله دا چې دښمن دې هیڅکله دا فکر نه کوي چې په شهادت سره به زموږ قافله نیمګړې یا به موږ د خپلې مقدسې فریضې له اداء کولو را وګرځوي.

شهید ملا عبدالسلام اخند لکه څنګه چې په جهادي او نظامي ډګر یو بریالی،کارنامه ساز او باتدبیره قائد و چې د خپل مسؤلیت په مهال یې دوه ځله د کندز ولایت مرکز فتحه کړ په دې سربیره د شخصیت، ځانې تقوا او اخلاقو په لحاظ هم یو واقعي مؤمن او د حق د لارې مخلص لاروی و.

په دې لیکنه کې د نوموړي د نږدې ملګرو په استناد او نقل قول د نوموړي څو خاطرې درسره شریکوو، هیله ده چې راسره وېې لولئ.

نوموړي له ډیر پخوا دا پلان او ارمان درلود چې د کندز په مرکزي ښار حمله وکړي او له دښمن څخه یې ونیسي،مګر د نظامي مصالحو له امله د نظامي کمیسیون لخوا ورته د عملیاتو اجازه نه ورکول کیدله،وړم کال د لوی اختر په شپو کې هغه وخت چې مجاهدین د امیرالمؤمنین ملا محمد عمر مجاهد رحمه الله د وفات د خبرو د اعلان له امله سخت په تشویش او اندیښنو کې و دغه راز یو لړ اختلافاتو هم سر راپورته کړی و. ملا عبدالسلام اخند پلان برابر کړ تر څو د کندز په مرکزي ښار حمله وکړي، کله چې یې دا خبره د اسلامي امارت له امیر شهید ملا اختر محمد منصور رحمه الله سره شریکه کړه هغه ورته د تهاجم اجازه ورکړه. دکندز ښار په نیولو سره په نورو اهدافو سربیره د ملا عبدالسلام اخند یو غرض دا و چې مجاهدین روحیه پیدا کړي،له اندیښنو او اختلافاتو را ووځي، د فتحې په خوښۍ مصروف شي، بله دا چې دا دښمن وارخطا او له تعرضي دریځ څخه دفاعي حالت ته شاتګ وکړي.

په دې ډول د کندز د فتحې پلان نهایي او د اختر څلورمه د عملیاتو لپاره وټاکل شوه، د نوموړي یو نږدې ملګری ملا همایون وایي چې ملا عبدالسلام اخند د عملیاتو د پیل په شپه تر سهاره په نوافلو او دعاء ګانو بوخت و، کله چې عملیات پیل شوه نوموړي د دوو تیلفونونو او یوې لویې مخابرې له لارې مجاهدینو ته د قومندې ورکولو کار پیل کړ، چې د عملیاتو د پیل له وخت بیا د فتحې تر شیبې مسلسل له ټولو مجاهدینو سره په تماس کې و شیبه په شیبه یې قومنده ورکوله چې د نوموړي همدې ژوندۍ قومندې او غږ مجاهدینو ته خورا ډیره روحیه ورکوله.

کله چې د مخابرې له لارې خبر راغی چې مجاهدین د ښار زړه ته ورسیدل او د کندز محبس یې مات کړ، ملا عبدالسلام اخند بې اختیاره الله تعالی ته په سجده پریوت چې تر ۷ یا ۸ دقیقو د شکر په سجده پروت و . وروسته یې بیا له مجاهدینو سره د مخابرې او ټیلفونونو له لارې رابطې ته دوام ورکړ، نوموړي وروسته د مخابرې کار بل ملګري ته پریښود او خپله د کندز ښار داخل ته لاړ چې بیاتر پنځلس ورځو پورې چې مجاهدین په کندز ښار کې و او په جګړه بوخت و نوموړی له مجاهدینو سره په ښار او یا هم اطرافو کې و.

د کندز په فتحه کې مجاهدینو ډیر وسائل، وسائط او ډول ډول موټرونه په غنیمت ونیول چې ډیر قیمت بها او نوي ماډل موټران هم په کې وو. مجاهدین د ډیرو ښو موټرو خاوندان شول خو ملا عبدالسلام اخندتر پایه نه دموټر هوس وکړ او نه هم د کوم بل شي. نوموړی له فتحو وروسته هم په خپل هماغه زاړه ډاټسن موټر کې ګرځیدو چې د مخې ښیښه یې ماته وه او تردې پخوا به هم نوموړی په کې ګرځیده.

ملا عبدالسلام اخند سره له دې چې ډیر وخت د کندز ولایت د مسؤل په حیث وظیفه اجراء کړه اما په دې موده کې یې نه کوم مال او جایداد پیدا کړ او نه یې هم اقتصادي وضعه بدله شوه. یو طالب وایي چې تیر کال په لوی اختر کې یو چا ملا عبدالسلام اخند ته د قربانۍ لپاره پسه ورکړی و چې په کور کې یې حلال کړي، دی وایي زه د ملا عبدالسلام اخند له ورور سره د پسه په حلالولو بوخت وم خو ورور یې راته وویل چې زما په ټول عمر نه یادیږي چې په موږ دې قرباني فرض شوي وي، ځکه هستي مو دومره نه ده چې د اختر قرباني راباندې فرض شي.

یو بل طالب چې څه موده یې د ملا عبدالسلام سره د مالي په حیث خدمت کړی وایي چې یو وخت زه له ملا عبدالسلام سره دده کور ته لاړم، هلته یې کوچنۍ لور ورته راغله او پیسې یې ترې وغوښتې، ملا عبدالسلام ماته وویل چې ته روپۍ ورکړه خو ما پسې یې ولیکه، مطلب دا چې دومره غریبانه ژوند یې و چې دغه وخت دومره شخصي روپۍ هم ورسره نه وې چې په کورکې یې مصرف کړي.

دا په داسې حال کې چې نوموړی د یوه مهم جهادي او له مالي لحاظه ماړه ولایت والي و او روزانه یې په لکونو پیسې په مجاهدینو ویشلې او تقسیمولې، مګر په دې پیسو کې یې هیڅکله اختلاس ونکړ او نه یې هم په خپل اقتصادی حالت کې کوم تغیر ولیدل شو. الله تعالی دې د شهید ملا عبدالسلام شهادت قبول کړي.



تحقیق

پیـــروزی از آن کیـست؟

قاری اسحق موحد

پیروزی به هر اندازه که باشد، کوچک باشد ویا بزرگ، مهم باشد و یا مهمتر و یا ... چیزیست که نفس بشری به آن تمایل دارد، پیروزی شادی و سرور را به قلب کسانی که آنرا دریافت می کنند وارد می سازد، علی الرغم همه اختلاف های فکری و عقیدتی، بنی نوع انسان و همه بنی نوع انسان در راه حصول پیروزی تلاش می ورزند. حصول پیروزی خستگی های راه را از بین می برد، ماندگی های طریق را درمان می کند و شکست و ریخت های زندگی را پیوند میدهد.

این سنت الهی و تقدیر تکوینی الله عزوجل است که دو گروه متخاصم و در مواجهه با هم تا قیام قیامت روی کرهٔ خاکی می زیند، قهر حاکمان، جبرظالمان، وحشت مستکبران و حتی عدالت عادلان توانایی ختم کلی این معرکه را ندارد، اگر چند از هرنوع ابزار درین راه استفاده به عمل آید.

یک طرف طرفداران حق و لشکریان الله عزوجل و خالق کون با ایمان کامل و عزم راسخ صف می کشند، و آن سوی دیگر طرفداران طاغوت و لشکریان شیطان، صف آرای می کنند، تا برای ربودن گوی موفقیت، جد جهد نموده و تلاش کنند. این صحنه دیدنی است، صحنه های مالامال از سختی ها و درشتی ها، تبادل و درخشش شمشیرها و روی هم کوبیدن ها و پرتاب نیزه ها و بلند شدن غریوها و صداهای محزونانه و مفرحانه.

یک طرف که لباس مرگ پوشیده اند و قصد شرب جامش را دارند، به امید و آرزوهای بلند داخل معرکه میشوند، با چهره های خندان که مهتاب از درخشش سیمای شان رشک می برد و حسرت میخورد، قلب های مالامال از ایمان و باورمندی به وعده های راستین پروردگار جهانیان، وعده های که در تحقق شان هیچ شک و شبهه ی وجود ندارد، این طائفه به آن وعده ها چنان ایمان دارند که وصفش را این قلم کرده نمیتواند، این وعده ها چنان با ارزش و قیمتی اند که نمیتوان آنهارا نرخ گذاری نمود، آیا ممکن است باغ های سرسبز و شاداب که در زیر آنها جوی های از آب های بی نهایت پاک و صفا جاری است را نرخ گذاشت؟ آیا میشود تا مهریهٔ حورهای سیاه چشم و بی نهایت حسین وزیبا را تعیین کرد؟ حورهای که حسن و جمال شان دل انگیز است، چشمان قشنگ و زیبا، رخسار شان چنان زیباست که ساقهٔ صبح صادق را مایه داده اند وزلفان پیچان و قیرگون که رنگ شان طلیعهٔ شب را مدد کرده است و نگاه چشم آنها را مجروح می سازد، قامت متوازن، اخلاق حمیده و سخنان نرم و ملایم و ملبس با لباس های ارزشمند بهشتی!! .

آن سوی دیگر گروهی که به خاطر حرص و آز و جمع آوری مال و اموال بی ارزش دنیا و نشر فسق و فساد وبی عدالتی ها و فحشاء لباس رزم پوشیده اند، مردمانی که مومن به وعده های ابلیس اند و وسوسه های آن قلب های شان را ربوده و خاطرات شان را پریشان ساخته. غم ها و غصه ها نسبت نپذیرفتن حق و حقیقت آنها را در محاصره گرفته و به خاطر رهایی ازین آفت این طرف و آن طرف دست وپای می زنند و با اهل حق و راهروان راه اسلام به مخاصمه می پردازند.

بالاخره معرکه آتشین می گردد و آتش خشم و نفرت به یکدیگر، شعله ور شود، صدای چکاچک شمشیرها و غریو انسان ها فضاء را پر می سازد، و اخیرا موقتا فرونشین شده و حساب و کتاب بالای معرکه آغاز می گردد، انجام این معرکه را الله عزوجل در کتاب خود در آیت ۱۹ سورۀ حج این طور توصیف می کند: (**هَٰذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن نَّارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ**) ترجمه: این دو (گروه) دشمنان یکدیگرند درباره ی پروردگارشان (ستیز و) خصومت کردند، پس کسانی که کافر شدند لباسهایی از آتش برای آنها بریده شده است، از بالای سرشان آب سوزان ریخته می شود.

این پاداش رهروان شیطان بود اما پاداش رهروان رحمن این است، الله عزوجل در آیت ۲۰ سورۀ توبه می فرماید: (**الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِندَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ**) ترجمه: (مقام) کسانی که ایمان آوردند, وهجرت کردند, وبا اموالشان وجانهایشان در راه خدا جهاد کردند, نزد خدا برتر (وبلند مرتبه تر) است, وآنها همان رستگارانند. پروردگارشان آنها را به رحمتی از نزد خود وخشنودی (خویش) وبه باغهایی (از بهشت) که درآن نعمتهای جاویدانه دارند, بشارت می دهد.

طرفداران حق از منبع زلال وحی آب می نوشند و در سایۀ شگوفه های باغ سرسبز شریعت رحمن رشد و نمو می کنند، جامۀ شریعت به تن نموده و اینگونه درس های ایثار و فداکاری و راه دریافت پیروزی را جستجو می کنند. پیروزی در اندیشۀ راه روان شریعت رحمن معنای کاملا متفاوت و متغایر با اندیشۀ راه روان شیطان دارد، و اصلا نمیشود این دو اندیشه را درین باب مقایسه کرد. به خاطر توضیح اندیشۀ پیروزی در نزد راه روان حق جای دارد تا مثالی را بیاوریم، تا خواننده بتواند درک بهتری از موضوع

این سنت الهی و تقدیر تکوینی الله عزوجل است که دو گروه متخاصم و در مواجهه با هم تا قیام قیامت روی کرۀ خاکی می زیند، قهر حاکمان، جبرظالمان، وحشت مستکبران و حتی عدالت عادلان توانایی ختم کلی این معرکه را ندارد، اگر چند از هرنوع ابزار درین راه استفاده به عمل آید.

داشته باشد، صحابی جلیل القدر حرام بن ملحان مامای انس بن مالک رضی الله عنهما در واقعۀ بئر معونه به دست عده ای شهید شد، وقتی خنجر به پشتش اصابت کرد و خونش جاری شد، دست خود را در خون پاک خود تر کرد و آنرا به چهرۀ زیبائ خود مالید و گفت: (فزت ورب الکعبه) یعنی سوگند به پروردگار کعبه که من پیروز شدم، عجیب این است که وقتی جبار بن سلمی قاتل حرام بن ملحان این منظر را مشاهده کرد و پرسید: حرام بن ملحان به چه چیز پیروز شد؟ او که کشته شد. برایش گفتند: به شهادت. جبار بن سلمی قاتل حرام بن ملحان رضی الله عنها گفت: آری! سوگند به الله عزوجل (او کامیاب شد). سپس اسلام آورد.

این است انجام کارزار میان لشکریان حق و لشکریان طاغوت، لشکریان حق اگر کشته شوند و یا پیروزی معرکه به نام شان رقم خورد، در هر دو صورت کامیاب و موفق اند، موفق اند که در راه رضایت الله عزوجل گام بر میدارند و برای رضایت وی تلاش می کنند و رضایت او را جستجو و تلاش می نمایند(**فَمَن زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ**) یعنی: پس هر که از آتش (دوزخ) دور داشته شد، و به بهشت در آورده شد، قطعاً رستگار شده است. اما لشکریان باطل اگر پیروز گردند و یا شکست خورده و سرافگنده شوند، باز هم ناکام اند و هر گام شان آنها را به جهنم نزدیک می سازد، جهنمی که مواد سوخت آن سنگ ها و مردم ها است. الله عزوجل ما را از آن نجات دهد.



تحقیق

حبیبی سمنگانی

رژیم مزدور، از وابستگی روحی تا گریه و زاری

اردوی رژیم کنونی کابل در سال ۲۰۰۲م از سوی امریکا و ناتو ساخته شد ، جامعه جهانی و برخی از آگاهان افغان باور داشتند که این اردو در ظرف چند سالِ پیش رو در اثر کمک های فراوان دولت های غربی بهٔ یک نیروی توانا و مجهز مبدل می شود ، امنیت را در سراسر کشور تامین می کند و از تجهیز و تمویل کشورهای خارجی نیز بی نیاز می گردد ، اما پس از گذشت پانزده سال هنوز هم این یک واقعیتِ انکار ناپذیر است که اردوی رژیم کابل بدون سرپرستیِ و همکاری کشورهای خارجی هیچ قدرت و توانای ندارد ، اردوی رژیم حالا نه صرف نیاز به همکاری های مادی خارجی ها دارد بلکه آگاهان اعتراف دارند که نظامیان رژیم به نیروهای خارجی وابستگی روحی نیز پیدا کرده اند .

آریانا نیوز (به تاریخ ۳۱ جنوری ۲۰۱۷م) تحت عنوانِ نگرانی ها از وابستگی روحی نظامیان افغان به نیروهایِ خارجی می نویسد : برخی منابع در حکومت هشدار می دهند که نظامیان افغان وابستگی روحی به نیروهای خارجی پیدا کرده اند و در نبردهای که نظامیان خارجی حضور نداشته باشند نیروهای امنیتی کشور دل گرم به نبرد نبوده اند ، سمین بارکزی عضو کمیسین امور دفاعی پارلمان می گوید: برخی آگاهان نظامی ، وابستگی روحی نظامیان کشور را به نیروهای ایتلاف بین المللی نگران کننده می دانند و تاکید می ورزند که کم توجهی رهبری نظامی به حمایت از نیروهای امنیتی کشور سبب دل سردی این نیروها در نبرد شده است ، راپور می افزاید : این اظهارات در حالی صورت می گیرد که بهار سال آینده برای افغانستان پر نبرد گفته شده است .

این بار نخست نیست که از وابستگی روحی اردوی رژیم به نیروهای خارجی حرف زده می شود ، دکتور انتونیو جیستازی (پژوهشگر در کینگز کالج ، لندن) و پیتر کوینتن (پژوهشگر در انستیتوت خدمات شاهی ، لندن) مقاله را در سال ۲۰۱۴م به عنوان < اردوی ملی افغانستان : بقا و ثبات فراتر از جنبه های مالی > نوشتند ، ایشان در یک بخش مقاله زیر عنوانِ < وابستگی به مربیان خارجی > می نویسند : اردوی ملیِ در سالیان گذشته از نگاه مهارت های اولیه نظامی مانند گشت زنی ، نگهداری و استفاده از سلاح و مهارت های ابتدایی ، پیشرفت های ملموسی داشته است که درین مورد مربیان خارجی نقش مهم را ایفا نموده اند ، این در حالی است که چند سال قبل سربازان افغان بدون حضور نیروهای امریکایی حتی از گشت زنی عادی در

ولسوالی های کشور نیز شانه خالی می کردند ، سپس پیتر کوینتن می افزاید : بدترین شکل وابستگی نظامیان افغان به نیروهای خارجی این بوده است که نیروهای افغانَ در نبرد ها به حمایت نزدیک هوایی متکی بوده اند و حتی بسیاری از افسران افغان به این پشتیبانی هوایی که در نبردها ازان استفاده می گردید عادت کرده اند ، من همواره به یک فرمانده اردوی ملی گفتم که بالای دشمن آتشباری متقابل نموده و برای حمله به سنگرهای مخالفین با جرات پیش بروند ، اما او هر بار در پاسخ گفته است که : نه ، باید هواپیما و هلی کوپتر شما در حمایت از ما آماده باشند ، این ماشین ها دشمن را نابود ساخته می توانند .

اگر حوایج مادی و مالی اردوی مزدور را بررسی بکنیم ، درین شکی نیست که امریکا و ناتو در شانزده سال گذشته با پرداخت ملیاردها دالر همه مصارف اردوی رژیم را متقبل شده اند و رژیم کابل هنوز هم توان ندارد تا لا اقل ٪۱۰ مصارف اردو را از عواید داخلی کشور تامین بکند ، توماس روتیگ که از بنیانگذاران نهاد تحلیل گران افغانستان است می گوید : امریکا بخش بیشتر هزینه های نیروهای مسلح و دولت کابل را تامین می کند ، بدون حمایت مالی امریکا دشوار است تصور کنید که رژیم کابل در شکل فعلی آن باقی بماند ، آیکن بیری (سفیر سابق امریکا در افغانستان) چند سال پیش در اثنای سخنرانی در دانشگاه ملی استریلیا ادعا کرده بود که افغانستان پس از سال ۲۰۱۴م نیز توان پرداخت هزینه های نظامی اش را ندارد ، زیرا مصارف رژیم افغانستان در بخش امنیت پس از خروج نیروهای خارجی بیشتر از سه برابر عواید این کشور خواهد بود ، از دیدگاه آیکن بیری مصارف نیروهای امنیتی رژیم کابل تا سال ۲۰۱۴م به هفت ملیارد دالر سالانه می رسد و پیش بینی شده است که تمام عواید داخلی رژیم تا آن زمان به دو الی دو و نیم ملیارد دالر خواهد رسید........، از همین بود که حامد کرزی یک سال پیش از پایان دوره‌ء دوم ریاست جمهوری اش در اثنای گفتگو در مورد امضاء پیمان امنیتی با امریکا در یکی از برنامه های بی بی سی چنین اعتراف نمود : افغانستان یک کشور فقیر است ، بی چاره است ، نان ، آب و معاش مامورین و عساکر وطن را منابع خارجی تامین می کنند ، احتیاج ما به جهان بسیار زیاد است و ...

این جا باید این واقعیت را نیز روشن نمود که امریکا و ناتو هنوز هم از تمویل و تجهیز اردوی رژیم سبکدوش نشده اند ، امریکا و ناتو پیش از سال ۲۰۱۴م (یعنی زمانی که تصمیم گرفتند شمار نیروهای خود را در افغانستان کاهش بدهند) با رژیم کابل تعهد نموده بودند که تا سال ۲۰۱۷م نیروهای امنیتی رژیم را تمویل می کنند و این تعهد خود را ایفاء نیز نمودند ، اما در سال ۲۰۱۶م هرگاه روشن شد که نیروهای امنیتی رژیم هنوز احتیاج زیادی به سرپرستی خارجی ها دارند تصمیم گرفته شد تا مدت تمویل این نیروها تا ۲۰۲۰م نهایی شود ، نشست سران سازمان ناتو برای این هدف در ماه جولایی ۲۰۱۶م در وارسا (پولند) برگزار شد ، غنی و عبدالله درین نشست اشتراک نمودند و با طرح استراتیژی ۵ ساله از کشورهای عضو ناتو خواستند تا هر سال ۵ ملیارد دالر برای رژیم کابل بدهند ، ینس استولتنبرگ (منشی عمومی ناتو) در جریان سخنرانی خود اطمینان داد که : ما به حمایت خود در زمینه فراهم آوری فرصت ها برای آموزش ، مشورت و کمک با نیروهای رژیم کابل ادامه می دهیم ، افغانستان هنوز با مشکلات جدی بی ثباتی و خشونت مواجه است ، لهذا همکاری سیاسی ، نظامی و مالی ما برای این رژیم مهم و حیاتی است ، در پایان این نشست کشورهای عضو ناتو وعده سپردند که حمایت های مالی خود را با نیروهای رژیم کابل تا پایان سال ۲۰۲۰م ادامه می دهند ، مقامات رژیم مزدور ازین تعهد استقبال نمودند . نشست وارسا (۸ و ۹ جولایی ۲۰۱۶م) و کنفرانس بروکسل (۴ و ۵اکتوبر ۲۰۱۶م) نشان می دهد که سرپرستان خارجی رژیم کابل هنوز هم ملیاردها دالر در بخش تجهیز و تنظیم اردوی اجیر می پردازند ، اما مشکل درین است که رژیم کابل تنها همکاری های مالی و تجهیزاتی آنان را بسنده نمی دانند بلکه موجودیت نیروهای امریکا و ناتو را برای بلند داشتن مورال عساکر رژیم لازم می پندارند ، سرانِ رژیم کابل همواره از مقامات امریکا و ناتو خواسته اند تاَ شمارَ نیروهای خود را در افغانستان کاهش ندهند ، زیرا با کاهش نیروهای خارجی مورال عساکر رژیم از بین می رود (گویا وابستگی روحی عساکَر افغان به نیروهای خارجی از سوی سران رژیم نیز تایید می گردد) ، از همین است هرگاه جنرال جان نیکلسون (فرمانده عمومی نیروهای

اگر حوایج مادی و مالی اردوی مزدور را بررسی بکنیم ، درین شکی نیست که امریکا و ناتو در شانزده سال گذشته با پرداخت ملیاردها دالر همه مصارف اردوی رژیم را متقبل شده اند و رژیم کابل هنوز هم توان ندارد تا لا اقل ٪۱۰مصارف اردو را از عواید داخلی کشور تامین بکند

امریکا و ناتو در افغانستان) در هفته دوم ماه فروری ۲۰۱۷م از دونالد ترامپ خواهان اعزام عساکر بیشتر به افغانستان شد ، سخنگویان اردو و پولیس و حتی دفتر غنی و عبدالله نیز ازین پیشنهاد وی استقبال گرم نمودند ، حاصل اینکه مقامات ملکی و نظامی رژیم کابل می خواهند که خارجی ها به ویژه امریکا باید در کنار کمکهای مالی و مادی ، مدت موجودیت نیروهای خود را در افغانستان تمدید بکنند بلکه شمار نیروهای شان را افزایش بدهند تا ایشان مطمئن گردند که کشورهای اشغالگر با وصف ناکامی در افغانستان ما را تنها ، بی کس و ناچار نمی گذارند .

اما سیاست و رفتار ترامپ در قبال افغانستان برای مقامات رژیم مزدور بسیار ذلت بار ، شرم آور و نگران کننده است ، ترامپ در سال ۲۰۱۳م (یعنی پیش از نامزد شدن برای انتخابات ریاست جمهوری) در تویتر خود نوشته بود < از افغانستان بیرون شویم ، نیروهای ما از سوی افغانهای کشته می شوند که ما آنها را آموزش می دهیم و ملیاردها دالر را در آن جا ضایع می کنیم ، مزخرف است ، بیایید امریکا را بازسازی کنیم > ، وی یک بار در تویتر نوشت < کرزی یک کلاه بردار است و بس > ، ترامپ بار دیگر به تاریخ ۶ اکتوبر ۲۰۱۵م در صحبت با تلویزیون سی این این به شدت حرفهای تند زد ، وی گفت : آیا قرار است امریکا تا ۲۰۰ سال دیگر در افغانستان باشد ؟ چه می گذرد ؟ ما با دخالت در افغانستان اشتباه بزرگی کردیم ، ما کسانی را داشتیم که ادعای متفکر بودن داشتند و لیکن هرگز نمی دانستند چه کار می کنند و حالا هم آن جا شگفتگی کامل است ، درین وضعیت ما احتمالا باید در افغانستان بمانیم ، زیرا همه چیز فقط دو ثانیه پس تر از خروج ما از هم می پاشد ، بارنت روبین (مدیر مرکز همکاری های بین المللی دانشگاه نیویارک و مشاور سازمان ملل متحد و ایالات متحده امریکا در امور افغانستان) نیز پیش از تحلیف ترامپ خبر داده بود که < ترامپ به شدت ازین کمکها که دولت افغانستان به آن وابسته است انتقاد کرده است و فکر می کند پول امریکا به هدر رفته است > ، اما بارنت روبین این موقف ترامپ را بی دلیل نمی داند ، وی می گوید : امریکا با وصف که پول هنگفتی را به نام بهبود امنیت در افغانستان به مصرف رسانیده است آمار سازمان ملل متحد نشان می دهد که تلفات غیر نظامیان افغان از سال ۲۰۰۹م بدین سو به بالاترین آمار خود رسیده است ، در عین حال سازمان شفافیت بین المللی بارها و بارها سیاستمداران افغان را به دزدی کمکهای مالی متهم کرده است ، علاوه بر این ، فساد یکی از عوامل اصلی فقر روز افزون درین کشور است ، روبین می افزاید : تلاش ترامپ برای قطع کامل کمکها با مخالفت کنگره رو به رو خواهد شد ، اما فکر می کنم اگر هیلاری کلینتون برنده می

ترامپ در جریان مبارزات انتخاباتی اصلا از افغانستان نام نبرد و این عمل وی برای سران و حامیانِ رژیم بسیار سنگین تمام شد ، زیرا سکوتِ ترامپ بدین معنی بود که افغانستان اولَویتی برای وی ندارد ، اما هرگاه ترامپ از اشرف غنی و عبدالله برای اشتراک در مراسم تحلیف خود دعوت نکرد روشن گردید که افغانستان به ویژه رژیم کابل در واقعیت ارزشی برای رییس جمهور جدید امریکا ندارد

شد کمکهای امریکا به افغانستان کمتر مورد پرسش قرار می گرفت .

ترامپ در جریان مبارزات انتخاباتی اصلا از افغانستان نام نبرد و این عمل وی برای سران و حامیانِ رژیم بسیار سنگین تمام شد ، زیرا سکوتِ ترامپ بدین معنی بود که افغانستان اولویتی برای وی ندارد ، اما هرگاه ترامپ از اشرف غنی و عبدالله برای اشتراک در مراسم تحلیف خود دعوت نکرد روشن گردید که افغانستان به ویژه رژیم کابل در واقعیت ارزشی برای رییس جمهور جدید امریکا ندارد ، اما چنانکه نظامیانِ رژیم به نیروهای خارجی دل باخته اند سرانِ رژیم نیز به مَقامات امریکا دل داده اند ، ایشان از سه ماه به این سو تلاش دارند تا ترامپ را از نزدیک ببینند و مدعای دل خود را ابراز بدارند ، اما تا اکنون (۲۵ فروری ۲۰۱۵م) به دیدار ترامپ نائل گردیده اند ، به پیشنهاد جنرال نیکلسون نیز تا هنوز پاسخ مثبت گفته نشده است ، وزیر دفاع امریکا جیمز میتس در گفتگو با روزنامه امریکای ملتری تایمز گفت < پیشنهاد جنرال نیکلسون نیاز به بررسی عمیق دارد ، رییس جمهور ترامپ در مورد این پیشنهاد پس از مشاورت با مقامات نظامی و استخباراتی کشور تصمیم می گیرد > ، واقعیت اینست که جورج بش و اوباما صدها ملیارد دالر صرف نمودند و لیکن نتوانستند در افغانستان پیروز بگردند و یا لا اقل نیروهای امنیتی رژیم کابل را به پا ایستاده بکنند ، حالا ترامپ حیران است که باید چه اندازه پول دیگر خرج بکند تا امریکا را از گرداب افغانستان نجات بدهد ؟ ، تیودور فونتایه (نویسندهء مشهور آلمانی در قرن ۱۹ میلادی) شکست بریتانیا در افغانستان را چنین بیان نموده بود : آنهای که باید بشنوند ، دیگر نمی شنوند ، تمام لشکر نابود شد ، لشکرکشی با ۱۳ هزار سرباز آغاز شد ، اما تنها یک نفر از افغانستان زنده برگشت .

شانزدهمین ۳ حوت وسکوت مردمی افغانستان



موفق افغان

چند روز قبل ۳۷ مین سال از قیام مردمی قهرمانان کابل در مقابل اندیشه های کمونستی و لیننی گذشت و چند روز بعد و به تاریخ ۲۴ حوت از قیام مردم دلیر هرات در مقابل رژیم سفاک و ظالم حفیظ الله لعین بزرگداشت صورت خواهد گرفت. این روزها بیانگر رویدادهایی است که مردم غیور و شجاع کابل و هرات علیه هر نوع فرهنگ کمونستی، ظلم و ستم "نه" گفتند و با نثار کردن جان های عزیز خود مبارزه علیه نظام استبدادی و کفری را آغاز کردند.

سه حوت، بیست و چهار حوت و روزهای همانند آن در تاریخ افغانستان، شاهد شهامت و دلیری مردم این کشور بوده و نمایانگر این حقیقت است که مردم افغانستان از شرق تا به غرب و از شمال تا جنوب هرگز غلامی و بردگی را نپذیرفته اند و نه تحمل پذیرش نظام های غیر اسلامی و ظالم و مستبد را دارند. نه تنها ۳ حوت و ۲۴ حوت بلکه ایام دیگر تاریخ حماسه آفرین افغان، گواه بر شهادت رسیدن هزاران تن از جان نثاران افغان بوده که دین را بر دنیا ترجیح دادند اما هرگز اجازه ندادند که حکام خائن و خود فروختهء شان با همکاری و اشارهء کفار نظام و قوانین کفری را بر آنان پیاده سازند.

قیام کنندگان و حماسه آفرینان ۳ حوت در کابل و ۲۴ حوت در هرات پدران نسل کنونی بودند و هزاران فردی که جان های خودرا در این روزها قربان دین کردند به فرزندان خود و نسل کنونی پیام آزادمنشی، حریت، آزادی و سرفرازی را گذاشتند، و با فدا کردن جان های شیرین خود در این راه عملا ثابت ساختند که افغان مسلمان هرگز اشغال و فرهنگ بیگانگان را نمی پذیرد و هر نوع مخالفت با دین، فرهنگ و تقالید افغانی مواجه با این چنین واکنش خواهد شد.

متأسفانه، بعد از اینهمه شهادت و قربانی، جهاد و هجرت، تحمل مشکلات و مشقت ها، وقتی فرصت فتح و پیروزی میسر شد، رهبران و بزرگان افغان این فرصت را ضایع ساختند و به نوعی از انواع مرتکبین جنایات علیه ملت و قاتلین بیشتر از سه ملیون افغان بیگناه را در آغوش گرفته و از آنان حمایت کردند. حکومت کابل به رهبری صبغت الله مجددی سپس برهان الدین ربانی تحت سایهء قدرت حقیقی احمد شاه مسعود به نام عفو عمومی بر کمونستان دست شفقت کشیده و آنان را بعد از یک تعطیل مختصر به مناصب مهم امنیتی و دفاعی کشور برگردانیدند. سه ارگان مهم امنیتی هر یک امنیت ملی افغانستان، وزارت دفاع و وزارت داخلهء عملا یکبار دیگر در اختیار کمونستان و بازماندگان نظام های کمونستی قرار گرفت تا آنجا که مجاهدینی که در راه رسیدن به هدف که همانا برپایی نظام اسلامی در کشور بود که با ارزش ترین داشتهء خودرا قربان کردند در این وزارت ها و ادارات مورد توهین و تحقیر کمونستان قرار می گرفتند و نمایندگان خاص مسعود در این وزارت ها و در رأس آنان محمد یونس قانونی وظیفه داشتند که مجاهدین برگشته از هجرت و سنگر را به نام واگذاری کار به متخصصین و کارشناسان با تجربه از این وزارت ها اخراج و کمونستان سابقه دار را دوباره آنجا جابجا نمایند. بعضی از این کمونستان که جنایات بزرگی را مرتکب شده بودند و ممکن نبود در میان مردم آزادانه زندگی کنند و بیم آن می رفت که مردم در مقابل آنان عکس العمل نشان دهند توسط شورای نظار به نام زندان محافظت گردیدند که از جمله می توان از اسد الله سروری نام برد که تا چند روز قبل در زندگی مرفه و آرام به نام زندان در حفاظت شورای نظار در پنجشیر قرار داشت و اکنون نیز به تمام جنایات و کشتار خود افتخار می کنند.

امروز بعد از اینهمه قربانی ها، مجاهدین حقیقی نمیتوانند سخن از جهاد و هجرت و قربانی بزنند، نمیتواند ادعای برپایی حکومت و نظام اسلامی را در کشور خود داشته باشند اما از سوی دیگر کمونستان علنا در کشور فعالیت و مبارزه دارند، کرسی های مهم حکومتی را احراز کرده اند و علنا به تمامی جنایات خود در جریان سالهای سیاه حکومت و بردگی خود افتخار می کنند. یکی از این کمونستان در روی صفحه تلویزیون در مقابل ملت افغانستان قرار گرفته و اعلان می دارد که به حلقه های غلامی کمونستی که به گردن داشتند مفتخر بوده اند و هزاران تن را در دفاع از فکر

و اندیشهء خود کشته اند و امروز نیز اگر فرصت برای شان مهیا شود مخالفین مفکوره و اندیشهء خودرا که به زعم آنان دشمنان وطن اند به قتل می رسانند.
گله وشکوهء ما در اینجا از کمونستان و منتسبین به جهاد که خودرا در مقابل پول اندک و ناچیز و مناصب مؤقت فروختند نیست، بلکه از دوستان ما، از مردم شریف ما در همه شهرهای کشور عموما و مردم شریف و متدین کابل بطور خصوص است. از کسانی است که پدران و مادران شان حماسه هایی را مانند سه حوت و بیست چهار حوت آفریدند، و زندگی ابدی را بر زندگی بردگی در زیر سایهء نظام های دکتاتوری کمونستی ترجیح دادند.
شکوهء ما از مردمی است که پدران شان نتوانستند یک فکر و یک نظام و یک حلقهء غلامی را در زمانش متحمل شوند اما امروز که بیشتر از یک و نیم دهه از اشغال کشور شان توسط بیشتر از ۵۰ کشور اشغالگر صلیبی می گذرد فرزندان شان گاهی هم به قیام های مشابه ملی، قیام های مبارزانه و سرنوشت ساز علیه نظام مستبد، فاسد و مزدور فکر و غور نکردند.
آنگاه یک اشغال و یک فرهنگ اشغالی بود، اما امروز بیشتر از ۵۰ کشور اشغالگر با بیشتر از ۵۰ فرهنگ اشغالگری در کشور حاکم اند. امروز دین مبین اسلام و احکام شرع از جانب دشمنان مختلف مورد هجوم و هدف قرار گرفته است، امروز عفت و ناموس افغانستان در امن نیست، امروز برعکس آن روزها حتی خانواده ها در داخل چاردیواری خانه های خود نه تنها از نگاه امنیتی بلکه از نگاه اخلاقی، فکری، فرهنگی و کلتوری مورد هجوم قرار گرفته اند.
امروز نه تنها نظام سیاسی کشور تباه و برباد شده است بلکه نظام های خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و دینی ما نیز مورد تهدید شدید دشمنان اسلام قرار گرفته و غرق در فساد است.
امروز نه تنها بیشتر از ۵۰ کشور افغانستان را مورد هجوم و اشغال نظامی خود قرار داده اند بلکه دین، فرهنگ، و مذهب ما نیز توسط بیشتر از چندین جناح مورد هدف قرار گرفته است. امروز دین و فرهنگ، اساسات و مبادئ دینی ما به نام های اسلام معتدل، مبارزه علیه افراط گرایی، اصلاح وغیره نه تنها توسط دشمنان معلوم الحال بلکه توسط موسسات، افراد و نهاد های مجهول الهویه و منتسب به اسلام با متعارف ساختن افکار به ظاهر آراسته به دین و در باطن کشنده همچو زهر و برنده همچو شمشیر، مورد هدف قرار گرفته است. امروز دین ما نه تنها به سطح نظام، سیاست و حکومت بلکه در مساجد و مدارس و پوهنتون ها نیز محفوظ و در امن نیست بلکه توسط مدعیان اسلام و جهاد مورد هجوم قرار می گیرد و همه در صدد از بین بردن آن در این کشور هستند. آنان میخواهند که نسل جوان را بنام افغانستان نوین، و دین نوین، و اندیشهء نوین بسوی گمراهی، ضلالت و بدبختی سوق دهند و بالاخره آنان را از تاریخ پدر و اجداد شان به دور برند تا خون پدران غیور و دلیر را که در رگ های شان جریان دارد با خون های بی غیرتی، غلامی و بردگی مبدل سازند.
در زمان اشغال شوروی و حکومت های کمونستی در کشور، همهء ملت به یک آواز علیه اشغال و کمونزم قرار گرفته و قیام نمودند و آنان را به شکست مواجه ساختند اما امروز تنها عدهء محدودی از فرزندان کشور سینه های خودرا در دفاع از دین و کشور و نوامیس آن سپر ساخته و در مقابل اینهمه اشغال و دسایس شیطانی دشمن می جنگند و متأسفانه مردم ما که در آن زمان سهم فعال و ارزنده یی در حمایت و همکاری برادران مجاهد خود داشتند و همچو ۳ حوت و ۲۴ حوت قیام های مردمی را به وجود آورده و پایه های نظام پوشالی کمونستی را متزلزل ساختند، امروز خیلی راحت تماشای بربادی کشور و دین خودرا می کنند.
۱۶ سال از اشغال کشور شان می گذرد مگر کسی برادر مجاهد خودرا که گاهی به لقمهء نان خود نیز محتاج می باشد حمایت نکرد، حرکت با احساسی به وجود نیامد تا همچو پدران شان به حمایت از مدافعین عزت و ناموس خود به خیابان ها بریزند و علیه این همه کفر، فساد، ظلم و ستم و بیداد "نه" بگویند و خواهان حکومت اسلامی و عدالت اجتماعی در کشور خود شوند.
ای فرزندان شهداء و معلولین، ای فرزندان مجاهدین و قهرمانان حقیقی افغانستان! کشور اکنون در انتظار شماست، از شما آنچه را توقع دارد که پدران تان با ریختاندن خون های پاک خود انجام دادند. نگذارید با این سکوت مرگبار دین تان به این ارزانی به فروش رسد و تاریخ روشن و پر افتخار پدران تان به صفحات سیاه مبدل گردد. نگذارید دین، وطن، عزت و نوامیس تان همچو ۱۶ سال گذشته مورد هجوم و تهاجم اشغالگران و اجیران داخلی آنان قرار گیرد. دشمنان دین و وطن تانرا شناسایی نمائید و به چهره های ظاهری آنان فریب نخورید، بلکه همیشه اعمال آنان را با نصوص شرع مبین و تاریخ روشن و پر افتخار پدران و نیاکان تان مقایسه کنید. نگذارید که گرگ ها در لباس گوسفند با دین و تاریخ تان بازی کنند بلکه با حمایت و پشتیبانی قاطع تان از برادران مجاهد، حامی و مدافع دین و وطن تان دسایس داخلی و خارجی را خنثی سازید و آن پیام آزادی، حریت و زندگی سربلند و سرفراز را که پدران تان به شما فرستاده بود بطور امانت به فرزندان و نسل های بعدی تان انتقال دهید تا فردا چنان مایهء فخر و سربلندی به فرزندان و نسل های بعدی تان باشید که اکنون پدران قهرمان و مجاهد تان برای شما اند.





چرا امارت اسلامی؟

سمیع الله زرمتی

درین زمان مشخص و جغرافیهٔ بنام افغانستان که ما زندگی داریم گروه ها، افکار و جنبش های دینی و سیکولار بسیار حاضر صحنه هستند که هر کدام شان دم از حقانیت، عدالت و به ارمغان آوردن نیک بختی میزند. هر کدامش حق و حقانیت را در خود منحصر میداند و به دیگران اتهام بطلان و انحراف می زنند.

درین بازار شلوغ مبارزه و سیاست، گاهی انسان متحیر می شود و به آسانی نمی تواند که حق را از باطل یا راجح را از مرجوح جدا کند. زیرا شعارهای هر گروه جالب و پرکشش، اما نیات و چهره های واقعی شان زیر غبار همین شعار های کرکننده به وضاحت دیده نمی شوند.

من هم یکی از مبتلایان این روزگار هستم که در لابلای زندگانی متعهد خود را مکلف میدانم تا برای اقامهٔ نظام شرعی، محو فساد و تحکیم عدالت وارد میدان مبارزه جهادی و سیاسی شوم؛ زیرا فلسفه خلقت انسان روی زمین همین است که رب متعال خود را بشناسد و برای تبلیغ دین، اقامه حدود وعملی شدن شرائع دینی مبارزه و تلاش کند اما من بحیث یک انسان مکلف چون نمیتوانم در این راستا به تنهایی کار مؤثر و مثمر را انجام دهم خود را مجبور میدانم که وابستهٔ گروه و جماعتی شوم که به حقانیت آن یقین جازم داشته باشم؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم می فرماید: «ید الله علی الجماعه» و در جایی دیگر میفرماید: «من شذ شذ فی النار».

اما من چرا امارت اسلامی افغانستان را انتخاب نمودم و در چوکات همین جهاد صف جهادی وارد میدان جهاد و مبارزه شدم؟؟ جواب این (چرا) قرار ذیل است:

اول: من به عوض گروهها و جریان های نشنلستی، لیبرال، سیکولار و دنیاپرست یک صف و جماعت دین محور را انتخاب نمودم زیرا من اعتقاد دارم که زندگی دنیوی یک فرصت فوق العاده مهم، استثنایی و زود گذر است که ما فقط یکبار آنرا تجربه کرده میتوانیم. این فرصت را نباید در پی اهداف پست چون حصول مال، شهرت، منصب و یا کدام هدف دیگر مادی و دنیوی از دست داد. دنیای که نزد خداوند متعال به اندازهٔ یک پر پشه هم اهمیت و وزن ندارد از نظر منزلت و اهمیت اصلا با دین و اهداف ماندگار دینی قابل مقایسه نیست. از همین رو جماعت ها و گروههای که خط مشی و برنامه های شان منحصر به عیش دنیوی و کسب مال و شهرت هستند از نزد من بحیث یک مسلمان ، جریان های واهی و گمراه هستند که نمی توانند مارا به نیک بختی برسانند.

دوم: امارت اسلامی از میان جریان های اسلامی و جهادی آن جماعت است که تا حال کردار و کارنامه های شان همسان به شعارها و وعده های شان بوده اند؛ اگر در بدو تاسیس وعده از محو فساد، هرج و مرج و فتنه های گوناگون داده بود، همه دیدیم که آن وعده را بوجه احسن بسر رساند؛ در مرحله حاکمیت و حکومت فساد را ریشه کن ساخت، از سر، مال و عزت هموطنان محافظت نمود، عناصر فاسد و خرابکار که بعد از مرحله جهاد درین کشور هرج و مرج و جنگهای ذات البینی را آغاز کرده بودند از اریکهٔ قدرت دور نمودند تا ملت مظلوم از شر و اذیت شان در امان شدند.

امارت اسلامی اگر بیرق تطبیق شریعت را برافراشته بود و سنگ تحکیم و تطبیق شریعت بر سینه میزد؛ همهٔ ما دیدیم که در حین بدست گرفتن قدرت، حدود و شریعت اسلامی را به وجه احسن و عملا تطبیق نمود، از امر بالمعروف و نهی عن المنکر گرفته تا قضاء اسلامی همچنان اصلاحات دینی که در عرصه های تقنینی، اداری، اقتصادی، تعلیمی،

فرهنگی، اجتماعی و تمام عرصه های زندگی تطبیق نمود و یکباردیگر زمین خدا را به قانون الهی منور ساخت.

سوم: امارت اسلامی از نظر فکری و منهجی معتقد با آن مسلک است که سواد اعظم از امت اسلامی با آن باور دارند. امارت اسلامی از لحاظ اصول معتقد به عقیدهٔ اهل السنه و الجماعه است که هم در زمان معاصر و هم در ادوار سابقهٔ تاریخ اکثریت قاطع مسلمانان همین عقیدهٔ را داشته است، و در فروع و مسائل فقهی همچون مؤسس و امراء این جماعت تمام افراد رهبری اش باور به تقلید دارند که اهل تقلید هم از خیرالقرون تا اکنون پیوسته سواد اعظم امت اسلامی بوده اند و در مذاهب اربعه مذهبیکه بیشترین پیروان و اتباع دارند مذهب حنفی هست که امارت اسلامی تمام مواقف را موافق به همین مذهب اتخاذ مینماید، از جائیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است : «لایجتمع امتی علی الضلاله» امت من بر گمراهی جمع نمیشود و امارت اسلامی هم در اصول وهم در فروع منهج و مسلک موافق با سواد اعظم امت را دارد ما نمیتوانیم که در حقانیت مسلک و منهج امارت اسلامی شک و تردید نماییم.

در این مورد یکی از مزایای امارت اسلامی این است که مثل سائر گروهها تعصب مذهبی و مسلکی ندارد هر مسلمان را برادر خود میداند و ما دیدیم که تمام مجاهدین جهان را که وابسته به مفکوره های گوناگون اسلامی بودند، در آغوش خود جا دادند و از آنها به قربانی کردن حکومت خود نگهداری نمودند که این گونه وسعت النظر و برادر اندیشی نسبت به مسلمانان جهان در دیگر گروههای جهادی معاصر تا حال دیده نشده است.

چهارم: امارت اسلامی اعتقاد به جزئیت و انحصار دین در یکی از شعبات اش ندارد چنانکه جهاد مسلح یکی از فرائض دینی می پندارد مبارزه سیاسی، فرهنگی، دعوتی و هچنان تعلیم و تعلم، تزکیه و تصوف، دعوت و تبلیغ و پیشرفت و رفاه اقتصادی مسلمانان و سائر شعبه های خدمت دینی هم برحق و ضروری میداند و بر تعمیل آن پافشاری دارد، امارت اسلامی مصلحت اندیشی برای جلب منفعت و رفع ضرر از مسلمین را بحیث یکی از اصول پالیسی خود قرار داده است و تا جاییکه مصلحت معارض با دساتیر والای شرعی نباشد از آن استفاده میکند.

پنجم: امارت اسلامی هر نوع تعصب را مذموم می پندارد و آن را یکی از میراث های عصر جاهلیت میداند قوم پرستی، نژاد پرستی، سمت پرستی و دیگر انواع تعصب تا حال در امارت اسلامی مشاهده نشده است امارت اسلامی یگانه تنظیم عصر حاضر است که در تمام ولایات و اطراف افغانستان و درتمام اقوام و اقشار ملت طرفدار دارد و همچنان به سطح جهان و امت اسلامی نسبت به تمام تنظیم های جهادی بیشترین محبوبیت و ارادت مسلمانها را کمایی کرده است.

ششم : یکی از ویژه گی های امارت اسلامی اعتدال و وسطیت است تا حال در مواقف و پالیسی های جنگی و یا سیاسی امارت اسلامی دیده نشده است که جوش را بر هوش ترجیح داده باشد، اقدامات انتقام جویانه، عجولانه و ناشی از جذبات و احساسات در پالیسی امارت اسلامی جایی ندارند، امارت اسلامی نه افراطی را به رسمیت میشناسد که مبنی بر خواهشات و اجتهادات ذاتی و معارض با فقه اسلامی باشد و نه هم تفریطی که در آن حدود و ارشادات شریعت غرای محمدی زیر پا شوند، بلکه راه امارت راه اعتدال و وسطیت است، (و این مورد) در هر نوع تصامیم و اتخاذ مواقف شریعت اسلامی بحیث مرجع اول و آخر قلمداد شده است.

هفتم: امارت اسلامی بر بی احتیاطی در تکفیر، تفسیق و تقتیل مردم باور ندارد و در این موارد بیشترین احتیاط، هوشیاری و اتباع شریعت را وظیفهٔ خود میداند، در تاریخ بیست و چند سالهٔ امارت اسلامی تاحال دیده نشده است که امارت اسلامی کدام گروه اسلامی را تکفیر کرده باشد و یا بدون دلیل شرعی علیه کدام فرد یا گروه سلاح برداشته باشد، خون یک مسلمان برای امارت اسلامی همان ارزش دارد که شریعت مقدس بر آن تاکید نموده است. هیچ کس اجازه ندارد بدون حکم محکمهٔ شرعی کسی را بکشد و یا آن را زجر دهد، امارت اسلامی در مورد جلوگیری از تلفات ملکی بیشترین اقداماتی را به راه انداخته است و برای همین امر یک اداره مستقل تشکیل داده است تا در عملیات جهادی خدانخواسته به مردم بی گناه آسیب نرسد.

هشتم: و در نهایت باید بگوییم که امارت اسلامی جلوی چشم ما امتحان داده است هم در مقابل فساد و مبارزه با هرج و مرج و هم در تطبیق شریعت و اقامهٔ نظام اسلامی؛ اما سخت ترین امتحان که امارت اسلامی از آن پیروز بر آمد، تهاجم جهانی صلیبی علیه امارت اسلامی بود، امارت اسلامی در مقابل این تهاجم فراگیر بسیار با عزم راسخ و ایمان محکم ایستادگی کرد، یک قدم هم از اصول و مبادی خود عقب نشینی نکرد و با توکل به خداوند متعال علیه اشغالگران جهانی جهاد مقدس را ادامه داد تا این که مناطق بیشتر افغانستان را از لوث اشغالگران تصفیه نمودند.

مرحلهٔ تهاجم امریکایی و اشغال کشور در حقیقت یک مرحلهٔ مهم امتحانی برای امارت اسلامی بود که لله الحمد امارت اسلامی از این مرحله کامیاب برآمد که همین کامیابی و استقامت بی پیشنه برای ما کافی است تا آن را به حیث یک دلیل محکم بر حقانیت امارت اسلامی بپذیریم.

***





د امارت او ولس ترمنځ نه شلیدونکی تړون

سید سعید

اسلامي امارت هغه بنسټ او جوړښت دی چي د ولس له منځ څخه راپورته شوی دی،ولس ته يې د هر اړخيزي انارشۍ څخه نجات ورکړی،قاتلان،لوټماران،د خاوري،ارزښتونو او نواميسو پلورونکی يې مجازات کړی او شړلی دی.

د اسلامي امارت مجاهدينو دخپل مظلوم ولس دعزت،ويني او مال دحفاظت په موخه راز راز تکليفونه،زخمونه او اسارتونه وزغمل او په دې لار کي شهيدان شول،خو دولس او ملي منافعو پرسر سودا او معاملې ته چمتو نه شول.

همدا راز افغان مجاهد ولس اسلامي امارت ته خپله غیږ پرانيستې ده،د غربت او مشکلاتو څخه ډک ژوند کي يې له مجاهدينو سره هر اړخيزه همکاري کړې، مجاهدين يې په خپل کور کي په خپلو امکاناتو ساتلي،پاللي او د شپې او ورځي يې دخپلو مجاهدينو نه هيريدونکی خدمتونه کړي دی.

يرغلګرو او کابل رژيم دمجاهدينو سره د همکارۍ په جرم افغان ولس په مختلفو شکلونو ځورولی او له سختو ستونزو سره مخا مخ کړی دی،کورونه يې ور ويجاړ کړي،دوکانونه او شتمنۍ يې ور چورکړي،باغونه او فصلونه يې ور خراب کړی،ښځي او ماشومان يې ور شهيدان کړي،بوډاګان او ځوانان يې بندي کړي او په شهادت رسولي،دخوښۍ او غم پر محفلونويې خروار خروار بمونه اورولي چي له امله يې په يوه يوه حمله کي په سلهاوو تنه شهيدان شوي او ژوبل شوي دي،په ارزګان،کندهار،ه لمند،بالابلوک،عزيز اباد،شينډنډ،هسکه مېنه،غازي اباد،برکي برک،پکتيکا،پکتيا او کندوز کي خونړۍ پيښي يې دمشت نمونه ای خروار په توګه ياده ولای شو.

افغان ولس د پور ته ذکر شوو ستونزو او ګړاونو اوداشغالګرو او لاسپوڅي رژيم د وحشتونو او تهديدونو سره سره دمجاهدينو له ملاتړ څخه نه يوازي داچي لاس نه دی اخيستی،بلکي لا ډير يې ځاني او مالي جهاد ته لومړيتوب ورکړی،په مختلفو وختونو او بيلابيلو ځايونو کي يې دمجاهدينو سره اوږه په اوږه دخپلو نواميسو،ارزښتونو څخه ددفاع سنګرونه تاوده ساتلي دي.

دښمن د زور،زر او تزوير له لاري ډيره هڅه وکړه او لا هم بوخت دی چي د امارت او ولس ترمنځ درز ايجاد کړي،يو پربل يې بې باوره کړي او بيا له دې ښکيلاکي فارمول څخه(بېل يې کړه،اېل يې کړه) په ګټه اخيستنه افغانستان کي خپل ناروا تسلط ټينګ او دوامداره کړي.

د امارت او ولس ترمنځ د بې اعتمادۍ رامنځته کولو په موخه دښمن له هيڅ راز وحشت او دسيسې څخه مخ نه اړوي،حتی ډير ځله داسي موارد تثبيت شوي چي يرغلګرو په مستقيمه او غير مستقيمه توګه په بازارونو او لويو لارو کي انفجارونه کړي او د مزدورو رسنيو له لاري يې د پړې ګوته مجاهدينو ته نيولې ده.

اسلامي امارت ددښمن نيرنګونو ته بايد ډير ځير واوسي،د دښمن تخريبي پلانونه خنثی کړی او د دښمن دغه ارمان چي ولس پر مجاهدينو بې باوره کړي له خاورو سره خاوري کړي.

دولسي مشرانو درناوی وکړي،پر کشرانو يې رحم وکړي،دولس دسوکالۍ او هوسايې په موخه خپلي هڅي نوري هم پراخي او ګړندۍ کړي.

***



گام به گام تا برپایی امارت اسلامی

فاروق غوری

تحقیق

آنچه که مسلم است و گریزی از آن نیست، مبارزه برای حصول حقوق می باشد، ممکن است عده ای از حقوق خویش صرف نظر کنند و آنرا جملگی به دیگری بخشند، یا ممکن عده ای نتوانند حقوق خویش را از دیگران بنا بر مناسبات خاصی گرفته نتوانند و مهر سکوت بر لب بزنند، اما هستند عده ای که برای کسب حقوق خود و کسب حقوق مظلومین به پا می خیزند.

این چیزی بود که فطرت انسان به آن انس و آشنائ دارد و متقاضی آن است و انکارش را جحد از حقایق می داند. اما ادیان سماوی و ادیان که تراوش شده از اذهان بشری اند هم بر اخذ حقوق و اعطائ آنها بر صاحبان شان تاکید می ورزند، و کلمۀ که خیلی نزد اهل قلم معروف است (عدل) را به کرات ومرات استعمال می کنند و بر تطبیق آن تاکید ورزیده و هم فکرانش را تشویق می کنند.

اسلام به عنوان آخرین دین سماوی و دین بر حق هم بر این اصل (اصل تحقق عدالت) استوار بوده و برای آن تاکید بیش از حد می کند. جملۀ که در بین عرب متداول بود(انصر اخاك ظالما اومظلوما) یعنی برادرت چه ظالم و چه مظلوم (در هردو حالت) کمک کن .اسلام آمد و آنرا با طرح دیگر و طریق دیگر بیان کرد، چنانچه در حدیث روایت شده وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم این جمله را به زبان آوردند و اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم (گویا تعجب کردند و) پرسیدند: یا رسول الله مظلوم بنا بر مظلومیتش کمک کرده میشود، اما ظالم را چگونه کمک کنیم؟ در پاسخ شنیدند که رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: دستش را بگیرید تا ظلم روا ندارد. این جمله بیانگر اصل تحقق عدالت است، عدالت یعنی اخذ حقوق و یا گذاشتن آن بر جای خود.

اسلام جهاد و مبارزه مسلحانه را به خاطر اخذ حقوق و تحقق عدالت بر بالای پیروانش فرض ساخته است، چنانچه در قرآن کریم، در اولین آیتی که به فرضیت جهاد اشاره دارد، می فرماید: **(أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ)** ترجمه : ه کسانی که با آنان جنگ می شود، اجازه (جهاد) داده شده است، از آن روی که مورد ستم قرار گرفته اند، و یقیناً خداوند بر یاری آنها تواناست.. اینجا آیت شریف توضیح میدهد که حقوق پایمال شد و مردم از حق خویش محروم گشتند، پس برای تحقق عدل به پا خیزید و برای حصول حق خویش مبارزه کنید. بعد از نزول این آیت اصحاب کرام به جهاد آغاز کردند، آغازی که سالها انتظارش را داشتند، انتظاری که طفل را موی سفید می ساخت.انتظار بس بزرگ و بس دور دراز و طاقت فرسا !.

بنا بر آنچه گذشته آمد، ثابت شد که هم فطرت و عقل بشری و هم شریعت بر اخذ حقوق و تحقق عدالت تاکید می ورزد، و شریعت اسلام راه حصول آنرا جهاد مسلحانه و دست بردن به سلاح می داند، پس لازم است تا مسلمانان دست به سلاح برده و حقوق خویش را مطالبه کنند. حقوقی که سالها است از آن محروم اند.

اما چرا عده ای از آن شانه خالی می کنند و جهاد مسلحانه را راه حصول حقوق مسلمانان نمیدانند؟ در پاسخ این سوال باید گفت که اولا گرفتن حق جرئت و شهامت می خواهد وزمانیکه این کار با جنگ و مبارزه و ریختن خون همراه باشد، کار را سنگین و سنگین تر می کند و هر کس نمیتواند تا داخل این صف گردیده و برای دفاع مظلومین و تحقق عدل مبارزه کند.

الله عزوجل خالق کون و عالم به غیب هاست و فطرت انسان را درست می شناسد، وی در بارۀ یک طائفه خاص

از بشر می گوید: (**وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُّحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلَىٰ لَهُمْ**) ترجمه: وکسانی که ایمان آورده اند می گویند: «چرا سوره ای نازل نشده؟! (که فرمان جهاد را بدهد؟)». پس چون سوره ای محکم (وروشن) نازل شود ودر آن (سخن از) جنگ ذکر شده باشد, کسانی که در دلهایشان بیماری است می بینی که همچون کسی که در سکرات مرگ (قرار گرفته و) بیهوش شده باشد به تو نگاه می کنند, پس برای آنان شایسته تر است.

تفسیر سعدی تحت این آیت اشارهٔ لطیفی دارد، وی میگوید: (و یاد کرده شود در آن از جنگ) یعنی آنچه که بر نفس ها خیلی شدید و سخت است، که افراد ضعیف الایمان بر امتثال این اوامر ثابت مانده نمیتوانند. مغز سخن این است که علت عقب ماندن شان از مبارزه و از جهاد و از قتال جبن و بزدلی و بی غیرتی شان می باشد، چنانچه براین کلمه امام ابن کثیر در تفسیر خود اشاره می کند.

آغاز جهاد در افغانستان (بعد از فروپاشی شوروی و حاکمیت شر وفساد) و خشت های نخستین این بناءِ عظیم توسط چند تن از طالبان مدرسه که خیلی فقیرانه می زیستند گذاشته شد.

آری! ملا محمد عمر مجاهد رحمه الله خشت های اولی این بناء بزرگ را گذاشت، وی تصور نمی کرد که روزی کفار تمام دنیا بر ضد من می شورند، امارت اسلامی را از بین می برند، دوستانم را شهید می کنند و خودم را از وطن بیرون می رانند. وی ریشه های شجرهٔ خبیثه پاتک سالاری و وحشی گری را از افغانستان خشکاند و پاتک سالارن بزدل را تا مرزهای تاجکستان و کولاب عقب زد.

فضائ نیلگون کابل که دل نظاره گر را می رباید، در آتش جنگ های پاتک سالاران و مفسدان و در اثر دود های غلیظ ناشی از جنگ های بچه بازان و وحشیان تیره و تار گشته بود، نسیم سحری از شدت خشم و قهر دود با خود حمل میکرد، درختان سرسبز خون می گریستند و مرغان خوش خوان بر تارک درختان بلند برای نابودی پاتکیان دعاخوانی می کردند.

دعای شان قبول شد و عذر شان به درگاه رب العزت پذیرفته شد و یک بار دیگر درفش توحید در فضای کابل و سایر بلاد افغان به حرکت آمد و مسلمانان با خاطر جمعی در گرد آن حلقه زدند و بعد از ادای سجده های شکر فاتحهٔ پاتکیان را تکرارا می خواندند و بر نابودی کامل شان دعا می کرد و برای بقای امارت اسلامی به دربار الله عزوجل عذر و زاری می نمودند.

آری ! امارت اسلامی بعد از ۸۰ سال سقوط خلافت، یگانه حکومت اسلامی بر یکی از نقطه های سرزمین های اسلامی تحت قیادت بزرگ مرد و رهبر فرزانه امیرالمومنین ملامحمد عمر مجاهد رحمه الله برپا شد. این مرد غیور توانست تمام اقوام مسلمان را در گرد خود جمع نماید و آنها را در یک صف محکم و مظبوط منظم سازد تا علیه دشمنان اسلام مبارزه کنند.

استکبار جهانی و دولت های کفری که از دیر باز تدابیر بی حد و حصری را برای قلع و قمع حرکت های اسلامی سنجیده بودند، با آخرین وحشت و دهشت علیه امارت اسلامی شوریدند و آنرا نابود کردند.

آری! آنرا از روی زمین دور ساختند وبه جای درفش اسلام درفش کفر را در فضائ آن به حرکت در آوردند، اما آنها هرگز نتوانستند تا آنرا از قلب های مسلمانان و مجاهدین دور کنند و از بین ببرند.

مردم مسلمان افغان یک بار دیگر با شور و حماسهٔ بیش از حد علیه متجاوزین جدید به پا خواستند و جهاد را با شور و شعف بیشتر از پیش آغاز کردند. و الحمد لله تا اکنون یعنی در مدت ۱۶ سال این جهاد همچنان ادامه دارد، و روزانه رو به پیشرفت است، چیزی که غربی ها و کفار جهان آنرا اصلا تصور نمی کردند. (**يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ**) ترجمه: (آنها) می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند, وخداوند ابا می کند, مگر اینکه نورش را کامل (وتمام) کند, اگر چه کافران کراهت داشته باشند.

در آخر از تمام مسلمانان می خواهم تا با صف امارت اسلامی یکجا شده و گام به گام به پیش حرکت نماییم تا امارت اسلامی را یک بار دیگر در ملک افغان بر پا سازیم، ملکی که تاریخش با شهکاری ها، فداکاری ها، اشغال ستیزی ها، بر خاک نشاندن سوپر طاقت ها مزین است، اما به یاد داشته باشید که این برپا نمودن رنج ها و تکالیف می خواهند، زحمت ها و مشقت های رفیق این راه می باشد، این راه با گلهای ورد و یاسمین مفروش نیست، بلکه این راه با خارها مفروش است و سفر در این راه بس خطیر و خطرناک است، اما انجام راه آسایش ها و راحت ها می باشد.

این مسیر کشته شدن ها، زخمی شدن ها، بندی شدن ها، مهاجر شدن ها، و چون جسد امیر المومنین ملا اخترمحمد منصور رحمه الله کباب شدن ها به همراه دارد. هیچگاه تصور نکنید که بی رنج و زحمت گنج میسر خواهد شد، نابرده رنج گنج میسر نمیشود، بایست تا زحمت کشید و تلاش کرد تا موفقیت و کامیابی نصیبت گردد.

یک بار دیگر بیایید تا دست به دست هم گذاشته و تا برپایی امارت اسلامی مبارزه کنیم!





نهال شانی به دستور رهبر طالبان یک کار عالی

انجینر عثمان

رهبر طالبان در یک پیام اختصاصی تمام مجاهدین تحت فرمان را به نهال شانی، امر و توصیه فرمودند که این کار بسیار جالب و یک عمل پسندیده و شایسته تلقی شد؛ بسیار دروغگویان که طالبان را تهمت تخریب زیربناهای کشور میزنند دسیسه و پروپاگنده شان با این فرمان جناب شیخ صاحب حفظه الله کاملا از بین رفت؛ ما همیشه تاکید داریم که طالبان یک حرکت مردمی با فرایند اجتماعی و پالیسی قوی ایمان و زندگی همراه است؛ اینکه بعضی مردم خود را با لمس حقایق نسبت به طالبان گمراه ساخته و از حقیقت دور میگردند کار خودشان است شاید آنها بسیار حقایق موجود زندگی شخصی خودشان را هم با همین طرز دید بی ارزش می بینند.

سرسبزی، گل و گیاه، شادابی باغ و بوستان را هیچ کسی رد کرده نمی تواند و انسان طبعا به این مسائل توجه عمیق می کند و چگونه می شود جماعتی که کمر خود را بخاطر دفاع از اسلام بسته کرده اند و جان های خود را در راه خدا می دهند؛ نسبت به فرمان های با ارزش سرور کائنات صلی الله علیه و سلم بی توجه باشند؛ وقتی رسول اکرم که بانی جهاد و مرشد مجاهدین الی قاف قیامت است به مجاهدین توصیه و سفارش تاکید به قطع نکردن درختان می کند و در شاندن نهال و سرسبزی زمین خداوند تاکید می کند؛ رهبر طالبان نیز سنت پیامبر عزیز اسلام را با این پیام روح افزا زنده کرد و فرمود: مجاهدین کمر همت بسته کنند به نهال شانی؛ یعنی همانطور که مجاهدین کمر همت شان را برای شکستن کمر کفار و متجاوزین بسته کرده اند برای آبادی و سرسبزی کشور خود نیز کمر همت ببندند.

طالبان با نشر گزارش هایی از بازسازی و تعمیر سرک ها، مسجدها، مکتب ها و همینطور ایجاد نظم و نسق در بازارها و رسیدگی به مشکلات اولی مردم خود، نشان می دهند که پس از تصرف کدام شهر و منطقه اولین دغدغه شان پرداختن به مسائل معیشتی است و این توجه عمیق، دلسوزانه و بجای طالبان نشان از بلند فکری و همت بلند شان دارد و همینطور باز هم تمام دسایس دشمنان شان را خنثی می کنند که آنها را باربار متهم به تخریب پل و پلچک، سرک و مدرسه می کنند.

متاسفانه ملت افغانستان یک مشکل اساسی که همینک دارد این است که از حقایق ساحات تحت تصرف طالبان آگاهی کامل ندارند و این البته شاید تا حدودی ملت هم ملامت نباشد؛ چرا که وقتی ملت ما مسلمان است و افتخارات بسیار جهادی و قربانی بخاطر دین و خاک خودشان دارند مطمئنا اگر از حقانیت طالبان واقف می بودند بسیار زود تغییر عقیده و نظر می دادند و کدام ذهنیت غلط که نسبت به مجاهدین داشتند از منفی به مثبت تبدیل می یافت؛ و همچنین حکومت کابل با دیکتاتوری کامل تمام رسانه ها را خریداری کرده و یا ترسانده اند؛ لذا نقش رسانه ها که آگاهی ساختن ملت از واقعیت ها بود نیز سوال رفته و بارها دیده شده که رسانه ها اصول شان را نقض کرده و بخاطر اینکه با حکومت ملاطفت کنند یا مجبورا یا حق امتیاز بگیرند از ارایه و انعکاس گزارش های بی طرفانه خود داری می کنند خوب مسلما در جایی که از طریق رسانه ها به مردم مثل واقعیت انعکاس نیابد و دروغ به اسم حقیقت باربار تکرار گردد و آن طرف نیز جماعت دلسوز در مشکلات بسیار باشد؛ ملت از دیدن و شنیدن حقایق دور مانده و همانطور در عدم آگاهی باقی می مانند این علت هاست که بیشتر مردم از طالبان و مجاهدین واقعی خبر ندارند.

طالبان با کارهای عام المنفعه همینک روی دست گرفته و همینطور پیامهای ویژه رهبری شان که تاثیر بسیار بالای همه دارد چه حکومت خواسته باشد چه نخواسته باشد خودشان را به ملت خود بیش از پیش نزدیک کرده و قرب و محبت شان در دل ملت جای گرفته و می گیرد و اگر همچون کارها که در اصطلاح رسانه ها به آن رویکردهای غیرنظامی گفته می شوند به همین رویکردها بیشتر توجه شود هنوز هم شاید تحولات مثبت و چشمگیر به نفع آنها خواهیم بود.



تحقیق

همراه با مبارزان قلم به دست در صفحات اجتماعی

تقدیم: اسدالله مبارز

اشاره: بدون تردید امروزه یکی از از ابزار مهم رسانه ای و رساندن پیام و گفتمان های متنوع سیاسی و اجتماعی در صفحات اجتماعی از جمله فیسبوک در افغانستان طرفدارهای بسیاری دارد؛ و از آنجا که یکی از پایگاه های معلوماتی مردم بخاطر سهولتی که در موبایل ها است فیسبوک بوده و اینکه خبر شویم در صفحات اجتماعی راجع به مجاهدین عموما چگونه نگاه هایی وجود دارد و ملت عزیز ما چه نظریاتی دارند؛ اداره مجله حقیقت بر آن شد تا یک سلسله نو در عنوان فوق بگنجاند و در هر شماره حسب توفیق و فرصت، نظرها و پوست های قیمتی دوستان مخلص در صفحات اجتماعی را انعکاس دهد؛ ان شاء الله این مجموعه مورد پسند شما خوانندگان عزیز واقع شود.

امید هراتی

راجع به موضوع تلفات ملکی به دست کی می نویسد:
حکومت وحشی و اجیر زمانیکه توان مقابله و مبارزه با مجاهدین و مدافعین واقعی إسلام را از دست داد، غیظ و کینه خود را بالای افراد بیغرض و خانواده های مسلمانان خالی کرده، طفل و زن و پیره مرد را به قتل میرساند و صد ها خانواده را به ماتم مینشاند. که نمونه عملی آن را میتوان در اطراف خود هر روز مشاهده کرد.

ابوالولید

راجع به موضوع عمران و آبادی یکی از اهداف مجاهدین می نویسد:
امارت اسلامی همیشه طرفدار عمران و بازسازی کشور بوده و در این راستا با مؤسسات ذیدخل نیز همکار بوده است، اما منحیث اصل دینی عمران و آبادی نمیتواند باعث تنازل در اصول دین گردد و یا مانع تنفیذ احکام شرع گردد لذا در صورت تعارض نه تنها عمران و بازسازی وطن بلکه جان های شیرین خودرا نیز نثار دین او تعالی میکنند و رویدادهای شهادت های متکرر در سطح رهبری امارت اسلامی بزرگترین گواه بر این مدعا است.

راشد شهامت

راجع به موضوع رسانه های اجیر و تحریف حقایق می نویسد:
مسلمان حقیقی از نظر الله متعال و رسانه های اجیر؛ در نظر الله متعال:
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ

آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ. بیگمان کسانی که ایمان آورده اند ومهاجرت کرده اند ودر راه خدا جهادنموده اند، وهمچنین کسانی که پناه داده اند ویاری کرده اند (هر دو گروه)آنان مومن حقیقی وبا ایمانند(وشایسته واژه مهاجر وانصاراند وتار وپود جاودانه اسلامندو) برای آنان آمرزش (گناهان ازسوی یزدان منان) وروزی شایسته (دربهشت جاویدان) است

اری.........

از نظر الله متعال بهترین مسلمان کسی است دارای اوصاف ذیل باشد:

۱: ایمان داشته باشد.

۲: درراه الله متعال مهاجر شده باشد(فرقی ندارد که به کدام سو هجرت کرده باشد پاکستان و یا یک ملک مسلمان دیگر)

۳: در راه الله متعال جهاد کرده باشد.

۴: انصار کسانی که برادران مهاجر خویش را پناه داده باشند.

و اما از نظر رسانه های اجیر مسلمان حقیقی به کسی گفته می شود:

۱: زندگی کردن زیر چتر اشغالی در خلاف حکم الله ورسولش را ، ونوکری برای باداران خود خوانده را ازادگی ومهاجرت را بردگی تحریف میکنند

۲: زندگی در کنار وهم رکاب امریکائی را عزت وهجرت را ذلت جلوه می دهند

۳: ایمان به الله متعال را نشانه ای از کورفکری، ورهائی از دین وباور اسلامی را تمدن وروشن فکری

۴: هجرت را وابستگی.

۵: جهاد را تروریسم.

۶: همکاری با مجاهدین ومهاجرین را مداخله.

قاضی عبید

راجع به موضوع رسانه های اجیر می نویسد:

شعار آزادی بیان دفاع از منافع آمریکا و غرب ، سرکوب نمودن حرکت های ضد دموکراسی غربی ، خوب را زشت و زشت را خوب جلوه دادن .

فرهاد مجاهد

راجع به موضوع عمران و آبادی از اهداف مجاهدین می نویسد:

مجاهدین راه اسلام همیشه آبادی وبازسازی مادی ومعنوی کشور عزیز مان از اهداف شان بوده است وهمیشه وقت خواهان ترقی وپیشرف زیر پرچم زرین اسلام نظام اسلامی هستند

وهیچ وقت آرامی خود را با فاصله داشتن وفاصله کرفتن از اسلام عزیز نخواستن و نمی خواهند.

مسعود حمزه

راجع به موضوع حکومت بیکار چیکار می کند؟ می نویسد: بلی حکومت برای ملت حکومت بیکاراست اما به کسانیکه سرنخ این حکومت به دست شان است برای آنها خوب واز جان دل کار میکند کسی از این حکومت آیت های قرآن وحدیث را به خاطر بقا وحضور آمریکا تحریف میکند کسی از این حکومت برایش زیر شعار یا وطن یا کفن جان های شان قربانی میکند وکسی هم به خاطر د یمکراسی گلو پاره میکند وکسی هم از این حکومت برای مردار شده گانشان شهید خطاب میکند این است فعالیت حکومت.

زخمی زخمی پروان

راجع به موضوع عمران و آبادی از اهداف مجاهدین می نویسد:

با دیدن پیام شیخ هبت الله آخند زاده که در باره عمران و آبادی منتشر شد باید همه مردم خوشحال شوند چرا که طالبان از همه وقت بیشتر حالا ساحات زیادی را تحت کنترل دارند ودر پیام جدید رهبریت طالبان دیده می شود که طالبان بر آبادی و عمران وطن بسیار کوشا هستند.

سعید سنکدرپور

راجع به موضوع تلفات ملکی به دست کی می نویسد:

انا لا ألوم المستبد إذا تعنت أو تعدى

فسبيله أن يستبد وشأننا أن نستعد

حال ظالمان این است که می کشند، می بندند، به زندان ها می کشانند و به پای چوبه های دار آویزان می کنند، فرقی نمی کند که طفل را هدف بگیرند و یا پیرمرد را ، زن را به مرمی بکشند و یا مرد را ، این قانون و شریعت شان است.

پس باید به خاطر مبارزه با ظالمان و مستکبران به پا خواست، مبارزه کرد و از تسلیمی و ذلت و خواری خود را نجات داد.

حقانی منصور

در موضوع وحدت امارت راز موفقیت می نویسد:

هر جماعتی اگر کسی مخالفت کرد بخشی را با خود برد اما در امارت اسلامی هر کس رفت تنها رفت و جماعت همچنان مستحکم تر از قبل باقی ماند.





نگاهی به زندگی و کارنامه های شهید هر دم بیاد و هر دل عزیز

مولوی احسان الله احسان (رحمه الله)

نهضت های موفق جهان اسلام همواره شخصیت های ویژه ، ورزیده و با استعداد با خود داشته است، کسانی اگر شمشیر به دست داشتند و در عرصه های پیکار نامدار بودند ، کسانی دیگری در میدان های سیاست ، دعوت و خطابت چنان مهارت های فوق العاده داشته اند که حرف حرف گفتار آنان بیشتر از هزاران گلوله ثمرآور و منفعت بار بوده است . خداوند تعالی برای انسان ها استعدادهای گوناگون هدیه نموده است ، یکی از الطاف بیکران و بی پایان خداوند تعالی استعداد نطق و بیان است ، همین نطق و بیان است که انسان را از متباقی مخلوقات امتیاز می دهد ، اما اگر اوصاف فصاحت و بلاغت بر استعداد گفتار افزوده شود و خلوص و صمیمیت نیز در انسان خوش گفتار موج بزند حرف های وی سحر آفرین خواهد بود ، گفتارش در قلبها راه پیدا می کند و نقش بزرگی را در تهذیب افکار ایفاء می کند .

شهید مولوی احسان الله احسان رحمه الله یکی از خطیبان و سخنرانان نامدار افغانستان بود که یاد سخنرانی های دل فگار وی از مدت ها در خانه های نهان اذهان و قلوب افغان ها جا دارد ، شهید مولوی احسان الله رَحمه الله در حساس ترین مرحله تاریخ افغانستان وارد کارزار پر خم و پیچ سیاست شد ، بلی ، زمانی که افغانستان با تهدید های جدی تجزیه و چند پارچگی دچار بود ، مردم در آتش جنگ های قدرت خواهی و منازعات ذات البینی می سوختند و طوفان فساد و هرج و مرج در هر بخش کشور به اوج رسیده بود ، شهید مولوی احسان الله احسان رحمه الله در چنین آوان اسفبار و خونبار با تعدادی از عالمان حق پرور و طالبان جان نثار تصمیم گرفتند تا برای محو ریشه های فساد قیام بکنند ، ایشان برای این هدف والا و مقدس تحریک اسلامی طالبان و متعاقباً امارت اسلامی افغانستان را بنیاد گذاشتند ، در نتیجه کشور را از شورشها و فسادها نجات دادند و مردم را از ثمرات جهاد بر ضد شوروی ها و کمونیست ها بهره یاب ساختند .

تعارف اجمالی شهید مولوی احسان الله احسان رحمه الله :

شهید مولوی احسان الله احسان فرزند مولوی آغا محمد و نواسهء مولوی مرزا محمد به قوم پوپلزی و وطن پدری اش منطقه بورهء ولسوالی شاولیکوت ولایت قندهار بود ، وی به تاریخ ۵ محرم سال ۱۳۸۱ ه ق در قریه سلیم ولسوالی میزان و لایت زابل در یک فامیل دیندار و علم پرور چشم به جهان هست و بود گشود ، بابای شهید مولوی احسان الله رحمه الله مولوی مرزا محمد از شخصیت های مشهور جهادی و علمی قندهار بود ، نامبرده در جنگ دوم افغانستان و انگلیس در

مبارزات زیادی جهادی سهم گرفته بود و در اثنای فعالیت های جهادی در ولسوالی سرحدی سپین بولدک ار یک پا معیوب شد و درمیان مردم به ملا مرزا محمد لنگ شهرت داشت .

تحصیلات :

شهید مولوی احسان الله احسان رحمه الله از آوان کودک سالی سرشار از ذهانت و ذکاوت فراوان بود ، نامبرده در یک فامیل دیندار و علم دوست تولد شده بود ، مادرش یک زن خدا ترس و پرهیزگار بود و شهید مولوی احسان الله رحمه الله را همیشه با وضوء شیر می داد ، مادرش از ذکاوت فوق العادهء پسرش حکایت می کند که ۵ ساله بود آیت الکرسی را حفظ کرد و برای من نیز تعلیم داد تا حفظ بکنم ، پدر بزرگوارش از ایام خوردسالی متوجه تربیه و پرورش علمی شهید مولوی احسان الله رحمه الله بود ، شهید مولوی احسان الله رحمه الله آموزش های ابتدای را از خانه آغاز نمود ، سپس به خواست پدرش برای فراگیری علوم دینی به پاکستان سفر نمود ، شهید مولوی احسان الله احسان رحمه الله تحصیلات خود را در مدارس مختلف دیار هجرت با عرق ریزی های فراوان پیش برد ، وی از سوات (خیبر پختونخوا) تا مناطق مختلف بلوچشتان (میزی اده ، پشین ، کچلاک ، لورالای و کویته) نزد عالمان زبده و نخبه همچون مولوی سعدالدین اخونزاده ، مولوی عبدالغفور صاحب ، مولوی شرف الدین صاحب ، مولوی عنایت الله مشهور به غبرگی اخونزاده ، مولوی عبیدالله قندهاری ، مولوی ابوالفضل معین الدین صاحب و ... برای فراگیری علوم و فنون دینی زانوی تلمذ خم نمود .

دورهء خورد را در مدرسه مشهور کویته جامعه اشرفیه نزد شیخ الحدیث مولوی عبدالباری و شیخ الحدیث مولوی عبدالحی به پایان رسانید و دورهء حدیث را در همین مدرسه نزد شیخ الحدیث مولوی عبدالغفور آغاز نمود ، اما پس از وفات شیخ عبدالغفور صاحب متباقی اسباق حدیث را در مدرسه شالدره (کویته) نزد شیخ الحدیث حافظ عبدالواحد صاحب تکمیل نمود و سند فراغت را به دست آورد .

جهاد بر ضد کمونیست ها :

شهید مولوی احسان الله رحمه الله هنوز در مراحل ابتدای تحصیلات قرار داشت که افغانستان از سوی کمونیست ها طی یک کودتا اشغال شد و متعاقباً جهاد و مقاومت مردم مسلمان افغانستان بر ضد آنان آغاز گردید ، تمام ملت افغانستان درین جهاد مقدس سهم گرفتند ، البته قیادت و زعامت جهاد از روی مکلفیت های مذهبی و شرعی بیش تر به دوش علماء کرام بود ، شهید مولوی احسان الله رحمه الله که نور چشم یک خانوادهء دیندار و علم پرور بود جهاد بر ضد قشون متجاوز شوروی را بیشتر از دیگران مسئولیت دینی و ملی خود می پنداشت .

شهید مولوی احسان الله رح برای ایفای این مسئولیت شرعی نخست در ولسوالی میزان ولایت زابل به فرماندهی شهید مقیم حرکت های جهادی را آغاز نمود ، وی سپس به هلمند رفت و در جبهات مختف آن ولایت دو سال متواتر بر ضد کمیونست ها به مبارزات جهادی ادامه داد ، شهید مولوی احسان الله رحمه الله پس از فراگیری تکتیک های گوناگون جنگی به ولایت زابل بازگشت و یک جبهه جهادی را به همراه مولوی عبدالظاهر در کوه ارغسوی ولسوالی میزان بنیاد گذاشت ، شهید مولوی احسان الله رح خود را تنها وقف درس های نظامی و عسکری نکرده بود بلکه در حلقه های دعوت به درس های فکری و ثقافت اسلامی نیز می پرداخت ، وی مجاهدین را نه تنها در بخش جنگی بلکه در عرصه های علمی و فکری نیز برای مبارزه با الحاد و بی دینی آماده می ساخت .

نامبرده پس از یک مدت به تکمیل تحصیلات دینی خود بیشتر متوجه شد ، اما در پهلوی درس ها در مبارزات جهادی نیز به حد توان سهم می گرفت و هم زمان یک داعی فعال و مجاهد عملی در صحنه های جهادی بود .

عضویت در تحریک اسلامی طالبان :

در ماه محرم سال ۱۴۱۵ ه ق ، یک نهضت به نام تحریک اسلامی طالبان برای شکل پذیری آرمان های نا تمام جهاد بر ضد شوروی ها از قندهار آغاز گردید ، شهید مولوی احسان الله احسان رحمه الله از نخستین کسانی بود که با خلوص نیت و صداقت کامل در پهلوی مؤسس این نهضت قرار گرفتند و برای پیروزی تحریک اسلامی طالبان مساعی خستگی ناپذیر انجام دادند ، در روزهای نخست که هنوز طالبان از حدود ولسوالی های میوند و دند پیش روی نکرده بودند شهید مولوی احسان الله احسان رح نه تنها شامل تحریک شد بلکه قومندان های جهادی و مردم منطقه اش را تشویق نمود تا با تحریک طالبان یکجا شوند و سلاح های خود را به دست گرفته برای حاکمیت یک نظام شرعی در صفوف طالبان آمادهء قربانی شوند ، از برکت کوشش های شهید مولوی احسان الله رحمه الله قومندان های سابق جهادی و عموم مردم با تحریک طالبان یکجا شدند ، شهید مولوی احسان الله رحمه الله دران شورای علماء نیز عضویت داشت که به سرکردگی مرحوم شیخ عبدالعلی دیوبندی رحمه الله قومندان های بولدک را دعوت دادند تا از تفنگ سالاری و وحشت گرایی دست بگیرند و داعیه تحریک طالبان را بپذیرند ، اما تفنگ سالاران با وصف تلاش ها و دعوت

های پیهم علماء به زورگوی ها ادامه دادند ، بالاخره طالبان به فرماندهی ملا محمد اخوند عملیات تصفیوی را آغاز نمودند و بولدک را از وجود مفسدین پاکسازی نمودند .

دست آوردهای بزرگ شهید مولوی احسان الله احسان رحمه الله :

لشکر طالبان در اواخر ماه جدی سال ۱۳۷۳ ه ش پس از فتح قندهار به سوی زابل حرکت نمود ، شهید مولوی احسان الله احسان رح نیز دوشادوش دیگر بزرگان تحریک شامل این لشکر بود ، مجاهدین زابل ازین لشکر استقبال نمودند و کنترول ولایت را به لشکر طالبان تسلیم نمودند ، این لشکر پس از زابل به غزنی رسید و یک تعداد قوماندان های خیرخواه در مرکز غزنی مقر ولایت ، فرقه و دیگر مراکز مهم این ولایت را به طالبان سپردند ، در ساحات یونت و روضه با گروه های حزب اسلامی و حزب وحدت درگیری صورت گرفت ، اما آنان مجبور به فرار شدند و منطقه به گونهء کامل در اختیار طالبان قرار گرفت .
بخش بزرگی این لشکر به سوی میدان وردک رفت و تا به میدان شهر ، لوگر و چهارآسیاب رسید ، اما به تاریخ ۲۷ این ماه ، متباقی لشکر طالبان به فرماندهی شهید مولوی احسان الله احسان رحمه الله به سوی پکتیا رفتند و علماء پکتیا اختیارات منطقه را به طالبان سپردند ، همین جا بود که شهید مولوی احسان الله با قوماندان های جهادی و بزرگان سرشناس لوی پکتیا همچون مولوی جلال الدین حقانی ، ملا عبداللطیف منصور ، مولوی فریدالدین محمود و... وارد گفتگوها شد و بالاخره در اثر رفتار مدبرانه ، استدلال قوی و توضیحات قناعت بخش شهید مولوی احسان الله رحمه الله ولایت های لوی پکتیا (پکتیا ، پکتیکا و خوست) از رهبری تحریک اسلامی طالبان مطمئن شدند و تشکیلات خود را صمیمانه در صفوف تحریک مدغم نمودند و در نتیجه نه تنها هر سه ولایت در تصرف طالبان قرار گرفت بلکه با یکجا شدن مجاهدین و طالبان و در اختیار قرار گرفتن امکانات و سلاح های این سه ولایت تحریک اسلامی طالبان بیشتر نیرومند گردید ، شهید مولوی احسان الله احسان رحمه الله در موفقیت این پروسه نقش کلیدی داشت ، وی توانست با دلائل قناعت بخش تحریک طالبان را برای مردم این ولایت ها به عنوان یک تحریک اسلامی و افغانی معرفی بکند و قناعت کامل و همکاری همه جانبهء آنان را جلب بکند .

وظائف در تحریک اسلامی طالبان و امارت اسلامی افغانستان :

شهید مولوی احسان الله رحمه الله در اوائل تحریک اسلامی طالبان در ولایات جنوب شرقی سرپرستی طالبان را به دوش داشت ، هنوز مدتی زیادی از فتح هرات نگذشته بود که به فرمان عالیقدر امیر المؤمنین رحمه الله والی هرات مقرر شد ، هرات دران زمان گر چه فتح شده بود و لیکن هنوز در اذهان مردم اشتباهات زیادی موج می زد و ازین سبب طالبان با خطرات جدی در هرات رو به رو بودند ، شهر هرات و اطراف آن همواره شاهد مزاحمت ها و حملات بر ضد طالبان بود ، اما شهید مولوی احسان الله احسان رحمه الله توسط سخنرانی های عالمانه و برخورد مدبرانه توانست باور مردم را از خود سازد و در قلب های هراتیان جا بگیرد و ریشه های مشکلات و مخالفت ها را در هرات بیخ کن سازد .

شهید مولوی احسان الله احسان رح نه تنها شامل تحریک شد بلکه قومندان های جهادی و مردم منطقه اش را تشویق نمود تا با تحریک طالبان یکجا شوند و سلاح های خود را به دست گرفته برای حاکمیت یک نظام شرعی در صفوف طالبان آمادهء قربانی شوند

در ماه حمل سال ۱۳۷۵ ه ش ، گردهمای تأسیس امارت اسلامی افغانستان در قندهار دائر گردید و تحریک اسلامی به امارت اسلامی مبدل شد ، درین گردهمایی حدود یک و نیم هزار علماء شرکت داشتند و شهید مولوی احسان الله رحمه الله در برگزاری آن نقش ویژهء داشت ، شهید مولوی احسان الله رحمه الله در جریان این گردهمایی لقب امیرالمؤمنین را برای ملا محمد عمر مجاهد رحمه الله پیشنهاد نمود ، این پیشنهاد از سوی شورای پانزده صد نفری علماء به اتفاق تصویب شد و لقب امیرالمؤمنین پس از سالهای متمادی یک بار دیگر در قاموس سیاست اسلامی زنده گردید .
در ماه میزان سال ۱۳۷۵ ه ش عملیات فتح کابل آغاز شد ، شهید مولوی احسان الله رحمه الله در روند فتوحات شرق نخست به عنوان والی ننگرهار انتخاب شد ، اما چند روز پس هرگاه کابل فتح شد شهید مولوی احسان الله رحمه الله در نخستین کابینه امارت اسلامی افغانستان به صفت رئیس عمومی د افغانستان بانک مقرر شد .

واقعهء المناک شهادت مولوی احسان الله احسان تقبله الله :
در اوائل ماه جوزا ۱۳۷۶ ه ش ، طالبان یک توافق ناکام با جنرال ملک کردند ، ولایت های فاریاب ، جوزجان ، سرپل و بلخ در نتیجه این توافق برای چند روز در کنترول طالبان قرار گرفت ، شهید مولوی احسان الله رحمه الله به فرمان امیرالمؤمنین رحمه الله با چند تن از بزرگان امارت به ولایت بلخ سفر نمودند تا در برقراری وضعیت امنیتی همکاری بکنند ، اما جنرال ملک دو روز پس از توافق هویت خود را تغییر داد و در نتیجه یک دسیسه به همکاری حزب وحدت با طالبان غدر نمود و هزاران تن طالبان را که با قلب های پاک و آرمان های مقدس به شمال کشور رفته بودند به شهادت رسانید ، درین کاروان گلگون کفن شهیدان بر علاوه از چندین تن بزرگان امارت، شهید مولوی احسان الله احسان رحمه الله نیز شامل بود .

داستان شهادت شهید مولوی احسان الله احسان رحمه الله را برادرش مولوی عبدالغنی احسان چنین حکایت می کند : در اوائل ماه جوزا سال ۱۳۷۶ ه ش برای دیدار مولوی احسان الله به کابل سفر نمودم ، اما برادرم را نیافتم ، وی به پاکستان سفر کرده بود تا پاکستان را آماده بسازد که امارت اسلامی افغانستان را پس از فتح مزار به رسمیت بشناسد و قرار گفته های مولوی شهاب الدین دلاور (سفیر آن وقت امارت اسلامی افغانستان) پاکستان برای این کار آماده شد و پس از تحول مزار به تاریخ ۴ جوزا امارت اسلامی افغانستان را به عنوان دولت قانونی شناخت، متعاقباً عربستان سعودی و امارات متحدهء عربی نیز امارت اسلامی افغانستان را به رسمیت شناختند .

مولوی عبدالغنی احسان می افزاید : از کابل به قندهار رفتم ، مولوی احسان الله احسان نیز از پاکستان به قندهار آمد و از قندهار با وزیر امور خارجه امارت اسلامی افغانستان ملا محمد غوث اخوند و شماری دیگری از بزرگان امارت به مزار رفتند ، من نیز به تعقیب آنان به شبرغان و از شبرغان به مزار رفتم ، طالبان و جنرال ملک یک کمیتهء مشترک برای تامین امنیت شهر مزار ساختند که شش عضو داشت ، ۳ عضو از سوی طالبان هر یک سید جانان آغا (والی فاریاب) ملا عبدالحق (قومندان امنیه هرات) و بنده و ۳ عضو از سوی افراد جنرال ملک هر یک شیر عرب ، جنرال مجید روزی و مولوی عثمان .

هنوز تنها یک روز گذشته بود که درگیری ها در شهر شروع شد ، جنگ را جنرل ملک آغاز کرده بود و لیکن وی برای طالبان می گفت که جنگ را افراد حزب وحدت آغاز کرده اند ، درگیری ها از عصر تا به صبح ادامه نمود ، صبحگاه تعدادی طالبان به سوی شبرغان حرکت کردند و تعدادی هم از سوی سیلو از شهر مزار بیرون شدند ، به تاریخ ۷ جوزا ساعت ۸ صبح بیرون روضه در شهر مزار ایستاده بودم که چند تن طالب در یک موتر آمدند ، آن ها گفتند که مولوی احسان الله صاحب با چند تن از بزرگان در ریاست مخابرات هستند، بسیار به تکلیف در آن جا رسیدم ، مولوی احسان الله صاحب ، ملا محمد غوث اخوند و رئیس امور خارجه حاجی فضل محمد در آن جا حضور داشتند ، از آن جا به همراهی تعدادی از طالبان در موترها سوار شدیم و حرکت کردیم ، در نزدیکی سیلو موتر ملا محمد غوث اخوند را زدند ، ملا محمد غوث اخوند را در موتر دیگری سوار کردیم و حرکت خود را پیش رو ادامه دادیم ، هرگاه به تنگی شادیان رسیدیم افراد قومندان سید اسد که هزاره های ولسوالی چهارکنت بودند راه ما را گرفتند ، و خواستند که ما را خلع سلاح بکنند ، درگیری آغاز شد ، ساعت ۱۰ صبح بود که مولوی احسان الله صاحب مرمی خورد و در همان جا افتید ، ما به سوی کوه حرکت کردیم ، شب را در کوه سپری کردیم ، صبحگاه از شدت گرسنگی و تشنگی دوباره به قریه پایین شدیم ، هزاره ها پول ، ساعت ها و همه دارای های ما را گرفتند و ما را زندانی ساختند ، آنان زندانیان را در چند گروپ تقسیم نمودند ، گروپ شصت نفری ما را به مزارشریف انتقال دادند ، ۴ روز پس دوباره در تنگی شادیان به قرارگاه حزب وحدت آورده شدیم ، روز پنجم ده نفر را به شمول من بیرون کشیدند تا شهیدان را که چند روز پیش دران جا شهید شده بودند یکجا جمع کنیم .

دران روز اجساد ۴۵ تن شهیدان را که هنوز در کنار راه ها افتیده بودند دفن نمودیم ، جسد برادرم شهید مولوی احسان الله احسان رح را نیز شناختم و از دیگر شهداء علیحده دفن کردم ، زمانی که مزارشریف و سمت شمال دوباره فتح شد جسد برادرم را به قندهار انتقال دادم و در قبرستان طالبان در شهر قندهار دفن نمودم ، در همین قبرستان از سوی شرق نخست قبر شهید ملا محمد اخوند رحمه الله ، سپس قبر شهید ملا بورجان اخوند رحمه الله ، سپس قبر شهید مولوی احسان الله احسان رحمه الله ، سپس قبر شهید ملا یار محمد اخوند رحمه الله در یک قطار قرار دارند ، قبر رئیس الوزراء ملا محمد ربانی رحمه الله در صف دیگر رو به روی قبر شهید مولوی احسان الله احسان رحمه الله قرار دارد .

قابل تذکر است که یک برادر شهید مولوی احسان الله احسان رح مولوی ولی الله رحمه الله نیز درین فاجعهء المناک شمال به شهادت رسید ، وی از سوی میمنه با طالبان آمده بود و از سوی افراد جنرال ملک همچون هزاران طالب دیگر پس از گرفتاری در چاه های عمیق دشت لیلی در ولسوالی فیض آباد ولایت جوزجان به شهادت رسانیده شد ، انا لله و انا الیه راجعون .

***



سیرت نظامی رسول الله صلی الله علیه وسلم (قسمت۹)

روند قتال و پیکار:

۱ ـ مسلمانان پیش از آغاز جنگ اقدامهای زیر را انجام دادند:

الف ـ رسول الله (صلی الله علیه وسلم) جایگاهی مشرف به میدان جنگ انتخاب و مقر فرماندهی خود را در آن بنا کرد و نگهبانهایی را برای حفاظت آن تعیین فرمود.

ب ـ جنگ جویان وپیکار جویان اسلامی با شیوه صف می جنگیدند و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) پس از آنکه به یارانش قوّت قلب داد و آنان را به پایداری در جنگ تشویق وتحریض کرد، صفوف آنها را منظم ساخت ؛ و فرمان داد، هنگام تهاجم مشرکان با صفوف پیوسته در موضع خود ثابت بمانند؛ و چنین گوشزد کرد: (اگر در محاصره دشمن قرار گرفتید، تیر بارانشان کنید و تا هنگامی که اجازه نیافته اید، هجوم نبرید.)

ج ـ مسلمانان عبارت (اَحد...اَحد) را به عنوان رمز شناسایی و شعار جنگی خود انتخاب کردند.

۲ ـ روش وشیوه صف که مسلمانان برطبق آن می جنگیدند از دو خصوصیت و ویژگی یعنی داشتن مقر فرماندهی کل و وحدت فرماندهی برخوردار بود. این روش و شیوه تا آن زمان میان اعراب ناشناخته بود.

۳ ـ مشرکان ازروش و شیوه جنگ و گریز استفاده می کردند، از این رو فرماندهی واحدی نداشتند؛ و نه به صورت مجموعه ای یکپارچه ، بلکه جداگانه و انفرادی می جنگیدند.

۴ ـ جنگ از سوی مشرکان آغاز گشت . به این ترتیب که شخصی به نام اَسوَد مخزومی سوی حوضی که مسلمانان ساخته بودند هجوم برد و گفت : (با خدا عهد می کنم که یا از حوض آنان بنوشم یا آن را ویران کنم یا جان بر سر این کار نهم .) افسر رشید اسلام ، حضرت حمزه رضی الله تعالی عنه به مصاف او شتافت و با شمشیر چنان ضربتی به او زد که پایش از ساق جدا شد. با این وجود به طرف حوض هجوم برد تا از آن بنوشد. اما حضرت حمزه او را دنبال کرد، با او جنگید و او را در حوض کشت .

۵ ـ عُتبه و شَیبَه پسران رَبیعه و ولید پسر عتبه به میدان

آمدند و مبارز طلبیدند که سه جوان رشید از انصار عازم جنگ با آنان شدند. اما رسول الله (صلی الله علیه وسلم)آنان را بازگرداند و از عُبیده ، حمزه و علی (رضی الله تعالی عنهم) خواست که به جنگ آنان بروند؛ زیرا این سه نفر از خاندان پیامبر(صلی الله علیه وسلم) بودند و آن حضرت می خواست که نخست آنان را به پیشواز خطر بفرستد. از سوی دیگر اینان به شجاعت و جنگاوری مشهور بودند و پیروزی آنها بر سران قریش قطعی بود؛ و مایه بالا رفتن روحیه مسلمانان و پایین آمدن روحیه مشرکان می گردید.

حضرت عُبیده رضی الله تعالی عنه با عُتْبه ،حضرت علی کرم الله تعالیٰ وجهه با وَلید وحضرت حمزه رضی الله تعالی عنه با شَیبه به مبارزه پرداختند.حضرت حمزه و علی رضی الله تعالی عنهما امان ندادند و بلافاصله طرف های خود را کشتند. اما حضرت عُبیده رضی الله تعالی عنه و عتبه یکدیگر را زخمی کرده بودند. پس حضرت علی (کرم الله تعالی وجهه) و حضرت حمزه (رضی الله تعالی عنه) با شمشیر بر عتبه تاختند و کارش را تمام کردند و حضرت عبیده (رضی الله تعالی عنه)را از میدان بیرون بردند.

۶ ـ مشرکان از آغاز شوم جنگ به خشم آمدند و مسلمانان را زیر باران تیر گرفتند و با سواران خود به آنها هجوم بردند. اما مسلمانان همچنان در جای خود استوار ماندند و تیرهایشان سوی مشرکان نشانه رفت و هدفشان در درجه اول کشتن سران آنها بود. مشرکان به شیوه جنگی جدید ونوین مسلمانان پی نبردند و سران قریش یکی پس از دیگری با تیرهای دقیق مسلمانان از پای درمی آمدند.

۷ ـ رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) از مقر فرماندهی پایین آمد و صفوف سپاه اسلام را اندك اندك به شکست خوردگان فاقد فرماندهی مشرکان نزدیک ساخت ... تا آنکه نیروهای آنان بطور کامل پراکنده گردیدند.

در این هنگام پیامبراسلام(صلی الله علیه وسلم) فرمان داد: (دشمن را تعقیب کنید.) به دنبال آن مسلمانان به تعقیب مشرکان شکست خورده پرداختند و آغاز به گردآوری غنیمت و گرفتن اسیر کردند.

۸ ـ نبرد بدر در بامداد روز جمعه هفدهم رمضان سال دوم هجری آغاز گشت و شب هنگام پایان یافت . مسلمانان پس از سه روز توقف در بدر آنجا را به مقصد مدینه منوره ترک گفتند.

خسارتهای طرفین

۱ ـ مسلمانان : چهارده تن شهید: شش نفر از مهاجرین و هشت نفر از انصار.

۲ ـ مشرکان : هفتاد کشته و هفتاد اسیر

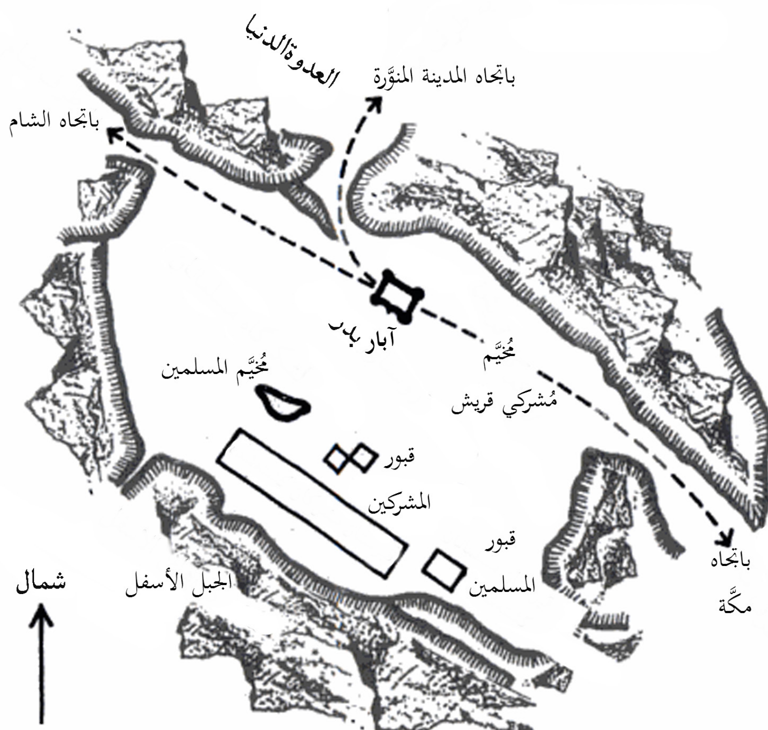
عوامل پیروزی مسلمانان:

۱ ـ وحدت فرماندهی.

فرماندهی کل سپاه اسلام در جنگ بدر با شخص رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بود و مسلمانان بطور یکپارچه گوش به فرمان وی بودند: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در موقعیتهای سرنوشت ساز، سربازانش را برای انجام کارهای سرنوشت ساز و به جاهای سرنوشت ساز می فرستاد، و این همان وظیفه یک قوماندان و فرمانده با کفایت است .

فرمانبرداری مسلمانان در اجرای دستورهای فرمانده شان نمونه بارز و عالی فرمانبرداری کامل بود. از آنجا که فرمانبرداری پایه سربازی است و ارتش ممتاز ارتشی است که به زیور اطاعت پذیری آراسته باشد، ارتش واردوی اسلامی را می توان اردو وارتشی به معنای واقعی کلمه اطاعت پذیر شمرد.

فرمانبرداری به مفهوم پیروی و اجرای فرامین از روی اشتیاق ، خلوص ، امانتداری و طیب خاطر است . مسلمانان با اشتیاق کامل ، امانتی بی مانند و خلوصی شگفت انگیز و شوق و طیب خاطر بسیار، در اجرای





فرمانهای فرمانده خود می کوشیدند. حق هم همین بود زیرا که وی همه خصوصیت ها و ویژگیهای یک فرمانده ایده آل وآرمانی را دارا بود: آن حضرت در سختیها شکیبا بود، در تنگناها شجاعتی بی مانند داشت ، با یارانش به مساوات رفتار می کرد، در کارهای سرنوشت ساز با آنان به مشورت می پرداخت ، نظر آنها را جویا می شد و آن را به کار می بست .

پیش از جنگ بدر، یارانش را در معرض خطری قریب الوقوع می دید، زیرا شمار آنها از قریش که نیرو و تجهیزات بیشتری داشتند کمتر بود... اما با صبر و پایمردی و با توکل بر الله متعال بر مشکلات غلبه کرد؛ و یارانش را به صبر و شکیبایی در جنگ تشویق فرمود. همینکه کار جنگ دشوار شد، خود پا به میدان جنگنهاد.در شجاعت رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده : حضرت علی (کرم الله تعالی وجهه) ، سرآمد شجاعان عالم ، در این باره می گوید: هرگاه کار جنگ سخت می شد، ما به رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) پناه می بردیم و هیچ یک از ما نزدیکتر از او به دشمن نبودکافی است.

آن حضرت در استفاده از اموال یا برخورداری از آسایش ، هیچ امتیازی برای خود نسبت به یارانش قائل نبود و دیدیم که مساوات را حتی در به نوبت سوار شدن شتر و پیاده روی رعایت می کرد.

پس از دریافت خبر بیرون آمدن قریش ، با یارانش به مشورت پرداخت ، به نظریه های مهاجران و انصار گوش فرا داد و نظریه یکی از یارانش را مبنی بر اردو زدن در کنار نزدیکترین چاه بدر پذیرفت . مسلمانان را به جایی که مورد نظر حباب بود انتقال داد، و چاهها را از بین برد و بر سر چاهی که خود مستقر بودند حوضی بنا کرد. پس از جنگ درباره اسیران با مسلمانان به مشورت پرداخت و نظری را که از سوی حضرت ابوبکر(رضی الله تعالی عنه) و هم فکرانش ابراز شد به اجرا درآورد.

آنچه گفته شد خصوصیت ها و ویژگیهای فرماندهان برجسته و ممتاز در هر زمان و در هر مکانی است .

از آنجا که فرمانده باید از نقطه ای بر تمام میدان جنگ مشرف باشد، مقر فرماندهی اش را روی تپه ای نزدیک میدان نبرد برپا ساخت ؛ و چند نفر مبارز زیر نظر یک مسؤ ول ، حفاظت آن را برعهده گرفتند.

همه این موارد، مسلمانان را وامی داشت که بطور یکپارچه و به منظور هدفی یگانه زیر فرمان یک فرمانده انجام وظیفه کنند... و این از عوامل مهم پیروزی در همه نبردهاست :

(اِنْ تَنْصُرُوا اللّهَ یَنْصُرْکُمْ وَ یُثَبِّتْ اءَقْدامَکُمْ(

اگر خداوند را یاری کنید شما را یاری می کند گامها وقدم هایتان را استوار می گرداند.

اما مشرکان فرمانده عمومی وکل نداشتند: بیشتر سران قریش با مشرکان همراه بودند. اما در آن میان ، عتبهٔ بن ربیعه و ابو جهل از دیگران برجسته تر بودند که این دو نیز چنانکه پیشتر گفته شد، با هم اختلاف نظر داشتند و هدف واحدی را دنبال نمی کردند؛ و بیشتر به دشمن شباهت داشتند تا دوست .

از این رو در اثنای جنگ ، خودخواهی بر مصالح عمومی چیره شد و هر کدام از سران قریش تلاش داشت که خود را قهرمان عرب وانمود کند و به پیامدهای ناگوار این کار بر نتایج جنگ توجهی نداشت.

ادامه دارد ...



یورش کفر علیه ملت مسلمان!



مسلم فاروقی

اسلام به عنوان دین کامل الهی با دساتیر و قوانین بشرساز خود، بخصوص با فرامین جهاد و قتال؛ همواره مورد تاخت و تاز ملت های کفری و منافقین قرار گرفته و می گیرد، و درین میان شیطان‌های جنی و انسی تلاش‌های زیاد و نیرنگ‌های بی‌حد و حصر نمودند تا اسلام و احکام آن را تحلیل، تجزیه و تشویه نمایند و نور الهی را خاموش سازند چنانچه الله متعال می‌فرماید: «**يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ**». [صف:۸] یعنی: (آن‌ها می‌خواهند نور الله را با دهان خود خاموش کنند ولی الله کامل‌کنندۀ نور خویش است هرچند کافران خوش نداشته باشند.)

ولی این تلاش‌های شان سازگار نشد بلکه هر اندازه پف نمودند شعلهء اسلام و اندیشه‌های نورانی آن در قلب‌های حتی افراد خودشان رسوخ کرد و جای گرفت پس مجبور شدند که از راه دوستی و محبت، گرگ در لباس میش و گوسفند مسلمانان را از دین شان دور سازند و حائل میان آنها و پروردگار شان، و مانع میان مجاهدین و ملت مسلمان قرار گیرند، باز هم این عمل شان سازگار نشد بلکه به فضل و مدد الله متعال اندیشهء پیکار و مبارزه روزانه گسترش نمود تا جایی که امروز ما شاهد هزاران جوان متدین و مبارزی در بین امت مسلمه هستیم که با خون خود راه خود را تازه نگه می‌دارند، چنانچه الله متعال می‌فرماید: «**مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ.**» [احزاب: ۲۳] یعنی: (از مؤمنان مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با الله بسته بودند (صادقانه) وفا کردند)

در این چنین عصری که همه ملت‌های کفری و الحادی جهت ازبین بردن اسلام و اندیشه‌های اسلامی بالای امت اسلامی سرازیر شده‌اند و با پلان‌های شوم و برنامه‌های آراسته شده با نیرنگ‌های شیطانی کوشش می‌نمایند که اسلام و منتسبین اسلام واقعی را از صفحهء تاریخ برکنند، احکام و فرامین دین را به خصوص نصوص اسلامی ای را که در مورد مبارزه علیه فساد، فحشاء، کفر و الحاد صراحت دارند؛ وارونه جلوه دهند. جهاد، مبارزه، دیانت، حجاب، ثقافت و فرهنگ اسلام را در انظار مردم نمادی از تخلف و عقب ماندگی بنمایانند، عصر طلایی تمدن، ترقی و پیشرفت مسلمانان را در قرن‌های متمادی ای مسلمانان متمسک به دساتیر و احکام دین بودند و به آن افتخارات نایل آمده بودند را به خود نسبت دهند، غرب و اروپا را مهد علم و فرهنگ جلوه دهند، حیوانیت و شهوت‌رانی غربیان را اخلاق و انسانیت معرفی کنند، با اندیشه‌های انحرافی و افکار متعفن خود؛ عقل و فکر جوانان امت اسلامی را تسخیر نموده و آنها را شستشوی مغزی و فکری نمایند، و ملت مسلمان را در شهوات و شبهات پوچ خود مصروف نگه دارند؛ معلوم می‌گردد که مسوولیت فرد مومن، عالم زرنگ و بیدارگر، دعوتگر مبارز، و مجاهد مخلص، بیشتر از آن است که احساس می‌شود، تا علیه این صاعقهء بزرگ و آفات مهلک تلاش و مبارزات خسته ناپذیر کنند و نگذارند که بیشتر از این ملت رنجور مسلمان ما در منجلاب بی‌دینی و الحادی کفار و مفسدین هلاک گردند.

آری!

همین قشر و فرزندان راستین امت باید همهء میادین اعم از میدان جنگ و رباط، تعلیم و تعلم، کار و دفتر، منبر و مسجد، فضای عینی و مجازی را سنگر های مبارزه و پیکار علیه بی‌دینان، سکولارها، کمونیست‌ها، غربی‌ها، هندوها، ملحدین، دهری‌ها، نواندیشان امروزی و مسلمانان سحر شدهء تمدن غرب جور نمایند، و جوانان امت را از نیرنگ و فریب این شیطان صفتان آگاه نموده و با دلایل عقلی و نقلی رسای خود در رد افکار پوچ آن‌ها سعی و تلاش نمایند، رساله‌ها و کتاب‌های زرین بنویسند، بیانیه‌ها و سخنرانی‌های بلیغ و فصیح نمایند، محافل و مجالس متنوع دایر نموده، و وسایل مختلف را به کار گیرند تا امت به خواب رفته و ضمیر های خفته را دوباره بیدار نموده و به مسوولیت ایمانی و وجیبهء دینی شان متوجه سازند و بتوانند که آن عزت، شرف و افتخار از دست رفتهء خود را دوباره بدست آورند.

وما ذلک علی الله بعزیز

ترامپ بنقش قدم بوش درجنگ با اسلام

سعید بدخشانی

AP

تضاد و کشمکش بین حق و باطل و مؤمنان و کافران از نخستین لحظات تاریخ تا کنون ادامه دارد و نزاع خارج از این چهارچوب، محدود و گذرا بوده تداومی در تاریخ نداشته است. حال نقطه پایانی این درگیری و تضاد کجا و چه وقت است؟ با توجه به وعده قرآن، نقطه اختتامی این تضاد ، غلبه و پیروزی ایمان و حقّ و نابودی کفر و باطل است، بدین ترتیب در عصری پیروان حق به اوج قدرت و کمال خود می رسد و زمینه برای فتح و پیروزی آنها به وجود می آید و پیروان باطل نیز به انتهای قدرت و انحطاط کشیده می شود و وقتی هر دو به نهایت خود رسیدند، عاقبت حق با نصرت خداوند و مجاهده خستگی ناپذیرمؤمنان و صالحان بر باطل غلبه می کند و کافران و مفسدان را از میان بر می دارد و قدرت و سلطه طاغوت از بین می رود.

پس از لشکر کَشی های دوام دار بین پیروان اسلام و کفر، و شکست های پیهم یهودیان و نصرانیان در برابر سپاهیان و جانثاران راه حق، کفر جهانی به رهبری امریکای مغرور غرض اخذ انتقام از مسلمانان، غصب کشور های اسلامی و ترویج تفکرغربی و دیموکراسی مزخرف به بهانه ها و مکر های گونا گون به حریم سر زمین های اسلامی به ویژه بر ملت مظلوم افغانستان تهاجم نظامی و فکری نمود.

فکر صلیبی در ذهن زمامداران آمریکا

جورج بوش ریس جمهور سابق آمریکا در سال ۲۰۰۱ میلادی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر هنگام سخنرانی در کنگره آمریکا برای توجیه جنگ افغانستان از واژه جنگ صلیبی استفاده کرد وی گفت: ۱۱ سپتامبر یادآور دوران جنگ صلیبی است و آمریکا برای مقابله با این روند حمله پیش دستانه اغاز خواهد کرد هرچند بوش تحت فشار افکار عمومی این عبارت خود را کتمان کرد، اما در نهایت همان کاری را انجام داد که اعلام کرده بود.

وی با ادعای مبارزه با تروریسم وبر قراری امنیت برای آمریکا به کشتار مردم افغانستان پرداخت بوش با همین نگرش در سال ۲۰۰۳جنگ عراق را آغاز و جنایت علیه مسلمانان این کشور را به اجراء گذاشت. بررسی سیاست های دوران بوش نشان می دهد که وی با تفکر جنگ صلیبی با محوریت کشتار خانم ها، اطفال، سالخوردگان وجوانان مسلمانان و تخریب مساجد، مداریس، مکاتب، شفاخانه ها و نهایتاً سرزمین آنها، دو دوره ریاست جمهوری خود را به پایان رساند وهرگز از تفکر ضد اسلامی دست نکشید.

جورج بوش مسیحی وحماقت آن

من به یاد دارم هنگامی که جرج بوش رئیس جمهوری وقت آمریکا برنظام مشروع (امارت اسلامی) دست

به حملات زد، از وی در مورد هجوم اش برافغانستان وعراق سوال شد که چرا شما به این کشور ها حمله نمودید؟ در پاسخ گفت: ماموریتی از جانب خداوند به من محول شده است خداوند به من فرموده است جورج! برو با تروریست ها در افغانستان بجنگ و من این کار را کردم و سپس به من فرمود جورج! برو و به دیکتاتوری و ستم در عراق پایان بده و من این کار را نیز به اجراء گذاشتم.

ترامپ چهل وپنجمین رئیس جمهوری آمریکا در جنگ صلیبی علیه اسلام بنقش قدم بوش در حرکت بوده، و مقابله با اهل اسلام را از اولویت های کاری خود میداند ترامپ پس از آنکه بحیث ریس جمهور آمریکا سوگند یاد کرد، در نخستین نطق خود بصراحت تام اعلام کرد که من تلاش می ورزم تا اسلام رادیکالی را نابود سازم.

گویا بوش در جنگ بر علیه عالم اسلام و ملل اسلامی از الله جل جلاله الهام می گرفته است چیزیکه نه تنها که مسلمانان به آن اکاذیب باور ندارند کافران نیز به آن معتقد نیستند بلکه جورج بوش به طور سیستماتیک وعوام فریبی و با بهره گیری از احساسات مذهبی توده های مردم قصد داشت دنیا را به جهنمی سوزان تبدیل کند.

اما اوباما پس از بقدرت رسیدن واختتام حکومت بوش مدعی شده بود که سیاست های گذشته را تغیر داده و با نگاهی جدید به دنبال احیای جایگاه امریکا خواهد بود. به رغم ادعاهای مطرح شده، بررسی کارنامه هشت ساله اوباما سیاه پوست نشان داد که وی نیز با همان تفکرات بوش مبنی برجنگ های صلیبی، سیاست خارجی را دنبال کرده و کشتار و نابودی مسلمانان را در اولویت سیاست های خود قرار داد.

ترامپ چهل وپنجمین رئیس جمهوری آمریکا در جنگ صلیبی علیه اسلام بنقش قدم بوش در حرکت بوده، و مقابله با اهل اسلام را از اولویت های کاری خود میداند ترامپ پس از آنکه بحیث ریس جمهور آمریکا سوگند یاد کرد، در نخستین نطق خود بصراحت تام اعلام کرد که من تلاش می ورزم تا اسلام رادیکالی را نابود سازم.

اسلام رادیکال همانا اسلام اصیل و ایدیولوژیکی است که از آن یک نظام کاملاً معتدل وموافق با فطرت انسانی نشأت می کند و با تطبیق آن نه تنها مسلمانان، بلکه کافه بشریت رستگار می شوند.

بناً ترامپ به اساس اعلام نبرد با اسلام رادیکال آغاز بکشتار امت مسلمه کرد، و در این سلسله مردم مظلوم سنگین هلمند را در نیمه شب و در اثنای خواب شیرین مورد بمباردمان وحشیانه قرار داد که در این حادثه خونین ده ها خانم، کودک و ریش سفید شهید ومجروح گردید فاجعهء دلخراش سنگین از مقدمات جنگ صلیبی ترامپ در افغانستان شمرده می شود.

بطور فشرده متذکر باید شد: که ناتو به سرکردگی فرعون عصر(آمریکا) دست به جنایات هولناکی زد و کشور های اسلامی مانند افغانستان، عراق، سوریه و... را به مخروبه مبدل، و میلون ها مسلمان را شهید، معیوب و بی خانمان ساخت.

اما قرآن کریم با قاطعیت اعلام می دارد که پیروزی نهایی از آن مؤمنان می باشد، صالحان و متقیان بر ظالمان ومستکبران غلبه قطعی می یابند. و ما ذلک علی الله بعزیز



زندگان جاوید

ترتیب: حبیبی سمنگانی

اشاره: اداره مجله حقیقت بخاطر یادبود شهدای گرانقدر امارت اسلامی افغانستان سلسله ای نو تحت عنوان «زندگان جاوید» اختصاص داده است تا ضمن یادبود از قهرمانان جهاد و سلحشوری همیشه یاد و خاطره آن بزرگمردان در دل و یادها تر و تازه باشد.

زمین ز خون شهیدان ما خضاب گرفت
چنین عبث تو به سرخی این شفق منگر

جهان شرق و غرب هنوز هم در جستجوی کلیدِ پیروزی در افغانستان سرگردان و پریشان هستند ، اما رشادت ، شهامت ، دلاوری و جانفشانی فرزندانِ راستینِ این مرز و بوم به زبان حال زمزمه دارد که تا آخرین رمقَ زندگی در پیکر ما باقی است این میهنِ آزادگان تسخیر ناشدنی است ، درین روزها کتاب محمود احمدوف گاریف (مشاور ویژهء شوروی برای دکتور نجیب الله در سال ۱۹۸۹-۹۰) را مطالعه دارم ، محمود گاریف در کتاب خود که به نام < آخرین نبرد من – افغانستان پس از اخراج قشون شوروی > انتشار یافته است نقدهای تند و تیز بر مجاهدین افغان دارد ، وی در یکجا می نویسد : مردم نعره می زدند که قبرستان کمیونستان – افغانستان افغانستان ، اما افغان ها فکر نمی کردند که در جنگ شوروی – افغانستان تنها ۱۴۴۵۳ تن عساکر شوروی سابق کشته شدند و بالمقابل ۹۰ هزار تن مجاهدین و یک و نیم ملیون افغان های ملکی شکار این نبرد شدند ، ۳ ملیون افغان ها جراحت برداشتند ، ۵ ملیون آن ها در خارج و ۲ ملیون دیگر در داخل افغانستان آواره شدند و..........، به گاریف باید گفت ، بلی ، این سرشت و ویژگی افغان ها است که هر زمان به نرخ جان از آزادی میهن پاسداری نموده اند ، ملیون ها جان را نثار نمودند و لیکن ثابت ساختند که افغانستان یعنی مدفن امپراتوری ها .

شانزده سال پیش ، هرگاه کشورهای صلیبی غرب به سرکردگی امریکا بر افغانستان یورش آوردند و نیروی ایمانی افغان ها را دعوت مبارزه دادند ، مسلمان های

افغانستان با وصف نبود امکانات و تجهیزات با عزم آهنین در برابر مجهز ترین و مدرن ترین نیروهای جهان صف بستند ، سنگرهای مقاومت و پاسگاه های دفاع از خاک پاک میهن را یک بار دیگر داغ نمودند و ابواب جدید در تواریخ آزادگان افزودند ، لله الحمد ، درین روزها مشاهده نمودیم که رئیس جمهور امریکا بارک اوباما در آخرین لحظات فرماندهی خود اعتراف می کند که نتوانستیم افغانستان را شکست بدهیم ، هزاران جوان افغان اعم از علماء ، دانشوران ، متعلمین و مردم عامه در پانزده سال اخیر جانهای خود را در مسیر سربلندی دین اسلام و آزادی میهن عزیز قربان نمودند ، زندگانی شان را برای فردای افغانستان آزاد و مستقل نثار نمودند ، با قطرات خون شان دشت و دامن افغانستان عزیز را معطر ساختند ، بزرگ ترین آرمان این شهیدان به اهتزاز درآوردن لواء تابان اسلام در سراسر میهن عزیز بود ، مجله حقیقت افتخار دارد که شخصیت و سیرت پرعزیمت این جان نثاران و سردادگان راه حق را به عنوان < زندگان جاوید > زینت صفحات خود سازد و با یاد بود این فرزندان وفا شعار قلب های نسل جوان را حرارت و طراوت بخشد .

در بخش اول < زندگان جاوید > با شخصیت و سیرت چند تن شهیدان ولایت سمنگان آشنا می شویم ، سمنگان یکی از ولایت های شمال افغانستان به افتخار دارد که پیش تر از دیگران در برابر رژیم دهری و کمیونستی نور محمد تره کی قیام نمود ، ولسوالی درهء صوف این ولایت ابتکار نخستین مقاومت بر ضد رژیم خلقی های خدا ناشناس و مسلمان ستیز را از آن خود نمود ، این مردم جسور و سلحشور درهء صوف بودند که به تاریخ ۲۵ دلو ۱۳۵۷ ش قیام در برابر مزدوران بزرگ ترین استعمار قرن بستم را با نعره های وجد آفرین الله اکبر بنیاد گذاری نمودند و به تاریخ ۱۵ حوت آن سال ولسوالی درهء صوف را فتح نمودند ، سپس روند مقاومت در دیگر بخشهای کشور آغاز گردید ، به تاریخ ۳ حوت مردم چارکنت (بلخ) و ۲۱ حوت مردم فراه و ارزگان قیام نمودند و به تاریخ ۲۴ حوت ۲۰ هزار تن هراتی ها جانهای خود را نثار نمودند .

شهید مولوی نور محمد مبارز (تقبله الله)

شهید مولوی نور محمد مبارز فرزند محمد وزیر در سال ۱۳۶۰ ه ش در قریه بیانان ولسوالی دره صوف ولایت سمنگان دیده به جهان هست و بود گشود ، شهید مبارز (رحمه الله) شخصیت نیک سیرت ، دارای اخلاق حمیده و داعی پرآوازه در سطح ولسوالی دره صوف بود ، شهید نامبرده کتب متداول دینی را در مدارس مختلف کشور به تکمیل رسانید و سپس چون افغانستان عزیز در پنجه های اشغال صلیبیان عصر به سرکردگی امریکای پلید به شدت شکنجه می شد و وحشت و بربریت نیروهای متجاوز و غلامان آنان بر مردم مسلمان افغانستان به اوج رسیده بود شهید مولوی نور محمد مبارز (رحمه الله) بر خود لازم دانست تا برای رهایی خاک و مردم این مرز و بوم یکجا با مجاهدین امارت اسلامی افغانستان بر ضد دشمنان اسلام و مسلمان ها مبارزه بکند ، همان بود که در سال ۱۳۸۸ ه ش وارد سنگرهای داغ مقاومت گردید و برای مدت دو سال در ولایت های بغلان ، قندوز ، پروان و سمنگان به جهاد ادامه داد ، شهید مبارز (رحمه الله) بالاخره به تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۹ ه ش در سن ۲۹ سالگی با گروهی از برادران مجاهد خود در بمباران قوای هوایی صلیبی های ناتو در ولسوالی دره صوف به رحمت حق پیوست .

شهید ملا عبدالحفیظ (تقبله الله)

شهید عبدالحفیظ فرزند حیات الله در سال ۱۳۷۰ ه ش در قریهء بغک ولسوالی درهء صوف ولایت سمنگان در یک دودمان دین دوست و مجاهد پرور چشم به جهان گشود ، شهید عبدالحفیظ (رحمه الله) هنوز در دارالعلوم ابوحنیفه (سمنگان) مشغول فراگیری علوم دینی بود که به تقاضای وجدان حق پرست خود لبیک گفت و قیام در برابر صلیبی های متهاجم و اشغالگر را بر خود لازم دانست ، وی دورهء آموزشی خود را ناتمام ماند و در ولایت قندوز به صفوف مجاهدین پیوست ، شهید عبدالحفیظ (رحمه الله) تا مدت یک سال درین ولایت با اشغالگران و مزدوران زرخرید آنان مبارزه نمود ، اما چون شوق بی پایان شهادت در قلب پاک وی به شدت موج می زد نام خود را در فهرست کاروان استشهادی ها درج نمود ، وی در سال ۱۳۹۰ ه ش برای انجام دهی عملیات شهادت طلبانه به ولسوالی بغلان مرکزی



ولایت بغلان تشکیل شد ، اما دران جا در طی یک عملیات شب هنگام امریکایی ها جام سعادت بخش شهادت را نوش جان نمود و سپس در همان ولایت به خاک سپرده شد .



شهید امیرگل رهنما (تقبله الله)

شهید امیرگل مشهور به رهنما فرزند عبدالحکیم باشندهء قریه برفک ولسوالی درهء صوف ولایت سمنگان بود ، شهید امیرگل که یک شخص امی بود در ابتداء شامل اردوی رژیم مزدور شد ، اما چون خداوند تعالی شهامت و غیرتِ ویژهء را برای شهید امیرگل عطا نموده بود وی نتوانست یورش نیروهای امریکایی بر خانه های مسلمان ها را تحمل بکند ، وی گرچه از علوم دینی بهره ور نبود اما یک شخص پرهیزگار و عابد بود ، وی همواره در قرارگاه خود آذان می گفت ، یکبار قوماندانِ قرارگاه شهید امیرگل را از آذان منع کرد ، اینجا بود که زَندگی در سیطرهء کفر برای وی بسیار تلخ گردید و عزم نمود تا انتقام خون مسلمان های مظلوم را از مزدوران جهان کفر و الحاد بگیرد ، وی یک شب بر قوماندان کندک حمله نمود و قوماندان را با دو تن از محافظین اش مردار نمود و با مقداری از سلاح و مهمات در ولسوالی شاجوی ولایت زابل به مجاهدین تسلیم شد ، وی از سوی مجاهدین ولایت زابل با استقبال گرم رو به رو شد و نیز از سوی مسئولین مجاهدین تقدیر گردید ، سپس شهید امیرگل (رحمه الله) به ولسوالی درهء صوف آمد و با شماری از علماء و مجاهدین سنگرهای جهاد را درین ولسوالی یک بار دیگر داغ نمود ، هرگاه مجاهدین در موسم زمستان برای ادامه تحصیلات خود به دیگر ولایت ها می رفتند وی حتی ماه ها در کوه ها و دره های این ولسوالی به تنهای مردانه وار مقاومت می کرد ، مقاومت وی در تاریخ جهادی این ولسوالی در واقعیت قابل تمجید است ، شهید امیرگل (رحمه الله) مدت ۳ سال در خظ مقدم مقاومت در برابر کافران و مزدوران آنان قرار داشت و سرانجام در سال ۱۳۹۱ ه ش در ولسوالی درهء صوف به مقام شهادت نائل گردید .

شهید ملا خلیل الله سنگری (رحمه الله)

شهید ملا خلیل الله تقبله الله مشهور به سنگری فرزند شهید ملا اکبر باشندهء قریه شلکتو ولسوالی حضرت سلطان ولایت سمنگان در سال ۱۳۷۲ ه ش چشم به جهان هست و بود گشود ، پدر شهید ملا خلیل الله پیش از ولادت وی به شهادت رسیده بود ، وی از سوی کاکاهای مشفق و مهربان خود پرورش شد ، شهید سنگری در سن هشت سالگی به مکتب رفت و تا ۹ سال در لیسه دولت آباد (ولسوالی حضرت سلطان) درس خواند ، وی در کنار درسهای مکتب در نزد پیش امام مسجد قریه خود مشغولِ آموزشهای دینی نیز بود ، سپس مکتب را ترک نمود و خود را وقف فراگیری علم دینی نمود ، شهید ملا خلیل الله درسهای دینی خود را بیشتر در دارالعلوم اشرفیه (پشاور) و دارالعلوم روضت الاسلام (پشاور) پیش برد ، اما هنوز سفر علمی وی به پایان نرسیده بود که با صفوف مجاهدین در ولایت ننگرهار یکجا شد ، شهید ملا خلیل الله دارای بسیار اخلاق زیبا و ستودنی بود ، سکوت بر لب داشت و در خدمت دوستان از همه پیشگام بود ، اما در سنگرهای جهاد با ولوله و عزم فراوان بر دشمن یورش می برد ، شهید سنگری(رحمه الله) تا مدت شش سال کامل مبارزات خود را بر ضد متهاجمین و مزدوران آنان در ولایت ننگرهار صادقانه و دلیرانه ادامه داد ، اما بالاخره به تاریخ ۶ سنبله ۱۳۹۵ ه ش در هنگام فتح ولسوالی حصارک (ولایت ننگرهار) در جریان درگیری رویاروی با دشمن اجیر جام شهادت را نوش جان نمود و به سعادت ابدی نائل گردید .





تحقیق

اقتصاد و بانکداری اسلامی (۱۱)

دوکتور محمد یاسر

در این بخش به سلسله بحث در مورد وسایل مورد استفاده توسط بخش دارایی بانک های اسلامی در مورد استصناع و سلم منحیث دو وسیلهء دیگر که توسط بانک های اسلامی جهت بر آورده ساختن تقاضاهای مشتریان و مراجعین و بدست منافع استفاده می گردد می پردازیم.
استصناع در لغت طلب صناعت را گویند به این معنا که شخصی از شخص دیگر می خواهد تا اشیای مورد ضرورت وی را تولید کند، و در اصطلاح عبارت از طلب شخص از شخص دیگری برای تولید اشیای مورد ضرورت بر اساس مواصفات معین در مقابل عوض مالی معین مشروط بر اینکه مواد خام از جانب شخص سازنده فراهم گردد را گویند.
بر این اساس در عقد استصناع لازمی است که شخص اول که وی را (مستصنع) گویند از شخص دومی که وی را (صانع) گویند مطالبه کند که شی و یا اشیای مورد ضرورت وی را که مستصنع مواصفات دقیق آنرا بیان می کند آماده سازد. مواد خامی که در آماده ساختن شی مورد استفاده قرار می گیرد باید از جانب صانع فراهم گردد. علاوه بر این صانع و مستصنع باید بر عوض مالی (نرخ) و مدتی که باید آن چیز آماده گردد و جای تسلیمی آن اتفاق کنند. مستصنع میتواند که صفات اشیای مورد ضرورت خودرا برای صانع بیان کند و یا نمونهء آنرا برایش نشاندهی کند و در صورت اشیایی که توسط فابریکه ها و یا شرکت های بزرگ و ستاندرد آماده می گردد میتوان به نام و شمارهء شناخت آن اکتفا کرد. مثلا تلفون نوکیای شماره ۱۲۳ وغیره.
پس بر این اساس اگر شخصی از نجار میخواهد که برای وی الماری یی به طول ۳ متر و عرض ۲ متر که دارای شش خانه باشد و چوپ مشخصی به رنگ مشخص در آن استفاده گردد آماده کند و نجار با وی اتفاق می کند که در بدل ۱۰۰۰ درهم الماری را آماده ساخته و بعد از دو هفته در دکان خود برای وی تسلیم دهد این استصناع است.
اما اگر شخصی پارچه خودرا به خیاط بدهد تا بر اساس مواصفات خاصی برایش لباس تهیه کند، این استصناع نیست، زیرا در این صورت پارچه توسط مستصنع فراهم گردیده و یکی از شروط استصناع پامال گردیده است.
بانک های اسلامی استصناع را به دو شکل استفاده می کنند.
هنگامیکه مراجعی مثلا میخواهد که بانک اسلامی برایش خانه یی تعمیر کند، بانک اسلامی با وی قرارداد استصناع به امضا می رساند تا آن خانه را با مواصفاتی که مشتری خواسته است در مدت معین در بدل پول معینی تعمیر کند.
ضمنا بانک اسلامی با جهت و یا شرکت دیگری که فعالیت های تعمیراتی دارد عقد مستقل استصناع به همین مواصفات به امضا می رساند تا آن خانه را تعمیر کرده و به بانک بسپارد.

مشروط بر اینکه این دو قرارداد بطور کلی از یکدیگر جدا و مستقل بوده و به هیچ وجه با یک دیگر ارتباط نداشته باشند و اگر یکی از آن دو بنا بر سببی باطل نیز گردد اثر آن بر قرارداد دوم رونما نه گردد. این نوع قرارداد را استصناع موازی و یا parallel Istisna' می نامند.
طریق دومی که استصناع مورد استفاده بانک های اسلامی قرار می گیرد اینست که مشتری که در اصل تولید کنندهء اشیای خاصی است از جانب خریدارها تقاضا بدست می آورد مگر برای تولید، مواد خام و یا پول بدست ندارد، لهذا این مشتری به بانک مراجعه می کند و تقاضای تمویل می کند. بانک اسلامی با مشتری قرارداد استصناع می کند تا اشیای مورد ضرورت را به بانک تولید کند، بعد از آنکه تولید کننده بر اساس مواصفات و شروط و ضوابط قرارداد استصناع اشیاء را تولید کرد، بانک را اطلاع می دهد تا آنرا تسلیم شود. بانک بعد از تسلیم گیری اشیاء از مشتری میخواهد که به وکالت از بانک اسلامی این اشیاء را برای آنعده از خریدارهایی که قبلا تقاضای خرید را از مشتری کرده بودند به فروش برساند و پول بدست آمده را به بانک بسپارد. بانک در بدل این خدمت حق الزحمه برای مشتری (وکیل) می پردازد.
بطور مثال: احمد از شرکت تولیدی ABC میخواهد تا ۱۰۰ پایه لپ تاپ با مواصفات و مشخصات ویژه یی در مقابل ۵۰۰۰ درهم هر لپ تاپ برایش تولید نماید. شرکت ABC بودجه تولید لپ تاپ ها را ندارد لهذا به بانک اسلامی مراجعه می کند و پیشنهاد می کند که اگر بانک اسلامی بخواهد این شرکت در مقابل ۴۵۰۰ درهم لپ تاپ ها را با مواصفات ذکر شده تولید می کند. بانک اسلامی این تقاضا را می پذیرد و عقد استصناع به امضا می رسد. شرکت مذکور بعد از مدت معین لپ تاپ ها را تولید کرده و تسلیم بانک می کند. بانک بعد از تسلیم گیری، شرکت را منحیث وکیل خود تعیین می نماید تا لپ تاپ های تولید شده را در بدل ۵۰۰۰ درهم به احمد به فروش برساند و پول بدست آمده را به بانک بپردازد. بانک در بدل این خدمت مبلغ ۱۰۰۰ درهم به شرکت مذکور حق الزحمه می پردازد.
این نوع استصناع را در عرف بانک های اسلامی استصناع جمع وکالت می گویند. لازم به یاد آوری است که در این حالت قرارداد استصناع باید تماما از قرارداد وکالت جداگانه بوده و با یکدیگر هیچ نوع ربطی نداشته باشند.
استصناع را بانک های اسلامی میتوانند در امور تعمیرات و تولید اشیا استفاده کنند. اگرچه از نگاه شرعی مشکل نیست که اشیای تولید شده، بدون توافق قبلی، به صانع نیز به فروش برسد اما بانک های اسلامی به منظور اجتناب از تعامل سودی و یا حیله سازی از فروش اشیای تولید شده به صانع ابا می ورزند.
وسیله دیگری که مورد بحث ما قرار می گیرد سلم است. سلم عبارت از قرارداد موصوف در ذمه در بدل پرداخت قیمت فروش در مجلس قرارداد و تهیه مواد و یا خریداری شده در زمان معین بعدی است. به عباره دیگر سلم عبارت از خرید و فروشی است که قیمت فروش (رأس مال سلم) در مجلس قرارداد پرداخته میشود، و اشیای که مورد فروش قرار می گیرد در ذمهء فروشنده باقی میماند تا در آینده آنرا بر اساس مواصفات و مشخصاتی که میان طرفین بر آن اتفاق صورت گرفته است در موعد معین و در مکان معین تسلیم دهد.
پس در عقد سلم امور آتی لازمی است: قیمت فروش در مجلس قرارداد پرداخته شود، مال فروشی بر اساس مواصفات و مشخصات که بر آن اتفاق صورت گرفته شده است در ذمهء فروشنده باقی بماند تا در وقت معین و در جای معینی آنرا برای خریدار تهیه نماید.
یکی از شروط عقد سلم اینست که موادی که مورد فروش قرار می گیرد موصوف باشد نه معین و مشخص. مثلا: فروشنده میتواند بگوید که من در مقابل ۱۰ درهم که اکنون بدست می آورم یک کیلو گندم سفید درجه اول بعد از سه ماه تهیه می کنم اما گفته نمیتواند که در مقابل این پول یک کیلو گندم زمین خود، و یا قریه خود و یا مکان فلانی و یا فلان گندم مشخص را تهیه می کنم.
شرط دیگر سلم اینست که خریدار تا وقتیکه مواد خریداری شده را بدست نیاورده است نمیتواند آنرا به فروش برساند، زیرا در این حالت وی موادی را به فروش می رساند تا کنون خود مالک آن نبوده و آنرا در تصرف ندارد.
بانک های اسلامی بطور عموم هرگاه با یک جهت سلم کنند برای تهیه مواد مورد اتفاق در سلم اولی، سلم دیگری مستقل از سلم اولی برای بدست آوردن مواد با مواصفات و مشخصات سلم اولی با جهت دومی قرارداد می کنند، تا مواد مورد ضرورت را از فروشنده در سلم دومی بدست بیاورند و آنرا برای خریدار در سلم اولی تسلیم دهند. این را سلم موازی و یا Parallel Salam می نامند.
چنانچه در بحث در مورد استصناع موازی گفته شد لازمی است که این دو سلم از یکدیگر کاملا مستقل و جدا باشند و در صورت وجود خلل در یکی از آنان، این خلل باعث ایجاد مشکل در قرارداد دومی نگردد.
بانک های اسلامی میتوانند سلم را در تمویل کشتکاران و شرکت های تولیدی مورد استفاده قرار دهند.
ادامه دارد ...



سلام بر ملا عبدالسلام!

محمود احمد نوید

سلام بر تو ای فرماندهٔ رشید اسلام!
که به نصرت و یاری الله متعال، همراهان مخلص و شجاع و پشتیبانی ملت غیور قندوز؛ آن شهر حماسه ها را از لوث وجود اشغالگران و بقایای دست نشاندهٔ شان با غیرت مثال زدنی تصفیه نمودی و بیرق سفید منقش به کلمهٔ مقدس لااله اله الاالله محمد رسول لله را (که عَلَم عزت اسلام و ذلت کفر است) در چوک محوری شهر قندوز به اهتزاز در آوردی!
سلام بر تو ای فرماندهٔ دلیر اسلام!
که با اولین حضور نظامی لشکر با ایمانت در قندوز به ندای عفو و بخشش، محبت و صمیمت، صداقت و اسلامیت رهبر عزیز خود گوش فرا داده و به جای گرفتن انتقام، آغوش گرم محبت خود را باز نموده و بر همه اعلان نمودی که ما امت صلح و صفا و صمیمت هستیم ما دوست مومنان و بلای جان کافران و غلامان حلقه به گوش آنها هستیم، ما خادم کسانی هستیم که آرزوی شان سربلندی اسلام و عزت مسلمین است.
سلام بر تو ای فرزند برومند جهاد و مقاومت!
که قبل از هر چیز، سربازان فاتح تو به سراغ بیماران و علیلان در شفاخانهٔ مرکزی رفته و با کمک نقدی و ابراز محبت به دلجویی شان پرداخته و از آنها برای پیروزی ها و فتوحات آیندهٔ شان طلب دعاء کرده و به داکتران شفاخانه توصیه نمودند که بیشتر و بهتر از قبل مراقب مریضان باشند.
سلام بر تو ای فرماندهٔ فاتح!
که سربازان فاتح تو پس از تصرف شفاخانه، به سراغ محبس مرکزی رفتند و عزیزان دور مانده از فامیل و اقربای شان را نجات بخشیده و چشم فراوان پدران و دل فراوان مادران را با این عمل شایسته و تاریخی ات خنک و خوشحال نمودی تا باشد دنیا با خیره سری ببیند که یک فرماندهٔ فاتح طالبان با ملت خود چگونه برخوردی دارد.
سلام بر تو ای فاتح متواضع!
که بجای نشستن و آرام گرفتن بر جای چوکی مقام ولایت و سر و سامان دادن به وضع رقت انگیز سربازان فاتح خود، یک لحظه آرام و قرار نگرفتی و مدام در خط مقدم نبرد به سربازان و دوستان و همراهان خود، روحیهٔ اخلاص و فداکاری داده و به خود و آنها نعمت های جاوید الله متعال را وعده داده و از وسواس شدن بر مظاهر فریبنده و ناچیز دنیا برحذرشان داشتی.
سلام بر تو ای فرزند خالد و عمر و صلاح الدین!
که وقتی در بالا حصار عساکر تا دندان مسلح دشمن که علیه تو و سربازان تو می رزمیدند؛ دست ها را به نشانهٔ تسلیم بالا بردند و اسیر دست تو گشتند با مهربانی و خوی و خصلت قهرمانی، با آنها برخورد شایسته انسانی و اسلامی نموده و بعد از آنکه اظهار ندامت و پشیمانی نموده و توبه کردند به گشاده رویی و فراخ دلی بخشیدی شان تا دنیا بداند یک فرماندهٔ فاتح طالبان با اسیران جنگی چگونه تعامل می کند.
سلام بر تو جناب ملا عبدالسلام فرزند عزیز اسلام!
که در قامت یک فرماندهٔ فاتح از تبلیغات پُر سر و صدای دشمنان که افغانستان و جهان را فرا گرفته، لحظهٔ به دل ترس راه ندادی و همواره در آرزوی شهادت تمام دنیای کفر و صلیب و غلامان حلقه به گوش و شکست خوردهٔ آنها را به مبارزه طلبیدی و خود مردانه وار به سربازانت روحیهٔ شجاعت و رزمندگی بخشیدی.
ای فرماندهٔ دلیر و فاتح!
شک نکن که نصرت الله متعال در قدم قدم تو و سربازان فداکار تو نهفته بود و هیچگاهی دشمن ذلیل و زبون شدهٔ تو نتوانست غلبه کند و ان شاء الله دیر یا زود کامیاب مطلق تو و فرماندهان فاتح تو خواهند بود که جلوی چشم اشغالگران خارجی و قوای تا دندان مسلح ناتو و اجیران آنها، فائق و سربلند برخواهند آمد و سرمشق جهاد و فتح در گوشه گوشهٔ افغانستان عزیز خواهی شد و ان شاء الله گام نخست را تو و سربازان فاتح تو محکم برداشتی و این سلسهٔ مبارک فتوحات همچنان جریان پیدا خواهد کرد.
و اینک که به درجه رفیع شهادت نایل آمدی ...
سبحان الله شهادت تو مبارک و قبول حق باد ای شیرمرد اسلام و سرزمین شمال

AFGHANISTAN

جنایات جنگی فبروری ۲۰۱۷ م

سید سعید

(اشاره: در وبسایت "الاماره" به شکل ماهوار جنایت های صورت گرفته از سوی اشغالگران و غلامان آنها نشر می شود به عنوان مشتی نمونه خروار ادارۀ مجله حقیقت تنها جنایات جنگی یک ماه (فبروی۲۰۱۷) را تقدیم خوانندگان عزیز می کند تا باشد همگان از ظلم و تجاوز دشمنان به خوبی آگاه شوند.)

بتاریخ نخست ماه فبروری سال ۲۰۱۷ میلادی در بازار ولسوالی صبری عساکر داخلی یک کودک خردسال را در دوکانش شهید کردند و عمویش را زخمی نمودند.

بتاریخ ۲ فبروری در منطقهء چمتلی ولسوالی سرخرود ولایت ننگرهار نظامیان اشغالگر به همکاری عساکر داخلی بر خانه های مردم در ساحهء مذکور چاپه زدند که در هنگام تلاشی منازل، مردم را لت و کوب و شکنجه کردند و ۷ تن را دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ ۲ فبروری تلویزیون شمشاد خبر داد که عساکر پولیس سرحدی در منطقهء تندی ولسوالی برمل ولایت پکتیکا یک پسر بچه ۱۶ ساله را شهید کردند.

بتاریخ ۵ فبروری در جریان بمباران طیارات اشغالگران در منطقهء دولت زی ولسوالی چپرهار ولایت ننگرهار یک فرد ملکی شهید گردید.

بتاریخ ۶ فبروری در نتیجهء انداخت هاوان از سوی عساکر داخلی در منطقهء میدانی ولسوالی الینگار ولایت لغمان ۳ تن از باشندگان ملکی شهید و ۴ تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ ۹ فبروری در جریان بمباران هوایی اشغالگران در نزدیکی بازار ولسوالی سنگین ولایت هلمند، تلفات سنگینی به باشندگان ملکی وارد گردید که بیشتر از ۲۶ تن از هموطنان ملکی که شامل زنان و کودکان می شوند شهید گردیده و ۱۳ تن دیگر زخمی شدند. همچنین یک مسجد و باب حولی نیز تخریب گردیده است، اشغالگران و مزدوارن داخلی آنها از تلفات ملکی انکار کردند اما بعدها مشخص شد که زیان سنگینی به تلفات ملکی وارد کرده اند.

بتاریخ ۱۱ فبروری نیز نیروهای اشغالگر خارجی بر منطقهء شیلی پر حاجی امین اکا در ولسوالی سنگین ولایت هلمند بمباری کردند که ۵ تن افراد ملکی شهید و ۸ تن دیگر

زخمی شدند.

بتاریخ ۱۲ فبروری نیروهای هوایی رژیم دست نشانده بر ساحهء شالی ناوه در ولسوالی خاص ارزگان ولایت ارزگان بر باشندگان ملکی بمباری کردند که ۵ تن از هموطنان ملکی زخمی شدند.

بتاریخ ۱۶ فبروری در نتیجهء فیر توپچی عساکر داخلی در منطقهء گورزاد ولسوالی شیرین تگاب ولایت فاریاب یک ریش سفید ۷۵ ساله شهید و یک فرد ملکی دیگر زخمی شد.

بتاریخ ۱۹ فبروری نظامیان اشغالگر و عساکر داخلی بر منطقهء هاشم خیل ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار چاپه زدند که در جریان یورش به داخل خانه ها دروازه ها را شکستانده و باشندگان را لت و کوب کردند و اجناس قیمتی و پول نقد را دزدیده اند، انها همچنین یک فرد ملکی بنام سید عارف را شهید کرده و ۶ تن از تبلیغی ها که در مسجد بودند را دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ ۲۰ فبروری در انداخت های توپچی عساکر داخلی در منطقهء نیکنام ولسوالی زرمت ولایت پکتیا یک کودک به شهادت رسیده و ۴ تن بشمول کودکان و زنان زخمی شدند.

بتاریخ ۲۱ فبروری ملیشه های اربکی در ولسوالی سنگچاریک ولایت سرپل یک فرد ملکی را شهید و یکتن دیگر را زخمی کردند.

بتاریخ ۲۲ فبروری عساکر داخلی در منطقهء مرکزی ولسوالی دشت ارچی ولایت قندوز در جریان انداخت توپ دیسی ۱۰ تن از باشندگان ملکی را شهید و زخمی کردند.

بتاریخ ۲۲ فبروری اشغالگران خارجی در ساحهء بتیخیل ولسوالی نوبهار ولایت زابل ۴ تن از افراد ملکی را دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ ۲۲ فبروری اشغالگران با همکاری عساکر داخلی بر باشندگان ملکی در مربوطات ولسوالی غنی خیل ولایت ننگرهار چاپه زدند، ۲ تن از افراد ملکی را زخمی و ۳ تن دیگر را دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ ۲۲ فبروری در نتیجهء انداخت و فیرهای مرمی هاوان نیروهای حکومتی که بر خانه ای در قریهء حسین خیل ولسوالی آله سازی ولایت کاپیسا اصابت کرد، بشمول یک عروس ۳ تن از زنان خانواده شهید و یکتن دیگر زخمی گردید.

بتاریخ ۲۳ فبروری عساکر داخلی در بازار ولسوالی فراه رود ولایت فراه ۶ دوکان و ۲ باغ را تخریب کردند.

بتاریخ ۲۴ فبروری اربکی ها در قریهء خدوخیل ولسوالی آب بند ولایت غزنی یک فرد ملکی بنام فیض الله فرزند سارنوال محمد سرور را به شهادت رساندند.

بتاریخ ۲۴ فبروری در مربوطات مرکز ولایت قندوز در منطقهء لوی کنم نیروهای اشغالگر و عساکر داخلی بر ساحه چاپه زدند و در هنگام چاپه فیر و انداخت انجام دادند که ۴ زن زخمی شدند.

بتاریخ ۲۵ فبروری در ساحات چبرمه و امین اباد از مربوطات مرکز ولایت قندوز اشغالگران با همکاری عساکر اسپیشل فورس داخلی بر منطقه چاپه زدند، دروازه های خانه ها را با بمب منفجر کردند و تعداد زیادی از باشندگان را لت و کوب نموده و دو تن را دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ ۲۵ فبروری در نتیجهء انداخت مرمی های هاوان از سوی عساکر داخلی که بر لیسهء مولوی حبیب الرحمن در ساحهء بسرام از مربوطات مهترلام مرکز ولایت لغمان اصابت کرد، ۲ متعلم مکتب شهید و بشمول یک معلم ۷ تن از متعلمین زخمی شدند. مردم در اعتراض و نکوهش واقعه مذکور به شکل اعتراض به دفتر والی رفته و اجساد را جلو دفتر والی بردند و خواهان دستگیری و محاکمهء عاملین رویداد شدند.

بتاریخ ۲۵ فبروی اشغالگران خارجی و عساکر داخلی در ساحهء کنکرک ولسوالی سرخرود ولایت ننگرهار بر منطقه چاپه زدند و یکتعداد از باشندگان ملکی را لت و کوب کرده و ۲ تن را دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ ۲۶ فبروری در نتیجهء بمباران هوایی نیروهای حکومتی بر قریهء پچک در نزدیکی بازار گرگ ولسوالی خاک افغان ولایت زابل ۲ تن از هموطنان ملکی به شهادت رسیدند.

بتاریخ ۲۶ فبروری نیروهای اشغالگر و عساکر داخلی مشترکاً بر منطقهء بزقندهاری در مربوطات مرکز ولایت قندوز چاپه زدند که در جریان چاپه یک ملا امام مسجد را شهید کرده و یکتعداد از باشندگان منطقه را دستگیر کردند.

مأخذها: {رادیوی بی بی سی و آزادی،افغان اسلامی آژانس، پژواک، ویب سایت های خبریال، لراوبر، نن ټکی اسیا و بینوا}





اعلامیه های رسمی امارت اسلامی افغانستان

عکس العمل سخنگوی امارت اسلامی در بارهء اظهارات جنرال نیکولسن

دیروز قوماندان قوای اشغالگر ناتو و امریکایی در افغانستان جنرال نیکولسن بعد از شهادت والی کندز شهید ملا عبدالسلام آخند در ضمن اظهارات غیرمسولانه اش به رسانه ها گفت:

«بعد از کشتن ملا سلام به طالبان چانسی میدهیم که در تعامل خود تغیر آورند، زیرا مردم افغانستان صلح را دوست دارند و حکومت افغانستان متعهد است که صلح را از طریق مذاکرات بیاورد.»

امارت اسلامی به نمایندگی ملت مجاهد افغان، به خصوص ملت شهادت پرور کندز در عکس العمل اظهارات ناموجه جنرال نیکولسن میگوید که شما در موقف مخاطبه و چانس دادن به مجاهدین نیستید، زیرا شما اشغالگران استیند و میدانید که ملت غیور افغان همیشه با اشغالگران طوری تعامل نموده که نخست مغز آنها را به جا آورده و بعدا آنهارا به زانو زده از میهن خود بیرون رانده اند.

تاریخ ملت افغان را مطالعه کنید، همین افغان ها بودند که قبل از شما نیروی قدرتمند اقتصادی و نظامی انگلیس واتحاد شوروی را به زور جهاد و شمشیر از میهن خود بیرون راندند. آیا شما در جهان امروز کدام نیروی را بنام برتانیه کبیر و اتحادشوروی سوراغ دارید؟

ملت مسلمان افغان به شما امریکایی ها به همان نظر انگلیس و شوروی می نگرد و همانگونه شمارا به برکت جهاد و نصرت الله متعال از میهن اسلامی خود بیرون خواهد راند.

شهادت ملا عبدالسلام برای ما سخن ناکامی و شرم آور نیست؛ بلکه افتخار و پیروزیی است که جذبهء کندوزی ها و در مجموع تمام ملت افغان را به ضد شما به جوش آورده است، حقانیت مجاهدین را بسا آشکارتر ساخت، ملا عبدالسلام و همسنگرانش را در جامعه محترمتر و محبوبتر ساخت، شما بدانید که ما آن قوم هستیم که شهادت در راه الله به ما چنین لذت دارد طوریکه شما زندگی دنیای فانی را دوست دارید.

این تنها سخنان احساساتی و تخمینی نیست، بلکه آن واقعیت های ملموس اند که به سبب آن بیش از یک ونیم لک ارتش مجهز شما را درینجا به زانو درآورد.

اگر شما اشغال را به پایان نرسانید و تن به خواسته های جائز ملت غیور افغان ندهید پس این ملت ان شاءالله شما را به حیث قومندان نظامیان ناتو وامریکایی با تمام قوت و تخنیک تان چنین از افغانستان خواهند راند که قبل از شما قومندان های مشهورتر و جنرالان ورزیده تر شما را به زور مقاومت شکست داده، دوچار اختلالات روانی کرده و از افغانستان رانده بودند. ان شاءالله

ذبیح الله مجاهد سخنگوی امارت اسلامی
۱۴۳۸/۶/۲ هـ ق
۱۳۹۵/۱۲/۱۱ هـ ش ـــ ۲۰۱۷/۳/۱م

اعلامیهء امارت اسلامی بخصوص شهادت والی کندز الحاج ملا عبدالسلام آخند

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُم مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (سورة الاحزاب ـ۲۳آیة)

ترجمه:«از مومنین بسا مردانند که راست کرده (نشان دادند) آنچه عهد بسته بودند با الله برآن، پس بعضی از ایشان کسی است که به انجام رسانیده ذمه (قرارداد) خود را و بعضی از ایشان آنست که انتظار می برد، و تغییر ندادند عهد خود را هیچ تبدیلی».

والی امارت اسلامی برای کندز شخصیت مخلص و برجسته الحاج ملا عبدالسلام آخند دیروز (مورخ ۲۹ جمادی الاولی سال ۱۴۳۸هـ که مطابق ۸ حوت ۱۳۹۵هجری شمسی و ۲۶فروری ۲۰۱۷میلادی میباشد) در ولایت کندز در مربوطات ولسوالی ارچی از سوی کفار امریکایی به اثر یک حملهء هوایی نامردانه به مقام عالی شهادت پیوست. انا لله و انا الیه راجعون.

طوریکه شهادت چنین افتخار و مرتبه عظیم است که رسول الله صلی الله علیه وسلم تمنای آن را کرده بود و شخصیت های بزرگ چون حضرت عمر، عثمان، علی و حمزه رضی الله عنهم به این راه رفته بودند، نایل شدن شهید ملا عبدالسلام اخند به این مقام ومنزلت نشانهء سعادت ومقبولیت عندالله او می شمریم.

به مناسبت شهادت شهید ملا عبدالسلام اخند به خاندان باشهامت و شریف، یاران دلیر و اقارب او، تمام مجاهدین امارت اسلامی و هموطنان خود از صمیم قلب عرض تسلیت



میکنیم.

طوریکه در بارهء مقام شهید امام بخاری رحمه الله روایت میکند: **قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لأم حارثة بنت النعمان ، وقد قتل ابنها معه يوم بدر ، فسألته أين هو ؟ قال : إنه في الفردوس الأعلى. رواه البخاري)**

به شهید ملا عبدالسلام آخند نیز دعای قبولیت شهادت میکنیم و در جنت الفردوس برایش زندگی و مقامات بلند میخواهیم، الله تعالی به خاندان مرحوم، اقارب او، و مجاهدین امارت اسلامی صبر جمیل، اجر جزیل و نعم البد نصیب فرماید. آمین

فاتح کندز شهید ملا عبدالسلام آخند شهادت را کلانترین آرزوی خود می شمرد، به سبب شهادت او نه تنها اینکه صف امارت اسلامی کمزور نخواهد شد، بلکه صدها جوانان دیگر به قربانی و سرسپردن در راه اسلام به میدان خواهند بشتابند، الحاج ملا عبدالسلام آخند زیر قیادت مدبرانهء خود هزارها مجاهدین را آموزش داده بود که ان شاءالله هر یک از آنها راه وی را تعقیب خواهد کرد و در مقابل دشمن به طور سپر قوی از دین، کشور، و آزادی خود دفاع خواهد کرد.

شهید ملا عبدالسلام آخند در صف امارت اسلامی با بسیار اخلاص، صداقت، اطاعت و همدردی خدمت کرد، زندان ها، تکالیف و مشقت ها را برداشت کرد و در راه تحکیم نظام اسلامی در آخرین حد مکلفیت خود را ادا کرد، امارت اسلامی خدمات این انسان عظیم و باشهامت را هیچگاه فراموش نخواهد کرد، بلکه به هر مجاهد خود توصیهء و رهنمایی رفتن بر مسیر ملا عبدالسلام خواهد کرد.

امارت اسلامی افغانستان
۱۴۳۸/۵/۳۰ هـ ق
۱۳۹۵/۱۲/۹ هـ ش
۲۰۱۷/۲/۲۷ م

اظهارات سخنگوی امارت اسلامی در عکس العمل به راپور تلفات ملکی یوناما

دفتر یوناما در کابل در مورد رویدادهای سال گذشته، اعلامیه ای منتشر کرد. همانند سال گذشته در این اعلامیه نیز در مورد تلفات ملکی قضاوت نادرست صورت گرفته است. بیشترین مسئولیت تلفات ملکی به دوش مجاهدین امارت اسلامی انداخته شده است، ادارهء کابل تنها ۲۴ فیصد و نیروهای اشغالگر خارجی که عاملین اصلی تمام بدبختی ها در کشور هستند، فقط مسئول ۲ فیصد دانسته شده است. امارت اسلامی که در مورد تلفات ملکی بسیار حساس است و برای جلوگیری از آن توجه جدی دارد، این راپور را رد کرده و انرا ناقص می داند.

امارت برای جلوگیری از تلفات ملکی یک ادارهء با صلاحیت دارد که وقتا بوقتا معلومات دقیق و همه جانبه نشر کرده است، به منظور جلوگیری از مرگ و میر ملکی در صفوف جهادی شب و روز تلاش کرده است، مجاهدین را در هنگام عملیات ها به احتیاط و مراعات اصول جنگی متوجه نموده است.

اما علی الرغم این ارقام یوناما بیشترین شمار تلفات را به مجاهدین امارت اسلامی منسوب می کند، که این قضاوتی بدور از انصاف است، اینگونه راپورهای نادرست به عاملین اصلی واقعات که اشغالگران خارجی و مزدوران داخلی آنان هستند، جرئت بیشتر می دهند که با زندگی مردم ملکی احتیاط نکنند زیرا بغیر از آن نیز مسئولیت آن بدوش آنان نخواهد بود!!؟

عاملین درجه اول زیان های ملکی در کشور نیروهای اشغالگر خارجی هستند که بمب های چندین تنی را در قریه و قصبات و شهرها بر خانه های مردم می اندازند، بر خانه های مردم شبانه چاپه می اندازند، مردم عام را دستگیر و زندانی می کنند، بر شفاخانه ها، مساجد، مدارس و اماکن عمومی حمله می کنند.

همچنین عامل دوم بزرگ زیان های ملکی عساکر اردو، پولیس و اربکی ادارهء مزدور کابل هستند که خودسرانه قریه ها و خانه های مردم را هدف فیر و انداخت های میزائیل، هاوان وسلاح ثقیله قرار می دهند، خانه ها باشندگان ملکی را آتش زده و مردم را دستگیر می کنند و اسیران را در محابس به شهادت می رسانند، بر نوامیس مردم تجاوز می کنند، زندگی را بر مردم عام ملکی تلخ کرده است و با همهء این مظالم هنوز هم در مقابل چشمان مردم می گردند.

با وجود این همه وحشت که هنوز هم عاملین اصلی زیان های ملکی مسئول کمترین رقم فیصدی شمرده می شوند، آشکار می سازد که در جمع آوری معلومات و راپور دقت کافی صورت نمی گیرد بلکه به شکل یکجانبه، مغرضانه و براساس معلومات استخباراتی محاسبه شده است.

از سوی دیگر طبق ارقام یوناما، برخی از حملات مجاهدین بر اهداف مهم دولتی، حمله بر مردم ملکی شمرده شده است، و در راپور مذکور ارقام را بلند برده است، مثلا آنعده از افسران و عساکری که در هنگام رخصتی به خانه های خود می روند و هدف حملات مجاهدین قرار می گیرند، این را کشتن افراد ملکی بحساب اورده اندف در حالیکه مجاهدین امارت اسلامی ، دوستان و خویشاوندان و حتی متعلقین آنان از سوی دشمن هدف حمله قرار گرفته و شهید شده اند، بر آنان چاپه می زنند، اما در راپور یوناما این ارقام حساب و شمرده نمی شوند.

تعلیم و تربیه امارت اسلامی، صحت، مؤسسات، دعوت و ارشاد و حتی مردم عام ملکی به کرات هدف حملات هوایی قرار گرفته و بمباران شده اند، بر خانه هایشان چاپه زده شده و شهید گردیده اند و یا به زندان انداخته شده اند. در راپور یوناما آن کارمندان دولتی که در شهادت مجاهدین، شکنجه کردن آنان، زندانی کردن، و حکم حبس و اعدام بر مجاهدین را صادر می کنند، حمله بر اینگونه افراد را نیز در لیست افراد ملکی شامل کرده است.

براساس محاسبات دقیق ادارهء جلوگیری از تلفات امارت اسلامی مستقیم از میادین جنگ جمع آوری گردیده است، قضایا به شکل دقیق بررسی شده و راپور آن نشر می شود، ٪۷۷،۱۰ فیصد تلفات ملکی سال گذشته (۲۰۱۶ میلادی) بدوش نیروهای آمریکایی و عساکر و پولیس تحت حمایهء آنان است. و ٪۱۷،۴۸ فیصد مسئولیت بدوش داعش و حلقات نامعلوم دیگر شمرده شده است و ۱۲.۴۲ فیصد مسئولیت بدوش مجاهدین انداخته شده است که با عاملین آن بر طبق محاکم اسلامی پروسهء حساب و کتاب جریان دارد.

امارت اسلامی در هیچ صورت نمی خواهد که مرگ و میر مردمان ملکی را توجیه کند، بلکه وعده می سپارد که در جلوگیری از تلفات مردمان ملکی از تمام توان خود استفاده کند. زیرا زندگی هموطنان برایش اهمیت دارد و در موردش احساس مسئولیت اسلامی و افغانی می کند. اما از ادارات جهانی نیز می خواهد که در جمع آوری این ارقام دقت بیشتری کند، بر منابع جمع آوری معلومات خود تجدید نظر کرده، تا خدای ناکرده اینگونه راپورهای آنان مسبب بی توجه ای به زندگی مردم ملکی و جرئت و برائت دادن به جنایتکاران نشود.

قاری محمد یوسف احمدی سخنگوی امارت اسلامی

۱۴۳۸/۵/۹هـ ق

۱۳۹۵/۱۱/۱۸هـ ق ـــــ ۲۰۱۷/۲/۶ م



تبصره

موقف امارت اسلامی در مورد صلح واقعی

(تبصره)

همانگونه که در بیانیه های رسمی با تاکید گفته شده است، امارت اسلامی افغانستان خواهان حل واقعی مسئله افغانستان است. موجودیت دفتر سیاسی در تشکیل امارت اسلامی به ملت افغان و ملت های جهان آشکار می سازد که امارت اسلامی جنگ را بخاطر جنگ انجام نمی دهد، بلکه اهداف مقدس پیش رو دارد که آن حصول استقلال و قیام نظام اسلامی است.

براساس هر قانون جهانی، دفاع از کشور و معتقدات خود، حق مشروع ماست و حاضر هستیم که بر سر میز و در سنگرها از این حق مشروع خود دفاع کنیم. برای همین منظور، رهبری امارت اسلامی در دفتر سیاسی از دیپلوماتان سابقه دار و ورزیدهء امارت اسلامی استفاده کرده است. از نقطه نظر ما اگر این اهداف عالی بغیر از ریختاندن خون بدست می آید، در نزد ما این بهترین حل است.

در بخش سیاسی، دفتر سیاسی امارت اسلامی یگانه ارگان امارت اسلامی است که مطابق رهنمودهای مقام رهبری امارت اسلامی برای حل سیاسی مسئلهء افغانستان تلاش می کند. هدف موجودیت این دفتر در دوحه اینست که این بهانه از کشورهای اشغالگر و دیگر جهت ها گرفته شود که گویا خواهان حل صلح آمیز مسئلهء افغانستان هستند اما آدرس مشخصی از طالبان وجود ندارد.

عوامل و مصیبت های جاری کشور و تداوم اشغال افغانستان برهمگان هویداست و موانع موجود در مقابل صلح در افغانستان نیز بر هیچکس پوشیده نیست. اکنون این مربوط به جناح های مربوط به مسئله افغانستان بستگی دارد که موانع اساسی موجود در مقابل مسئلهء افغانستان را از میان بردارند و فضای مناسب برای حل صلح آمیز ایجاد کنند. جنگ انتخاب ما نیست، بلکه مجبوریت ماست. امارت اسلامی بیشتر از دیگران برای صلح و ثبات حقیقی در کشور تلاش می کند اما اگر کسی سخن از زور و زورگوئی می زند و از کلمهء صلح برای فریب دادن و تنها به دیدهء یک پروژه می نگرد، هیچ نوع استراتیژی برای صلح ندارد، باید بدانند که هر عضو امارت اسلامی صاحب ایمان قوی و حوصلهء خستگی ناپذیر دارد. در مقابلش اهداف والا و مقدس نهفته است که برای حصول آن در هر زمان برای هر قربانی حاضر است.

تاریخ زندهء چهاردهء اخیر کشور ما یکبار دیگر ثابت کرده است، هر آنکس که در مقابل ملت مسلمان و مجاهد افغان راه زور را اختیار کرده است، در پایان با شکست و ناکامی مواجه شده است و در مقابل ملت زانو زده است. این پند و عبرتی برای همه است.

***

بزم شعر و ادب

کاش وجدان بشر بیدار بود!

عزیز عزیزی

زندهٔ بی جان ترمپ است

عمران غزنوی

پسر لی شو!

حبیب الله تراب

ثروت واقعی

کاش وجدان بشر بیدار بود!

کاش وجدان بشر بیدار بود!
آدمیزاد این چنین وحشی نبود
نه بمثل گرگ و یا کفتار بود
نسل انسان مهربان برهمدگر
نه چنین درنده وخونخوار بود
کاش اوضاع جهان ما کنون
دور از خونریزی وکشتار بود
حاکمان در مسند قدرت چنان
نه خیانت پیشه وغدار بود!
واعظان برمنبر ودر قیل وقال
راستگو درخطبه وگفتار بود
صوفیان در حلقهٔ توحید مست
در طریق ومسلکِ ابرار بود
دور از کبر وهوا اهل غنا
مهربان بر آدم نادار بود
هرکسی بر عهد وپیمان استوار
پای بند قول و یا اقرار بود
بهر هربشکسته قلبی هرکجا
داروی دردِ دل بیمار بود
آنکه روشنفکروعصری مینمود
واقف ازدانائی واسرار بود
دعوتش خدمت بخلق وحریت
نه غلام و نوکرِ کفار بود
روزهای ما بتر از بد نبود
سال ما بهتر زسال پار بود
کاش از ظلم وفساد وقتل وخون
در جهان نه مظهر وآثار بود
هر طرف ازهمدلی های زیاد
با طراوت گلشن وگلزار بود
هرکسی لبخند وشادی بر لبان
هرکجا خوشحال ویا سرشاربود
مجلسِ یاران پاک وهمدلان
دور ازهرصحبت اغیار بود
ای«عزیزی»خوش بران مرد سخن
صادق اندر گفته وکرداربود

عزیز عزیزی





زندهٔ بی جان ترمپ است

ضرب المثل پیر و جوانان ترمپ است
کوبندهٔ اقوام مسلمان ترمپ است
بر زور هم بالد و بر شوکت و بر پول
گرگ و سگ هر بیشهٔ و میدان ترمپ است
در قلب و سرش نیست جز از وحشت و تحقیر
مدهوش و سراسیمه پریشان ترمپ است
تصمیم ندارند و نه آیین بشریت
با شاخ و سرو جفت زدن شان ترمپ است
گویا که ز یک نطفهٔ بیهودهٔ و منحوس
بی اصل و نسب زندهٔ بی جان ترمپ است
خود خواهی نمرود و فراعنهٔ دنیا
رسم و روش زادهٔ شیطان ترمپ است
از جور دموکراسی و زین شیوهٔ منفور
بر قارهٔ مسکونه حکمران ترمپ است
از ظلم و شرش بوده جهان خسته و ناراض
بنیاد خطاء دشمن ایمان ترمپ است
در سینهٔ عمران شب و روز همی گشت
بر مردم ما طاغوت و طغیان ترمپ است

عمران غزنوی

پسرلی شو!

دښتې غرونه زرغونیږي پسرلی شو
د خزان کلې باریږي پسرلی شو
ښایستونه یې له ځان سره راوړي
د ارمان غوټۍ سپړیږي پسرلی شو
اسمان ځمکه د وصال په جام سیراب کړه
لور په لور باران وریږي پسرلی شو
د ها پوري غره لمن کې کیږدۍ ګورم
لکه ګل داسې ښکاریږي پسرلی شو
له هوسه د جنون په بال پرواز کړي
په چمن بورا تاویږي پسرلی شو
معبر یې د خوبونو تعبیر ورکړ
بلبلان ځکه چیغیږي پسرلی شو
د سپیدو قافله راغله په نظر مې
لمر نن بل ډول ځلیږي پسرلی شو
حبیب الله تراب به ستړګې درته فرش کړم
چې ستا زړه پرې خوشحالیږي پسرلی شو

حبیب الله تراب

ثروت واقعی

مردی خسیس تمام دارایی اش را فروخت و طلا خرید.
او طلاها را در گودالی در حیاط خانه اش پنهان کرد.
او هر روز به طلاها سر میزد و آنها را زیر و رو میکرد.
تکرار هر روزه این کار یکی از همسایگانش را مشکوک کرد.
همسایه، یک روز مخفیانه به گودال رفت و طلاها را برداشت.
روز بعد مرد خسیس به گودال سر زد اما طلاهایش را نیافت.
او شروع به شیون و زاری کرد و مدام به سر و صورتش میزد.
رهگذری او را دید و پرسید: چه اتفاقی افتاده است؟
مرد حکایت طلاها را باز گو کرد. رهگذر گفت:
این که ناراحتی ندارد. سنگی در گودال بگذار و فکر کن که شمش طلاست،
تو که از آن استفاده نمیکنی، سنگ و طلا چه فرقی برایت دارد؟
ارزش هر چیزی در داشتن آن نیست بلکه در استفاده از آن است.
اگر خداوند به زندگی شما برکتی داده است و شرایط مناسبی دارید پس به فکر دیگران نیز باشید.
بخشش مال همچون هرس کردن درخت است پول با بخشش زیادتر و زیادتر میشود.
دارایی شما حساب بانکی شما نیست.
دارایی شما آن مقدار از ثروت و داشته هایی است
که برای یاری رساندن دیگران به گردش در می آورید.

(بر گرفته از: داستان های آموزنده)

حقیقت

پیام اختصاصی زعیم امارت اسلامی در رابطه با نهال شانی

کاشت نهال در حفظ محیط زیست، ترقی اقتصادی و سرسبزی زمین تاثیر مهم دارد، الله جل جلاله بر روی زمین زندگی انسانها را با نباتات مرتبط نموده، نباتات از زمین و انسانها وحیوانات از نباتات غذا خوری میکنند، اگر از روی زمین زراعت و نهال نهادن از بین برود زندگی نیز با خطر مواجه میشود. الله تعالی میفرماید:

وَهُوَ الَّذِيَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُواْ إِلِى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ {۹۹سورة الأنعام}

ترجمه: «و اوست که فرود آورد از آسمان آبی را، پس بیرون آوردیم بسبب آن آب رستنی هر چیز را، پس بیرون آوردیم از آن سبزه را بیرون می آریم از آن سبزه دانه ها بر یک دیگر پیوسته و از خرمابنان از شگوفهء وی خوشه های خمیده(شاخها به یک دیگر نزدیک) وبیرون آوردیم وستانها از درختان انگور وبیر آوردیم زیتون و انار را مانند یک دیگر وغیرمانند، بنگرید به میوهء درخت چون بار آرد و بنگرید به پختگی او، بدرستیکه در اینها)هرآئینه نشانهاست مر گروهی را« که ایمان دارند.»

زمین نعمت بزرگ الله تعالی است، الله جل جلاله انسان را در زمین عبث خلق نکرده، بلکه برایش بالای مخلوقات زیاد افضلیت داده، به نعمت عقل او را نوازش داده و مسئولیت اعمار زمین را برایش سپرده.

ضروریات بسیار متعددی همچو غذا، لباس و دوا را ما از نباتات بدست میاوریم، به همین سبب بسیاری آیت های قرآن کریم توجه انسان ها را به ارزش نباتات جلب نموده.

الله تعالی میفرماید: ”وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ . وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ. لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ “.

ترجمه: و یک نشانه است برای ایشان زمین مرده زنده گردانیدیم آن را و بیرون آوردیم از آن غله پس از آن میخورند. و آفریدیم در آن باغها از درختان خرما و انگور و روان ساختیم در آنها بعض چشمه ها تا بخورند از میوهء آنچه مذکور شد و نساخته است میوه را دست های ایشان آیا پس شکر نمی کنند؟.

نهال نشاندن در اسلام از اعمال صالحهء بزرگ شمرده میشود و صدقه جاریه خوانده شده، بیغمر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم ما را در احادیث قولی و فعلی به نشاندن نهال ها ترغیب داده.

عن أَنَسٍ رضي الله عنه، قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلاَّ كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ ”متفق عليه“

ترجمه: «از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: کدام مسلمانیکه یک نهال را غرس کند یا یک زراعت را کشت کند، اگر کدام پرنده یا انسان یا حیوان از آن خوراک کند، پس به تمام این برایش اجر صدقه داده میشود.»

اگر بالای ذخیرهء احادیث مطهره نظر انداخته شود معلوم میشود که اسلام بر کاشتن نباتات و درخت ها چه اندازه تاکید ورزیده، و بر نشاندن یک نهال ثمردار به یک مسلمان چه قدر خیر و ثواب عظیم به دست میاید. پس بناءً نشاندن و زراعت نهال ها از آن اعمال شمرده میتوانیم که هم فائدهء دنیوی با خود دارد او هم اجر اخروی بالایش حاصل میشود.

امارت اسلامی چنانچه در میهن عزیز به هدف صلح و امنیت همه جانبه با اشغالگران و دست نشانده هایشان مشغول مبارزه است، همچنان برای شادمانی هم وطنان عزیز، وسعت و پیشرفت اقتصادی، و از نگاه اقتصادی جهت متکی شدن بر خود در حدود امکانات خود توجه خصوصی دارد.

بناءً بالای هر مجاهد و هر فرد ملت متدین ما صدا میکنیم که با فرا رسیدن موسم نشاندن نهال ها در چار اطراف خود یک یا چند نهال مثمر و یا غیر مثمر را جهت سرسبزی زمین و استفادهء مخلوقات الله تعالی بنشاند.

این ها باید بدانند که با نشاندن نهال ها از یک سوی اتباع سنت فعلی رسول الله صلی الله علیه وسلم را کرده باشد و از سوی دیگر با آباد کردن زمین و سرسبز کردن محیط زیست شکر نعمت های الله عظیم و متعال را ادا کرده باشند.

مجاهدین و هموطنان عزیز باید مشترکا به نشاندن نهال هار کمر بسته کنند و درین بخش از هیچ نوع سعی دریغ ننمایند.

امیرالمومنین شیخ الحدیث مولوی هبة الله آخوند زاده، زعیم امارت اسلامی افغانستان

۱۴۳۸/۵/۲۹ه ق
۱۳۹۵/۱۲/۸ه ش
۲۰۱۷/۲/۲۶م



رود آمو (جیحون) از کوه‌های «پامیر» سرچشمه گرفته و حدود ۱۱۲۶ کیلومتر از طول آن در قسمت مرزهای شمالی افغانستان با تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان است.